

آداب خواستگاری

و حقوق زوجین

نوشته:

عبدالله ناصح علوان

مترجم:

ابراهیم تیموری بازگری

عنوان کتاب:	آداب خواستگاری و حقوق زوجین
عنوان اصلی:	آداب الخطبة والزفاف وحقوق الزوجین
تألیف:	عبدالله ناصح علوان
ترجمه:	ابراهیم تیموری بازگری
موضوع:	آداب و تربیت (دعوت، گفتگو، زندگی، تعبیرخواب، جشن و سوگواری و...)
نوبت انتشار:	اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار:	دی (جدی) ۱۳۹۴ شمسی، ربیع الأول ۱۴۳۷ هجری
منبع:	



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه مترجم.....	۷
مقدمه مؤلف.....	۱۱

فصل اول: فلسفه تشریح ازدواج در اسلام

مهمترین ثمرات و اثرات پیمان زناشویی.....	۱۵
۱- حفظ و باقی نوع نسل بشر.....	۱۵
۲- حفظ روابط نسبی.....	۱۶
۳- مسئولیت جامعه از انحرافات و بی بندوباریهای اخلاقی.....	۱۶
۴- تعاون و همکاری زوجین در تشکیل خانواده.....	۱۷
۵- مصونیت جامعه از امراض.....	۱۷
۶- آرامش روحی و روانی.....	۱۸
۷- برانگیختن عاطفه پدر و مادر نسبت به فرزند.....	۱۹

فصل دوم: رهبانیت در اسلام جایی ندارد

«و آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می کند؟».....	۲۶
مرض انحراف جنسی (لواط و سحاق).....	۲۷
مرض خیالپردازی و تخیلات جنسی.....	۲۷
خطرات زنا در جوامع شرق و غرب.....	۲۷
خطرات اجتماعی زنا.....	۲۹
زیانهای اقتصادی زنا.....	۲۹
خطرهای دینی و اخروی.....	۲۹

فصل سوم: ازدواج آگاهانه و از روی اختیار

- ۱- انتخاب همسر بر اساس دیانت ۳۵
- ۲- گزینش همسر بر اساس اصالت و شرافت خانوادگی ۳۷
- ۳- انتخاب دختران غیرفامیلی برای ازدواج ۴۰
- ۴- برتری ازدواج با دوشیزگان ۴۱
- ۵- برتری ازدواج با زنان زایا ۴۲
- ۶- در نظر گرفتن صحت و سلامتی جسم ۴۳

فصل چهارم: اصول خواستگاری و تعیین نامزد

- خواستگاری چیست؟ و اصول آن کدام است؟ ۴۷
- ۱- دیدن خواستگار دختر مورد نظرش را ۴۸
- ۲- خواستگاری بر خواستگاری ۵۴
- ۳- خواستگاری از زنی که در حالت عدّه است ۵۵
- حلقه نامزدی ۵۶

فصل پنجم: عقد نکاح و احکام آن

- شرایط و احکام ازدواج ۶۲
- ۱- ازدواج مرد غیر با زن مسلمان ۶۲
- ۲- ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب ۶۳
- ۳- زنانی که ازدواج با آنان حرام است ۶۴
- ۴- نکاح متعه (ازدواج موقت) ۶۵
- ۵- رضایت دختری که نکاح می‌شود ۶۵
- ۶- رضایت ولی زن در نکاح ۶۶
- ۷- وجود دو شاهد برای نکاح ۶۷

۸- مهر ۶۸

فصل ششم: آداب شب زفاف

الف - آداب مراسم عروسی ۷۳
 مهمترین بدعت‌ها و منکرات جشن‌های عروسی ۷۷
 گونه‌های مباح تفریحی و سرگرمی از نظر اسلام در مراسم عروسی ۸۲
 ب - آداب خلوت نمودن عروس و داماد در شب زفاف ۸۳
 بهترین شکل نزدیکی با زن ۸۷

فصل هفتم: ولیمه عروسی و آداب آن

۱- آدابی که در ولیمه باید رعایت شود ۹۳
 ۲- آیا بر شخص دعوت شده، واجب و ضروری است که دعوت را اجابت نماید و در مراسم شرکت کند؟ ۹۵
 ۳- آداب اجابت دعوت ۹۶
 ۴- مساعدت و مشارکت کسانی که تمکن مالی دارند در تهیه ولیمه ۹۸

فصل هشتم: مسائلی در ارتباط با جماع و آداب زفاف

۱- سخن گفتن با مردم در رابطه با مسائل زناشویی ۱۰۳
 ۲- نزدیکی مرد با همسرش در عقب (دُبُر) حرام است ۱۰۴
 ۳- مجامعت با زن در حالت حیض و نفاس حرام است ۱۰۵
 توصیه‌های پزشکان و فقهاء ۱۰۷

فصل نهم: حقوق - وظایف و تکالیف زناشویی

حقوق زن بر شوهر ۱۱۳

حقوق شوهر بر زن ۱۲۲

حقوق مشترک بین همسران ۱۲۹

فصل دهم: مشکلات و نارسایی‌های زندگی زناشویی و چگونگی مواجهه با

آن

اقدامات و احتیاط‌های پیشگیرانه بعد از عقد ازدواج ۱۳۶

۱- معاشرت نیکو ۱۳۶

۲- نصیحت و راهنمایی ۱۳۷

۳- ترک همبستری ۱۳۷

۴- کتک‌کاری خفیف [که جنبه تادیب و تربیت روانی دارد] ۱۳۷

نظر فقها در مورد زدن و تادیب همسر ۱۳۸

۵- حکمیت: [داوری] ۱۳۹

۶- طلاق دادن در وقت مناسب ۱۴۱

آیا زن می‌تواند خواهان جدایی و فرقت شود (طلاق بگیرد)؟! ۱۴۶

فصل یازدهم: شیوه‌های جاذبه‌آفرینی در زندگی زناشویی

نکته‌های طلایی در مناسبات همسری (خانواده متعادل) ۱۵۳

خاتمه ۱۵۵

پایان ترجمه ۸۲/۱۱/۲۸ - روستای بازگوی ۱۵۵

ابراهیم تیموری بازگری ۱۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي الْفَيْبِ الْعُلُوبِ

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا﴾ (اعراف / ۱۸۹)

هرآن کس خاطری مجموع ویاری نازنین دارد
 حریم عشق را درگه بسی بالاتر از عقل است
 دهان تنگ شیرینت مگر مهر سلیمان است
 لب لعل و خط مشکین چو اینش هست آتش نیست

[قسمتی از غزل ۱۱۷ - دیوان حافظ]

پند ناصح به گوش جان بشنو
 نصیحتی کنت بشنو و بهانه مگیر
 ورنه نبشته بر وی دیوار
 هرآنچه ناصح مشفقت بگویدت بپذیر

[سعدی]

۱- او از آن کسی است که شما را از یک جنس آفرید، و همسران شما را از جنس شما ساخت و شوهران در کنار همسران بیاسایند.

مقدمه مترجم

به نام آنکه مروارید محبت را در صدف جانها آفرید

چون پی «یسکن الیها»ش آفرید کی تواند آدم از حوا برید

[مولوی]

ازدواج، پیوندی مقدس و بنایی محکم، بقایی محبوب نزد معبود است و عاملی مؤثر و مفید در حفظ دین، پذیرش عبادت انسان، تکوین مودت و رحمت به شمار می‌رود و شیوه پاسداری و صیانت از حریم عفت و پاکدامنی، تضمین رزق و روزی و تعظیم سنت نبوی است. ازدواج آرامش‌بخش روحهای سرگشته و سرگردان، حیات‌بخش دل‌های افسرده و نگران و هدایتگر افکار گسسته و پریشان است. مکتب متعالی اسلام، ازدواج را وسیله‌ای برای رشد و کمال، تأمین سلامت جامعه و بقای نسل می‌داند. از این‌رو پیروان خود را به تسریع در ازدواج و ترک عزوبت دعوت می‌کند.

در فرهنگ اسلامی، ازدواج مقدمه‌ی رحمت و محبت، عشق و مودت و موجب سامان یافتن زندگی انسان است. همسران شایسته، غمخوار یکدیگر در سفر پرفراز و نشیب زندگی و یاور هم در طاعت پروردگارند. زن و مرد، استوانه‌های کیان خانواده و ستونهای خیمه زندگی‌اند و تعامل و حسن سلوک آن دو، الگو و سرمشق زندگی فرزندان است.

در شرع مقدس اسلام، جهاد زن، نیکو شوهرداری و امتیاز مرد، حسن تدبیر در اداره امور زندگی است. اسلام بر تسهیل امر ازدواج و تحکیم بنیان خانواده و سامان بخشیدن

به زندگی نسل جوان و پیشگیری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی آنان تأکید دارد و همگان را در فراهم ساختن مقدمات ازدواج ترغیب داده است.^۱

تحقیقات گوناگون نشان می‌دهد که افراد متأهل در مجموع خوشبخت‌تر و راضی‌تر از افراد مجرد و مطلقه و بدون همسر هستند، همچنین سلامت جسمی و روانی افراد متأهل بیشتر است و عموماً عمر طولانی‌تر و وضعیت اقتصادی بهتری دارند!

به این منظور، اسلام به پی‌ریزی خانواده شایسته و نیک فرمان داده و به‌خاطر پرورش و تربیت نسلی شایسته و تاریخ‌ساز و سعادت و سکون، اساس انتخاب را در وهله نخست ایمان، اخلاق و نجابت بیان کرده است.

باید دانست که ازدواج امر گذرایی نیست، بلکه یک عمر زندگی مشترک براساس پیمان استواری است که به‌هیچ وجه شوخی‌بردار نیست و شرایطی هم که زوجین بر آن توافق کرده‌اند قابل تحریف و تنقیض نمی‌باشد. لذا باید چشمها را خوب باز کرد و شتابزده مبادرت به انجام این جریان تأثیرگذار در سعادت خویش ننمود.

بنابراین چاره این است که برای تشکیل خانواده‌ای که جایگاه مهر و محبت، پایگاه انس و مودت و کانون اصلی تکوین شخصیت انسان است، اصول و برنامه‌های اسلام را موبه‌مو به اجرا درآوریم. تا خانواده‌های ما وسیله‌ای شود برای اقناع و ارضای مشروع سائقه‌های جنسی، تولید و تربیت نسل، ایجاد صمیمیت و تفاهم و تعاضد، تکمیل و تکامل و آرامش روح و روان.^۲ [انشاءالله]

آنچه در این مختصر، تقدیم شما عزیزان می‌شود، به بررسی هدایات خدا و رهنمودهای پیامبر عظیم‌شان اسلام، در خصوص؛ ازدواج و تشکیل خانواده، [خواستگاری، زفاف، ولیمه عروسی، آداب جماع] و وظایف و حقوق زوجین در مقابل

۱- نقل از «میثاق مقدس»، سعید آزر می سه ساری.

۲- روانشناس رشد، دکتر حسین لطف‌آبادی، ص ۲۳۹.

هم، و بررسی مشکلات و اختلافات خانوادگی و نحوه مواجهه با آن و در خاتمه طلاق و جدایی و آگاهی‌هایی در این موضوع می‌باشد.

هرچند در خصوص ازدواج کتابهای زیادی نگاشته شده و مولفین و محققین هرکدام به فراخور حال و ایده خود، جهت یا جهاتی را پیش گرفته‌اند، ولی جای کتابی که بتواند مستقیماً دیدگاه خدا و رسولش را در این موضوع عرضه نماید و نگاه آنان را به این مهم از زبان خودشان مطرح کند، همچنان خالی می‌باشد.

این‌جانب با مطالعه کتاب حاضر که نویسنده آن، از بزرگترین استادها و صاحب‌نظران در ترتیب اسلامی در جهان اسلام بود و نوشته‌های ایشان در موضوعات متنوع مذکور، برگرفته از آیات و احادیث، گنجینه عظیم فرهنگ اسلامی می‌باشد، با اعتراف به ضعف و نقص فراوان خویش، آن را به فارسی ترجمه نموده و تقدیم جوانان برومند جامعه اسلامی‌مان می‌نمایم، و موفقیت و شادکامی تمام خانواده‌های مسلمان و جوانان در آستانه‌ی ازدواج را از درگاه لایزال او مسئلت دارم.

در خاتمه نکاتی چند درباره این کتاب را ضروری می‌دانم خدمت شما خواننده گرامی عرض نمایم.

اولاً: نویسنده محترم، مرحوم ناصح علوان، یکی از بزرگترین علمای تربیت اسلامی در جهان اسلام بود که در طول حیات طیبه‌اش با منش دعوت‌گرانه و جهاد و اجتهاد مداوم، نقش اساسی در تکوین و تربیت جوانان مسلمان داشته کتاب «تربیه‌الاولاد» ایشان، یکی از کتب منحصر به فرد در حوزه تربیت اسلامی است که خوشبختانه به فارسی ترجمه شده و ما در پاره‌ای از مباحث، از این کتاب، بهره برده ایم.

ثانیاً: مرحوم مؤلف جهت اختصار، در بعضی موارد فقط قسمتی از حدیث را ذکر کرده که در ترجمه سعی شده، متن کامل حدیث ترجمه شود، البته بعضی احادیث از نظر سند ضعیف می‌باشد ولی از مضمون و متن خوبی برخوردار است، مترجم جهت رعایت امانت بدون دخل و تصرف آنها را ذکر نموده است.

ثالثاً: در پاره‌ای از مباحث، مترجم احساس توضیح بیشتر برای فهم بهتر نموده که با استفاده از کتب دانشمندان معاصر مخصوصاً دکتر قرضاوی (حفظ‌الله)، مطالبی افزوده است.

رابعاً: در مباحثی چون طلاق، موسیقی، ازدواج با غیرمسلمان، بین فقها و علمای اسلامی و نیز مذاهب اسلامی اختلاف‌نظرهایی جزئی وجود دارد، لذا در پاره‌ای از این مسائل مترجم برای آگاهی بیشتر، منابع فارسی معرفی نموده است.

خامساً: اشعار و آنچه داخل کروش [] آمده از ضمائ مترجم است.

در پایان موفقیت و شادکامی تمام خانواده‌های مسلمان و جوانان در استانه ازدواج برای انتخاب صحیح از درگاه خداوند متعال خواهانم و از همه عزیزانی که حقیر را در ترجمه، تصحیح، تایپ و چاپ این کتاب یاری دادند خصوصاً رفیق شفیقم دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی آقای رحیم خاکپور و استاد حسین تیموریف سردفتر ازدواج شهر تایباد، کمال تشکر و امتنان را دارم. و از خداوند متعال تجدید عزت و عظمت اسلام و مسلمانان را عاجزانه مسئلت می‌نمایم.

التماس دعای خیر - ابراهیم تیموری بازگری

خواف - روستای بازگوی - بهار ۱۳۸۳

مقدمه مؤلف

اول دفتر به نام ایزد دانا صانع پروردگار حیّ توانا
اکبر و اعظم خدای عالم و آدم صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

حمد و سپاس مخصوص خدایی که برای ارضای غریزه جنسی بندگانش، ازدواج را مشروع گردانید و سلام و درود بر شخصیتی که عفت و پاکدامنی را سنتی جهت اصلاح اخلاق و کردار بشریت در طول زمانهای متمادی، از خود به یادگار گذاشت. سلام و درود بر خاندان و یارانش؛ آن کسانی که اوامر الهی را امتثال نمودند و به حق بهترین امتی بودند که به سوی انسانها فرستاده شدند. و نیز بر تمامی رهروان و پیروان راهشان که به نیکی از آنها تبعیت می کنند ... و اما بعد؛

از زاویه نگاه کلی اسلام به هستی، زندگی و انسان و ... شروع به نوشتن رساله‌ای تحت عنوان «ادب خواستگاری، زفاف و حقوق زوجین» نمودم. تا هر کس که بخواهد، بداند که اسلام عزیزمان همه زوایای زندگی بشر را مدنظر داشته، و حتی گوشه‌ای از جوانب فطرت و سرشت انسانی را فرو نگذاشته مگر اینکه منهج و راه‌حلی برای برآورده شدن نیازهای آن، وضع کرده تا با شخصیتی متوازن و متکامل به نیکوترین شیوه و به نحو احسن مسؤولیتش را به انجام رساند باشد که توانایی انجام وظایفش را پیدا کند و برای ادای رسالتش بپاخیزد.

برادر جوانم! بعد از مطالعه این کتاب، بطور واضح و مفصل با آداب اسلامی در خواستگاری، زفاف و حقوق زوجین آشنا خواهی شد. لذا بعد از آگاهی از نظرات و دیدگاههای اسلام در ارتباط با این موضوع جز انطباق اعمال و کردارت بر مبنای فرامین اسلام، راهی دیگر نخواهی پیمود، تا انشاءالله خواستگاری، شب زفاف و معاشرت با همسرت بر اساس راهنماییها و تعالیم اسلام عزیز باشد.

به نظر من، اگر امت اسلامی از راه و طریقی که خداوند برای ایشان ترسیم فرموده پیروی کنند در سایه اسلام عظیم، زندگی‌ای توأم با امنیت و آرامش، عزّت و بزرگواری، تعاون و همکاری خواهند داشت و با همسر خود پیوسته به عنوان دو دوست، یار و همگام خواهند زیست و بهترین مردم در سلوک، رفتار و بخشش خواهند بود که برای دیگر هموعان خود هم مفید خواهند بود.

در خاتمه یادآوری می‌کنم که در بعضی از مباحث و محتویات کتاب حاضر را از دیگر تألیفات خویش مثل «مسئولیت تربیت جنسی» و «موانع ازدواج» برگرفته‌ام. زیرا موضوعات این کتابها ارتباط نزدیکی با همدیگر دارند که در پاورقی کتاب به آنها اشاره کرده‌ام.

از خداوند متعال خواهانم که اعمال ما را برای رضای خویش، خالص گرداند و به نسل جوان معاصر قدرت درک حقایق و فهم عمیق اسلام و بصیرت و بینش عطا بفرماید، تا در حدّ توان خویش بر منهج اسلام عزیز قدم بردارند. به امید آنکه خداوند سبحان توسط این نسل جدید، عزّت حقیقی اسلام و عظمت مسلمانان و هدایت تمامی بشریت را محقق سازد.

«و ما ذلک علی الله بعزیز»

[مرحوم] عبدالله ناصح علوان

فصل اول
فلسفه تشریح ازدواج در اسلام

پیش از آغاز بحث آداب خواستگاری و زفاف، مایلم در مورد حکمت و فلسفه ازدواج و نیز فوائد مثبت اخلاقی و جنبه‌های اجتماعی آن، مختصراً مطالبی را بیان کنم، به امید آنکه جوانان عزیزمان، حکمت و فلسفه تشکیل خانواده را بدانند، و پی ببرند که چرا خداوند متعال به آنان دستور داده تا در آغاز جوانی ازدواج کنند!؟

پس چنانچه جوان مسلمان، خواهان تهذیب نفس و سلامت اخلاق و ارضای قوه فطری و غریزشان هستند، هیچ راه چاره‌ای جز روی آوردن به ازدواج مبتنی بر آگاهی و بینشی عمیق همراه با میلی صادقانه، وجود ندارد. البته نباید از سختیها و دشواریهایی که مانع ازدواج می‌شوند، بهراسند. به قول معروف

مشکلی نیست که آسان نشود
مرد باید که هراسان نشود

مهمترین ثمرات و اثرات پیمان زناشویی

۱- حفظ و باقی نوع نسل بشر

بدیهی است که بقای نوع و نسل بشر بوسیله ازدواج است و پیوند زناشویی بین انسانها راهی است برای تداوم نسل بشر تا پایان زندگی او بر این کره خاکی. در قرآن کریم نیز به این حکمت اجتماعی چنین اشاره‌ای شده: «ای مردمان! از (خشم) پروردگاتان بپرهیزید. پروردگاری که شما را از یک انسان بیافرید و (سپس) همسرش را از نوع او آفرید، و از آن دو نفر مردان و زنان فراوانی (بر روی زمین) منتشر ساخت»^۱

«خدا از جنس خودتان همسرانی برای شما قرار داد (تا در کنار آنان بیسائید) و از همسرانتان پسران و نوادگانی به شما داد.»^۱

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در روایتی، به حکمت زاد و ولد و افزایش و پیدایش انسانها اشاره می‌کند، آنجا که می‌فرماید: «ازدواج کنید، تا جمعیت شما افزایش یابد، زیرا من در روز قیامت در بین سایر امتها، به فراوانی شما افتخار خواهم کرد.» (روایت بیهقی و عبدالرزاق)

۲- حفظ روابط نسبی

فایده دیگر ازدواج که خداوند به آن امر کرده، افتخار کردن فرزندان به نسبهایشان است. زیرا اصل و نسب‌دار بودن باعث اعتبار، ارزش، کرامت و خوشبختی است و چنانچه ازدواج نمی‌بود جامعه از فرزندان نامشروع که هیچ اصل و نسب و کرامتی نداشتند، پر می‌شد و در چنین جامعه‌ای ارزشهای اخلاقی لطمه اساسی می‌خورد و فساد و بی‌بند و باری در جامعه گسترش می‌یابد.

۳- مسئولیت جامعه از انحرافات و بی‌بندوباریهای اخلاقی

یکی دیگر از اثرات ازدواج، مصون ماندن جامعه از هرج و مرج و بی‌بندوباری اخلاقی و محفوظ ماندن افراد آن از مفسد اجتماعی است زیرا گزینه جنسی و تمایل به جنس مخالف تنها از طریق ازدواج اشباع می‌شود و از این جهت می‌بینیم که رسول گرامی اسلام ﷺ خطاب به جوانان با شیوه‌ای جالب و زیبا فلسفه اخلاقی ازدواج را اینگونه بیان می‌فرماید: «ای گروه جوانان! هر کس از شما استطاعت (قدرت جنسی و هزینه زندگی را) دارد، ازدواج کند، زیرا که ازدواج چشم را بهتر کنترل می‌کند و ناموس را محفوظ می‌دارد. اما کسی که نتواند هزینه ازدواج را تأمین کند باید روزه بگیرد، زیرا روزه باعث کم شدن شهوت و گزینه جنسی است.» [رواه الجماعة]

۴- تعاون و همکاری زوجین در تشکیل خانواده

بوسیله ازدواج است که زن و شوهر برای بقای خانواده با یکدیگر همکاری می‌نمایند تا بتوانند فرزندان‌شان را تربیت کنند و مسؤولیتهای زندگی‌شان را به انجام رسانند. در پرتو نظام خانواده است که زن و مرد مکمل همدیگرند و هریک دیگری را کامل می‌کند: در این میان زن به تناسب سرشت و طبیعتش عهده‌دار توانایی‌های ویژه‌اش، نقش خاص خود را ایفا می‌کند، تلاش و کوشش برای تأمین نیازهای خانواده، حل مشکلات و مسائل جانبی خارج از خانه، حمایت و نگهداری از خانواده در برابر کوران حوادث و مصیبت‌های روزگار، از عمده‌ترین روحیه همکاری بین زوجین تکامل یافته و به بالاترین مرتبه خود می‌رسد و در پرتو چنین روحیه‌ای، کانون خانواده بر پایه‌ی مستحکم و تربیت و پرورش کامل بنا شده و از نعمت محبت و دوستی که در سایه حقوقی که اسلام آن را برای سعادت جامعه مقرر کرده بهره‌مند می‌شوند.

۵- مصونیت جامعه از امراض

یکی دیگر از حکمت‌های خداوند از امر به تشکیل خانواده، سالم ماندن جامعه از امراض است. امراض مسری و کشنده که نتیجه روابط نامشروع و گسترش زنا در جامعه می‌باشد. در ذیل به نمونه‌هایی از این بیماریها که پیامد روابط آزاد جنسی و زنا در جامعه می‌باشد، اشاره می‌کنیم.

• **سوزاک Gonorrhoeal:** از جمله امراضی است که در اثر زناکاری انتقال می‌یابد. این بیماری در زنان باعث التهاب شدید در رحم و مردان موجب ملتهب شدن مثانه و بیضه‌ها می‌شود. این بیماری گاهی اوقات باعث عقیم شدن مرد یا زن می‌گردد و بعضی وقتها باعث التهاب در مفاصل شده و گاهاً روی جنین تأثیرات سوء می‌گذارد که باعث التهاباتی در چشم طفل شده و خطر کوری به دنبال دارد.

- **Syphilis**: علت اصلی انتقال این بیماری بدون شک از طریق تماسهای جنسی نامشروع (زنا و ...) می‌باشد که باعث التهابات شدید پوستی و مفصلی، استخوانی، عضلانی و قلبی، ریوی، کلیوی و عصبی و غیره می‌شود.
 - **شانکر یا آتشک Chancroid**: به علت روابط نامشروع و عمل زنا غده‌های لنفاوی ورم کرده که در نهایت منجر به ترشحات مزمن چرکین خواهد شد، دردهای مفصلی و التهابات مجاری ادرار و تورم اعضا از اثرات این بیماری می‌باشد.
 - **ضایعات پوستی نرم بر عضو تناسلی**: بر اثر زنا زخمهای نرم و دردناکی بر دستگاه تناسلی بیمار ظاهر می‌گردد، این زخمها انتشار پیدا کرده و باعث تخریب پوست می‌شود.
 - **بلوغ زودرس (نابهنگام)**: این بیماری بر اثر تحریکات مداوم عصبی قبل از زمان طبیعی خود، ایجاد می‌شود و قبل از آنکه غدد مولد هورمونهای جنسی شروع به فعالیت کنند، احساسات غریزی تحریک می‌شود، نتیجه این تحریکات بصورت امراض عصبی، روانی و ناهنجاریهای عضوی بروز می‌کند.
- علاوه بر امراضی که بیان کردیم، بیماریهای زیاد دیگری نیز هستند که در اثر شیوع فحشاء به تندرستی به انسان صدمه می‌زنند. که پرشکان در باره آنها به تفصیل بحث کرده‌اند و نسبت به خطرات آن هشدار داده‌اند.^۱

۶- آرامش روحی و روانی

بوسیله پیوند زناشویی بین زن و شوهر رابطه دوستی و مهربانی برقرار می‌شود و هر یک بر اثر انس گرفتن با دیگری به سعادت و خوشبختی نایل می‌آیند.

۱- کتاب «طب در قرآن» اثر عبدالحمید دیاب و احمد قرقوز، حاوی مباحثی جالب و مفیدی در این زمینه

است که به فارسی ترجمه شده و انتشارات حفظی آن را چاپ کرده است. [مترجم]

هنگام غروب که شوهر، کار روزانه‌اش را به پایان می‌رساند و به خانه برمی‌گردد و در جمع صمیمی زن و فرزندان قرار می‌گیرد، تمام غم، اندوه و مشکلاتی که در طول روز با آنها مواجه شده، فراموش می‌کند و خستگی و رنج ناشی از تلاش و زحمت کار زیادی که باعث آزدگی‌اش شده از بین می‌رود. زن هم در چنین شرایطی، زحماتش را فراموش کرده و در محیط باصفای خانواده احساس آرامش و سکون می‌کند. این چنین است که زن و شوهر با هم و در کنار همدیگر، لحظات خوشی را در سایه آرامش و سعادت زندگی زناشویی را تجربه می‌کنند.

و به این ترتیب هر یک از آنها با جدیت، نشاط و اراده به استقبال روز جدید می‌روند تا بتوانند برای ادای وظیفه و تکلیف مخصوص خویش آماده باشند. واضح است که در پرتو چنین آرامش روحی روانی، هریک از زوجین می‌تواند بطور کامل به مسؤولیت و وظایف خود عمل کرده و در راه خوشبختی خانواده و همسر و فرزندان خویش گام بردارد.

چه راست گفته پروردگار بزرگ در قرآن عظیم؛ آنجا که فرموده: «و از نشانه‌های خداوند آن است که همسرانی از خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان آرام گیرید و بین شما محبت و الفتی پایدار و استوار قرار داده و در آن نشانه‌هایی است برای اهل تفکر و اندیشه»^۱ [روم: ۲۱]

۷- برانگیختن عاطفه پدر و مادر نسبت به فرزند

پیوند زناشویی باعث می‌شود که محبت و احساسات نسبت به فرزند، از قلب پدر و مادر فوران کند و شعله‌های گرم احساسات و محبت خود را به جگرگوشه‌هایشان هدیه

۱- در این آیه شریفه، خداوند، فلسفه ازدواج را سکون و آرامش قلبی و آسایش روحی و دوستی پایدار در خانواده دانسته است. بنابراین اگر ازدواجی این ویژگی را در بر نداشته باشد، نمی‌تواند ازدواج موافق

با فلسفه آن و معقول باشد و در واقع، مابین با فلسفه زناشویی است. [مترجم]

کنند. بدیهی است که اینگونه احساسات عمیق، تأثیر مفیدی در مراقبت از فرزند و نتیجه چشمگیری در توجه به حال فرزندان و تربیت جگرگوشه‌هایشان را دارد که به‌خاطر مصالح زندگی فرزندان خویش، شب‌بیداری بکشند و برای فراهم نمودن آینده‌ای بهتر و والاتر و زندگی سعادت‌مندانه آنان کوشش نمایند. چه زیباست این سخن شاعر در ارتباط با محبت خالصانه والدین نسبت به فرزندان‌شان.

و لولا بنیّات کز غُوب القُضا حُطِطْنَ مِنْ بَعْضِ الی بَعْضِ
 لکان لی مضطربّ واسع فی الارض ذات الطول والعرض
 و ائّما اولادنا بیننا اکبادنا تمشی علی الارض
 لو هبّت الریح علی بعضهم لا تمتعث عینی عن الغمض

اگر کودکان ما به مانند جوجه‌های بلدرچین، جست‌وخیز (و بازی) نکنند، در زمین پریشانی و دردسر بزرگی برایمان خواهد بود.

فرزندانمان جگرگوشه‌های ما هستند که بر روی زمین راه می‌روند و اگر بادی بوزد و به آنان برخورد کند ما چشم‌هایمان را باز نگه می‌داریم تا مبادا گزندی به آنها برسد. آنچه ذکر شد، پرتوی از حکمتها و مصالح اجتماعی ازدواج بود، پس تعجبی ندارد اینکه می‌بینیم اسلام تا این اندازه به ازدواج اهتمام ورزیده و افراد را بر انجام آن تشویق و ترغیب می‌نماید. همچنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «با زنان دیگری که برای شما حلالند و دوست دارید، با دو یا سه یا چهار تا ازدواج کنید. اگر هم می‌توانید که نتوانید میان زنانتان دادگری را مراعات دارید، به یک زن اکتفا کنید.»^۱

۱- نساء: ۳. بنابر فرموده خداوند در این آیه شریفه در مسائل ازدواج و خانوادگی اساس بر تک‌همسری است و بهتر آن است که بخاطر فراهم نگردیدن زمینه و مشکلات مادی و اجتماعی دنیوی و عذاب و مجازات اخروی از ازدواج مجدد پرهیز شود. اما نباید فراموش کرد که پاره‌ای از اسباب و اعتبارات فردی و انسانی و اجتماعی وجود دارند که زمینه تعدد زوجات را فراهم می‌نمایند. زیرا اسلام دین سازگار با فطرت و ساختار زندگی فردی و اجتماعی است و با مشکلات ملموس و واقعی به گونه‌ای

«مردان و زنان مجرد خود را و غلامان و کنیزان شایسته (زادواج) خویش را (با تهیه نفقه و پرداخت مهریه) به ازدواج یکدیگر درآورید (و به فقر و تنگدستی ایشان ننگرید و نگران آینده آنان نباشید، چرا که) اگر فقیر و تنگدست باشند (و ازدواجشان برای حفظ عفت و دوری از گناه انجام گیرد) خداوند آنان را در پرتو فضل خود توانا و بی‌نیاز می‌گرداند، بی‌گمان خداوند دارای نعمت فراخ (بوده و) آگاه (از نیات همگان است).^۱»

پیامبر اکرم ﷺ نیز در این رابطه رهنمودهای زیبا و پرمعنایی را برای ما بیان فرموده‌اند که به گوش جان آن را می‌شنویم. ایشان می‌فرمایند:

«یا معشر الشباب من استطاع منكم الباءة فليتزوج ...» «ای گروه جوانان! هر کس از شما که توانایی ازدواج دارد، ازدواج کند...» که قبلاً به طور کامل آوردیم.

«دنیا کالا است و بهترین متاع آن زن نیکوکار است» [روایت مسلم، ابن‌ماجه و نسائی]

«چهار چیز جزء سنتهای پیامبران است: حناء، استفاده از بوی خوش، مسواک و ازدواج نمودن». [ترمذی]

«ازدواج کنید و (بچه بیاورید) تا جمعیت شما افزایش یابد، زیرا من در روز قیامت

در مقابل امتهای دیگر به کثرت شما افتخار می‌کنم». [روایت عبدالرزاق از بیهقی]

«سه چیز عامل سعادت بنی‌آدم است: ۱- زن نیکوکار. ۲- خانه وسیع و نیکو. ۳- مرکب مناسب». [روایت احمد]

واقع‌بینانه برخورد می‌کند و مردم را دچار سردرگمی و پریشانی نمی‌کند. «ر. ک به دورنمای جامعه

اسلامی» نوشته دکتر قرضاوی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی. [مترجم]

«هر کس که خداوند به او زن نیکوکاری عطا فرماید، او را در نیمی از دینش یاری فرموده است. و باید جهت حفظ در نیمه دیگرش تقوای خدا را داشته باشد.» [روایت طبرانی]

من از دنیای شما سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و روشنی چشم من در نماز قرار داده شده است».

فصل دوم
رهبانیت در اسلام جایی ندارد

از آنجایی که دین اسلام ازدواج را تشریح و به انجام آن دستور داده و مردم را نسبت به آن ترغیب و تشویق کرده است لذا نه تنها جایز نیست که مسلمان از آن شانه خالی کند بلکه خودداری از آن را به قصد و نیت فراغت بیشتر برای عبادت و تقرب به خداوند حرام دانسته، خصوصاً زمانی که فرد توانایی ازدواج داشته باشد و شرایط و امکانات آن را نیز برای او فراهم باشد، برای همین می‌بینیم که شریعت اسلامی با تمام توانش با این افکار که به رهبانیت و گوشه‌نشینی دعوت می‌کند، شدیداً مبارزه می‌کند، چرا که تجرّد عملی ناپسند و ناخوشایند است که با فطرت انسانی همخوانی ندارد و با میل و غریزه انسان ناسازگار است.

در این مورد «بیهقی» حدیثی از قول سعد بن ابی وقاص رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده که می‌فرماید: «همانا خداوند، دین با سماحت (اسلام) را برای ما جایگزین رهبانیت کرده است».

و نیز «طبرانی» و «بیهقی» از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت نموده‌اند که ایشان فرموده‌اند: «هرکس که اسباب ازدواج برایش فراهم باشد و ازدواج نکند، از من نیست».

اکنون اگر در مواضع رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به پرورش روح و علاج مشکلات جامعه تأمل نماییم، یقیناً اعتراف خواهیم کرد که این تربیت و راه‌حل‌ها براساس فطرت انسان و برآوردن امیال و خواسته‌های انسان، استوار گردیده است تا به این وسیله هیچ فردی در جامعه اسلامی از محدوده مجاز خودش که مطابق با فطرت سلیم اوست تجاوز نکند و نیز پا به راهی نگذارد که انحراف یابد یا با غریزه‌اش منافات داشته باشد، بلکه بر مبنای قانون و برنامه‌ای استوار و متعادل زندگی کند که اسلام برایش ترسیم کرده است و برای حرکت در زندگی روال طبیعی و متعادل، مناسب است، نه اینکه او بایستد و مردم حرکت کنند و به جلو گام بردارند و او عقب بیفتد حال آنکه قافله بشریت به پیش بتازد و او در ضعف و ترس روزگار سپری کند و سایرین در کمال و قوت.

لذا لازم است که جهت‌گیری ما براساس تعالیم پیامبران باشد، درست و معتدل. از جمله موضع‌گیری‌های آن حضرت ﷺ در رابطه با رهبانیت، حدیثی است که «بخاری و مسلم» از قول انس روایت کرده‌اند که گفت: «سه گروه به خانه‌های زنان پیامبر ﷺ رفتند تا در باره میزان عبادت پیامبر ﷺ از آنان سؤال نمایند، وقتی که زنان پیامبر مقدار عبادت آن حضرت را به ایشان گفتند، چنین پیدا بود که این افراد این میزان عبادت را برای خود کم می‌دیدند، بنابراین گفتند: ما کجا و پیامبر خدا ﷺ کجا؟! خداوند گناه اول و آخر او را بخشیده است، یکی از ایشان گفت: من همیشه تمام شب نماز می‌خوانم، یکی دیگر گفت: من تمام سال را بدون فاصله روزه می‌گیرم و سومی گفت: من از زنان دوری می‌کنم و برای همیشه ترک ازدواج می‌نمایم. در این اثنا پیامبر ﷺ تشریف آورد و فرمود: «شما این سخنان را گفته‌اید؟! اما (باید بدانید) قسم بخدا من از همه شما بیشتر از خدا می‌ترسم و از همه شما پرهیزگارترم ولی با این حال، مدتی روزه می‌گیرم، و مدتی هم روزه نمی‌گیرم، شبها هم مدتی نماز می‌خوانم و مدتی هم می‌خوابم، با زنان ازدواج می‌کنم، کسی که از شیوه رفتار و سنت من دوری کند (و به آن عقیده نداشته باشد) از امت من نیست.»

این موضع‌گیری رسول خدا ﷺ بزرگترین دلیل است بر اینکه اسلام دین فطرت است، راه زندگیست و رسالتی است که جاودانه خواهد ماند، تا زمانی که هیچ‌کس جز خدا، در جهان باقی نماند.

«و آیا چه کسی برای افراد معتقد بهتر از خدا حکم می‌کند؟»

برادر جوانم، در اینجا می‌خواهم برایت خطرات ترک ازدواج و رهبانیت را بر فرد و جامعه که به دنبال آن جوانان به لذت‌های حرام سوق داده می‌شوند، بیان کنم.

این خطرات را می‌توان در محورهای زیر خلاصه نمود:

۱- خطرات تهدیدکننده سلامت جسم که در این باره قبلاً یادآوری نمودیم.

۲- خطرات اخلاقی و روانی.

گاهی اوقات این احساس شهوانی که آدمی را به سوی حیوانیت سوق می‌دهد موجب امراضی می‌گردد که در ذیل می‌آوریم.

مرض انحراف جنسی (لواط و سحاق)

انحراف جنسی یا ارضا شدن مرد توسط مرد (لواط) یا زن توسط زن (سحاق) بیماری است که دامنگری بسیاری از جوامع مدعی تمدن مثل آمریکا و انگلیس شده است. تنها در شهر «نیویورک» آمریکا حدود نیم میلیون نفر به این انحراف مبتلا هستند، البته این تعداد کسانی هستند که بطور علنی و آشکارا اقدام به این عمل زشت می‌نمایند. اما تعداد افرادی که مخفیانه و به‌طور پنهانی مبادرت به همجنس‌بازی لواط و سحاق می‌کنند، بسیار است که آمار آنها نامعلوم می‌باشد.

مرض خیالپردازی و تخیلات جنسی

در اثر این حالت روانی مشاهده می‌شود که فرد بیمار اکثر اوقات در خیالات و تصورات شهوانی خویش غرق می‌شود. بیشتر این تخیلات جنسی مربوط می‌شود به اعمال جنسی از قبیل: در آغوش گرفتن، بوسیدن، گردن به گردن نهادن و غیره. در این حالت بیمار در خیال و رؤیای خویش اعضای بدن زن (مثل چشم، صورت، گردن، لبها، پستانها و رانهایش) را تصور می‌کند، چنین فردی دارای اراده‌ی سست و حافظه‌ی ضعیف است. غفلت و فراموشی او تشدید می‌شود، و خلاصه حالات فرد کندذهن و منگی را پیدا می‌کند که بسیار غمگین و افسرده به نظر می‌آید.

خطرات زنا در جوامع شرق و غرب

- پیدایش جوانان شهوتران و هوسبازی که غرق در شهوتند و در خماری هروئین و حشیش و یا مشروبات الکلی بسر می‌برند.
- ظهور نسلی منحرف و بیمار که از نظر جسمی، روانی، اخلاقی و عقلی اختلال و ضعف شدید دارند.
- زیاد شدن باندهای قتل و کشتار، جنایت و دزدی و تجاوزات جنسی.
- تجارت و داد و ستد شهوات و غرایز جنسی و نیز خرید و فروش دختران و روسپی‌گری و ...
- در چنین جوامعی باندهای پزشکان، وکلای دادگستری، حکام و دولتمردان برای سرپوش گذاشتن جرم و پایمال کردن حقوق دیگران، اقدام به رشوه‌گیری می‌نمایند.
- تعبیه مکانهایی که در آن زنان و مردان با چشم‌پوشی از همه ارزشها و فضایل اخلاقی، بدون هیچگونه شرم و حیایی، لخت و عریان ظاهر می‌شوند.
- پیدایش فاحشه‌هایی که برای گذران و به‌دست آوردن مخارج زندگی تن به زنا و خودفروشی می‌دهند.
- افزایش چاپ و نشر کتابهایی مربوط به مسائل و روابط جنسی، مجلات حاوی عکسهای لخت و عریان، کاباره‌ها و اماکن رقص و فساد و فحشا و ...
- ظاهر شدن گروههای (هیپی) که بیشتر به حیوانات و جانورانی مانند سوسک شباهت دارند و گروههای (پوچ‌گرا و بی‌هدف) که غرق در مستی و فساد و فحشایند.
- و نیز تعداد بسیار زیاد دیگری از مظاهر فساد و بی‌بندوباری که مجال بحث و فرصت ذکر آنان نیست و نتیجه‌ی بروز اینها بود که خروشچف در سال ۱۹۶۲ صراحتاً اعلام کرد که آینده کشور روسیه در خطر است و به آینده جوانان روس نمی‌توان امید داشت زیرا آنان نسلی بی‌بندوبارند که دائماً در شهوات و تمایلات جنسی غرق هستند.

و مقارن با همان زمان «کندی» نیز صراحتاً اعلام داشت که آینده کشور آمریکا در خطر است، زیرا جوانان کشور غرق در شهوات و مسائل جنسی هستند و صلاحیت انجام وظایف و مسؤولیتهایی که بر دوش آنهاست را ندارند و از هر هفت جوانی که برای خدمت سربازی مراجعه می‌کنند، شش نفر آنها صلاحیت لازم را ندارند. زیرا غرق شدن در شهوات، توانایی روحی و جسمی آنها را از بین برده است.

خطرات اجتماعی زنا

از جمله این نوع خطرات، فروپاشی و عدم تشکیل کانون خانواده است. ظلم به کودکان و اطفال و خطر شقاوت و بدبختی زنان و مردان و قطع صله‌ی رحم و روابط خویشاوندی است.

زیان‌های اقتصادی زنا

کسانی که مرتکب چنین اعمال زشت و ناپسندی می‌شوند، افرادی هستند که برای برآورده ساختن لذت خویش، اقتصاد جامعه را مختل می‌کنند چرا که اینان انسانهای ضعیف و ناتوانی هستند که توانایی تولید و اعمال اقتصادی را ندارند و برای دستیابی به ثروت به روشهای نامشروع متوسل می‌شوند.

خطرهای دینی و اخروی

و بالاخره مرد یا زن مجردی که عفت و پاکدامنی خویش را حفظ نمی‌کند و دست به اعمال نامشروع جنسی می‌زند و در شهوات و انحرافات غوطه‌ور است به چهار خصلت منفور و نکوهیده مبتلا خواهد شد که پیامبر اکرم ﷺ آنها را این چنین برشمرده است: «از عمل زنا دوری کنید زیرا موجب چهار خصلت خواهد شد: ۱- زیبایی و طراوت صورت انسان را زایل می‌کند. ۲- موجب قطع رزق و روزی می‌شود. ۳- خشم و غضب خداوند رحمان را برمی‌انگیزد. ۴- باعث جاودانه ماندن در آتش (قیامت)

می‌شود.»

و از دیگر خطراتی که زنا برای دین انسان ایجاد می‌کند اینکه انسان زناکار در هنگام انجام زنا از محدوده ایمان خارج می‌شود، در این مورد «شیخین» از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده‌اند که فرمود: «زناکننده، هنگام انجام زنا ایمان ندارد.» و خداوند متعال در آخرت فرد زناکار را دوچندان عذاب خواهد کرد. در سوره فرقان در باره‌ی خطر اخروی زنا، آمده است که: [و بندگان خوب خدای رحمان] کسانیند که با الله، معبود دیگری را به فریاد نمی‌خوانند و پرستش نمی‌نمایند، و انسانی را که خداوند خونس را حرام کرده است، به قتل نمی‌رسانند مگر به حق، و زنا نمی‌کنند. چرا که هرکس (یکی از) این (کارهای ناشایست شرک، قتل و زنا) را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند. و (کسی که مرتکب یکی از کارهای زشت و پلشت شرک و قتل و زنا شود) عذاب او در قیامت مضاعف می‌گردد، و خوار و ذلیل جاودانه در عذاب می‌ماند. [فرقان، ۶۹-۶۸]

آنچه برשמردیم، مهمترین پیامدهای رهبانیت و مجرد ماندن بود و شکی نیست که اینها نتایج خطرناک و دردناکی است که به عقل و اخلاق، دین، روان، خانواده، جامعه و سلامت و بهداشت و حتی امور اقتصادی لطمه می‌زند.

اینجاست که پیامبر ﷺ با بیانی استوار و شیوا، هنگامی که برای یاران خود در مورد اینکه مجردان بدترین خلق‌اند و کسانی که در حالت تجرد می‌میرند، پست‌ترین مردگان هستند، می‌فرماید: «بدترین شما کسانیند که ازدواج نکرده‌اند و پست‌ترین مردگان شما کسانیند که مجرد مرده‌اند».^۱

ولی اینک راه مبارزه با تجرد و ازدواج گریزی چیست؟
راه حل آن به دو عامل بستگی دارد:

۱- لازم به یادآوری است که علما در مورد سند این حدیث سخن گفته‌اند، محدث بزرگ، ابن حجر عسقلانی این حدیث را از طرق مختلف تخریح و تضعیف کرده است. همچنین در سند این حدیث خالد بن اسماعیل قرار دارد که از جاعلان حدیث به‌شمار می‌آید. اما باید توجه داشت که معنی و مضمون حدیث به صحت نزدیک است زیرا زمینه فساد فحشا در افراد مجرد کاملاً وجود دارد (مترجم).

۱- پاک‌سازی جامعه از کلیه محرکات جنسی.

۲- ازدواج به‌موقع و زودهنگام.

جوان‌هنگامی که می‌بیند راه ارتکاب بی‌بندوباری سد شده و نشانه‌ها و علائم آن از جامعه برجسته شده است ... در این وقت است که یقین پیدا می‌کند هیچ راهی برای ارضای غریزه جنسی‌اش جز ازدواج شرعی که خداوند آن را تشریح کرده، وجود ندارد. همان راهی که اسلام به آن امر و ترغیب و تشویق نموده. اینجاست که جوان با اشتیاق راستین و اراده‌ی بی‌غلّ و غش حرکت کرده و مشکلات ازدواج و تشکیل خانواده را در حدّ توان تحمل می‌کند.

اما ازدواج به‌موقع نیز روش تربیتی اسلام است، چنانچه قبلاً از پیامبر ﷺ نقل کردیم که فرمود: «ای گروه جوانان! هر کس از شما توانایی دارید، ازدواج کنید...».

ولی بدون وجود چنین ازدواجی مشروع، مشکلات و موانع زیادی سدّ راه می‌شود که اسلام بهترین راه‌حلها را برای برطرف کردن آن قرار داده است که کتاب «موانع ازدواج و راههای علاج آن در سایه اسلام» مهمترین این مشکلات و موانع را بررسی نموده‌ام و به بهترین و عملی‌ترین این راه‌حلها اشاره کرده‌ام.

خواننده عزیز! برای رسیدن به مقصود به این کتاب مراجعه کنید که در آن راههای تحقق این هدف به وسیله راه‌حلهایی که دین اسلام وضع کرده و با واقعیت موجود نیز منطبق است، بیان شده است.

فصل سوم
از دواج آگاهانه و از روی اختیار

زن بد در سرای مرد نکو هم در این عالم است دوزخ او
زینهار از قرین بد زینها «وَقِنَا رَبَّنَا النَّارَ»

[سعدی]

دین اسلام با شریعت والا و قانون تمام شمول و فراگیر و نظامی دقیق و منظم که به تمامی جنبه‌های زندگی توجه کرده ... برای هر دختر و پسری که قصد ازدواج دارند، یکسری قواعد و معیارهایی برای تشخیص صحیح همسر آینده وضع نموده که اگر این معیارها از جانب طرفین رعایت گردد و دختر و پسر براساس رهنمودهای آن اقدام به تشکیل خانواده کنند، کانون زندگیشان مملو از پسرانی تشکیل خواهد شد که در اوج ایمان، با اخلاقی متعالی، جسمی سالم، عقلی توانا و شخصیتی مطمئن و مخلص در جامعه ظاهر می‌شوند.

در اینجا مهمترین ملاک‌ها و معیارهای انتخاب همسر را بیان می‌کنیم:

۱- انتخاب همسر بر اساس دیانت

منظور ما از دین، مفهوم حقیقی اسلام و تطبیق عملی آداب و ارزش‌های والای آن در رفتار و عمل است.

التزام و پایبندی کامل بر برنامه‌ها و قوانین تمام شمول شریعت اسلامی برای زوجین الزامی است. وقتی که یکی از آن دو در این حد از رفتار و التزام عملی باشد می‌توانیم او را متدین و با اخلاق بدانیم در غیر این صورت به انحراف در رفتار و فساد اخلاقی او حکم خواهیم کرد. هرچند در چشم مردی ظاهری پرهیزگار و متدین داشته باشد.

بدین سبب است که پیامبر اکرم ﷺ تمامی کسانی را که قصد ازدواج و تشکیل خانواده دارند، راهنمایی کرده است که مهمترین شرط انتخاب همسر برای پسر و دختر،

دینداری است، تا زن در زندگی زناشویی آینده خود، وظیفه کامل خود را در حق خانواده همسر و فرزندانش ادا کند. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اولیاء دختران را نیز راهنمایی کرده‌اند که در باره‌ی خواستگار دخترشان تحقیق و بررسی کنند که آیا دیندار و با اخلاق است یا نه؟ و آیا توان اداره خانواده و تربیت فرزندان را دارد و نیز می‌تواند حقوق زناشویی را ادا کند؟ و آیا غیرت آن را دارد که از شرف حیثیت خانوادگی محافظت کند؟ و آیا توان تأمین مخارج و هزینه خانواده را دارد؟!^۱

«ترمذی» از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرموده‌اند: «هرگاه کسی که از دین و اخلاقش، راضی هستید، برای خواستگاری دخترتان آمد، با ازدواجش موافقت کنید، اگر این کار را نکنید باعث فتنه و فساد بزرگ در روی زمین (بین مردم) خواهد شد.»^۱

«بخاری و مسلم» به نقل از ابی هریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول خدا فرموده‌اند: ازدواج با زن به‌خاطر چهار صفت و ویژگی انجام می‌شود: یکی به‌خاطر مال و ثروتش، دوم: به‌خاطر نجابت و اصل و نسب خانوادگی‌اش، سوم: به‌خاطر زیبایی و جمالش و چهارم به‌خاطر دین و ایمانش. پس زن با ایمان و متدین را انتخاب کن تا خوشبخت شوی.»

و به‌راستی چه فتنه‌ای بزرگتر بر دین و تربیت و اخلاق دختر جوان و متدین، که در چنگال خواستگاری ملحد، فاجر و فاسق گرفتار شود که برای شرف و ناموس و حیثیتش ارزش و اعتباری قائل نیست و به‌هیچ قانون و عهد و پیمانی پایبندی ندارد؟!^۱

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف دین و خلق نیکو را توأمأ در نظر گرفته است، نه ثروت و دارایی را، و به ما هشدار می‌دهد که اگر به این دو خصلت توجه نکنیم، چه بسا این ازدواج موجب فتنه و فساد بزرگی در روی زمین خواهد شد. در روایت است که شخصی نزد امام حسن رضی الله عنه آمد و عرض کرد: من دختری دارم، به نظر شما چه کسی را برای همسری او برگزینم؟ فرمود: شوهری انتخاب کن ه تقوای الهی را داشته باشد، زیرا چنین انسانی اگر زنش را دوست بدارد احترامش را مراعات می‌کند و اگر با او میانه‌ای خوب نداشته باشد در حق او ستم روا نخواهد داشت. (مترجم)

و حقیقتاً چه مصیبت عظیمی است برای زن مؤمن و شایسته‌ای که پاکدامنی و نجابت او را شوهری بی‌دین و بی‌بندوبار لکه‌دار می‌کند و او را مجبور به برهنگی و همنشینی با مردان بیگانه و نوشیدن شراب و رقصیدن با مردان نامحرم، می‌نماید. در واقع او را به طرف فساد و تباهی دین و اخلاق سوق می‌دهد؟! متأسفانه، چه بسیارند دختران عفیفه‌ای که در خانه پدرشان نمونه عفت و پاکی بوده‌اند، ولی زمانی که وارد منزل شوهری فاجر و بی‌بندوبار شدند، تبدیل به موجودی مفتضح و بیهوده گردیدند که هیچ ارزش و اعتباری برای عفت و شرف خود قائل نمی‌شوند و برای آنان اصول و فضائل اخلاقی هیچ اهمیتی ندارد!!

شکی نیست که در چنین خانواده‌ای که منجلاب گناه و فساد است، فرزندان رشد می‌کنند که در آینده افرادی منحرف و بی‌بندوبار خواهند بود. مگر اینکه خداوند به آنها رحم کرده و افرادی پیدا شوند و با زحمت زیاد آنها را از غرق شدن در منجلاب فساد و محیط فاسد، نجات دهند و به سوی اصلاح و هدایت راهنماییشان کنند.

بنابراین انتخاب همسر بر اساس دینداری و پایبندی به اخلاق از مهمترین مواردی است که زندگی سعادت‌مند و تربیت فاضله‌ی فرزندان و حیثیت و ثبات آینده زندگی زناشویی موفق‌تری را برای زوجین تضمین می‌کند.

۲- گزینش همسر بر اساس اصالت و شرافت خانوادگی

یکی دیگر از اصول و ضوابطی که اسلام برای انتخاب همسر آینده وضع نموده، انتخاب همسر بر اساس نجابت و اصالت خانوادگی است. به این معنی که شریک زندگی آینده و همسر از خانواده‌ای اصیل و ریشه‌دار باشد که در بین مردم به شرافت و پاکی و شایستگی اخلاق معروف باشند. چرا که مردم در واقع، مانند معادنی هستند که از لحاظ اصالت و حقارت، فساد و سلامت اخلاقی با هم متفاوتند!!

پیامبر اکرم ﷺ این موضوع را اینگونه برایمان بیان کرده‌اند، آنجا که می‌فرمایند: «مردم، مانند معادن نیک و بد هستند بهترینشان در دوران جاهلیت در زمان اسلام نیز برگزیده و والا هستند، اگر اسلام را خوب بفهمند».^۱

بنابراین می‌بینیم که رسول اکرم ﷺ داوطلبان پیوند زناشویی را به انتخاب همسر بر اساس اصالت، شرافت و پاکی و شایستگی اخلاقی، تشویق می‌نماید. در اینجا از احادیث بسیاری که در این مورد روایت شده، به چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

«الدارقطنی»، «العسکری» و «ابن عدی» از ابوسعید خدری حدیثی روایت نموده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «از خضراء دمن (سبزه مزبله) بپرهیزید! گفتیم منظور شما از سبزه مزبله چیست؟ حضرت فرمودند: «آنان زنان خوب صورت و بدسیرتند، زنان زیبایی که در خانواده‌ی ناسالم و آلوده پرورش یافته‌اند».

همچنین در حدیث مرفوعی از قول حضرت عایشه رضی الله عنها از آن حضرت ﷺ آمده است که «برای استقرار نطفه‌های خویش» مناسبترین جایگاه را برگزینند، زیرا اصل و سرشت بد یک زمانی خود را ظاهر خواهد ساخت» [روایت ابن‌ماجه، الدارقطنی و حاکم]

و باز از قول عایشه رضی الله عنها حدیث مرفوعی روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «برای استقرار نطفه‌ی خویش جایگاه شایسته‌ای برگزینید، زیرا که زنان فرزندان همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند» و در روایتی آمده «برای نطفه‌های خود محلی شایسته و مناسب برگزینید چه بسا مردان شبیه دای خود آمده» [ابن عدی، ابن‌حیان] و فرمودند «با زانی ازدواج کنید که در دامان مادران شایسته پرورش یافته‌اند، زیرا اصل بد زمانی بروز خواهد کرد» [روایت ابن عدی در کامل به صورت مرفوع]

۱- رواه طیالسی، ابن منیع و عسکری.

مجموع این احادیث علاقمندان و داوطلبان ازدواج را راهنمایی می‌کنند که همسرانی انتخاب نمایند که در محیطی شایسته و خانواده‌ای اصیل و نجیب رشد و نمو کرده باشند و زاد و ولد آنها از نطفه‌ای با منشأ ارجمند از پدران و گذشتگان بزرگوار بوده باشد [زیرا از نظر ژنتیکی و علوم پزشکی تأثیر ریشه‌ها در اولاد، امری مسلم است (مترجم)].

شاید راز حکمت این توصیه‌ها آن باشد که از همان ابتدا سنگ بنای وجودی فرزندان، از بهترین‌ها باشد و طبع و خلق و خوی آنان با عادات ارزشمند و اخلاق اسلامی درآیند و در دوران کودکی شیر مکارم و فضائل اخلاقی را از این مبدأ متعالی بنوشند و خصائل و اخلاق خوب را به این شیوه برگزیده و کسب نمایند. به همین جهت وقتی که «عثمان بن ابی‌العاص ثقفی» فرزندانش را به گزینش نطفه پاک و پرهیز از همسری که از اصل بد منشأ گرفته است، سفارش می‌کند، می‌گوید: «ای فرزندانم، ازدواج کننده، مانند کسی است که نهالی را می‌کارد سپس باید کمال دقت نماید که در چه زمینی نهالش کاشته می‌شود، ریشه و اصل بد، فرزند و نتیجه نیک به بار نمی‌آورد. پس در انتخاب خود دقت کنید هر چند طول بکشد.

دلیل دیگر اثبات ارزش این‌گونه انتخاب، پاسخی است که عمر بن خطاب رضی الله عنه در جواب شخصی که از او پرسیده بود، حق فرزند بر پدرش چیست؟ فرمود: «اینکه مادری خوب برایش برگزیند و نامی نیک برای فرزند انتخاب کند و به او قرآن بیاموزد».

پس اگر علاقمندان به ازدواج خواسته باشند در زندگی زناشویی موفق باشند و به دنبال فرزندان شایسته، نسلی پاک و با ایمان باشد لازم است، در اختیار همسر خود بسیار دقت نمایند.

۳- انتخاب دختران غیرفامیلی برای ازدواج

از رهنمودهای حکیمانه و ارزشمند اسلام در گزینش همسر آینده این است که زن غیرخویشاوند (از لحاظ رابطه نسبی) برای ازدواج بهتر از زنی است که رابطه خویشاوندی دارد، زیرا ازدواج با خویشاوندان و اقوام نسبی، احتمال بروز بیماریهای مختلف و نقص عضو، امری مسری و ضایعات ارثی را در طفل افزایش خواهد داد.

ولی با ازدواج غیرفامیلی، سلامت و نیرومندی طفل تأمین خواهد شد، همچنین چنین ازدواجی روابط اجتماعی را مستحکمتر خواهد کرد و ارتباط خانواده‌ها با هم نزدیک خواهد شد. پس نباید تعجب کنیم، اگر می‌بینیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را از ازدواج با خویشاوندان و اقوام نسبی برحذر داشته، تا طفلی که نتیجه این ازدواج است، ضعیف و مریض نباشد و دچار نقص جسمی و بیماریهای ارثی نگردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله در باره‌ی ازدواج با اقارب (خویشاوندان نزدیک) می‌فرماید: «با اقارب و خویشاوندان ازدواج نکنید، زیرا فرزند نحیف، مریض و کندذهن خواهد شد» و نیز فرمودند: «برای ازدواج، زنان غیرخویشاوند را انتخاب کنید تا نقص و بیماری گریبانگیرتان نشود».

علم وراثت ثابت کرده که ازدواج فامیلی منجر به وجود آمدن نسلی ضعیف و رنجور چه از جنبه‌ی جسمی و چه از جنبه‌ی هوشی و ذهنی می‌شود، که منشأ اخلاق ناپسند و مذموم و عادات زشت اجتماعی نیز خواهد شد.

این حقیقتی است شگفت‌انگیز که چهارده قرن پیش، قبل از آنکه علم بشر آن را کشف کند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به آن اشاره کرد و این حقایق را برای صاحبان بصیرت بیان فرموده است و به درستی که راست گفته است خدای بزرگ در مورد پیامبرش که: «او از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید (آن چیزی که با خود آورده است و با شما در میان

نهاده است) جز وحی و پیامی نیست که (از سوی خدا به او) وحی و ابلاغ می‌گردد». [نجم: ۴ و ۳]

۴- برتری ازدواج با دوشیزگان

یکی دیگر از دستورات روشنگرانه اسلام در انتخاب همسر، برگزیدن دختر باکره و برتر دانستن آن نسبت به زن بیوه است. حکمت عمیق و فوائد زیادی در این رهنمود موجود است. از جمله این فوائد:

- با چنین ازدواجی، کانون خانواده مملو از آرامش و محبت می‌شود. و او این باعث عدم تیرگی روابط خانواده و عدم افتادن در دام جدال و خصومت خواهد شد.
- دختر اصولاً در اولین برخورد با شوهرش، مهر و محبت خود را نثار او می‌کند، زیرا شوهرش اولین انسانی است که به دایره عصمتش پا گذاشته، بنابراین وجودش با وجود همسرش درمی‌آمیزد و جوئی از آرامش و الفت و محبت بینشان برقرار می‌شود. اما زن بیوه در ازدواج دوم حلاوت و الفت ازدواج اول را نخواهد داشت و تعلق خاطر و تمایل پیشین را نسبت به شوهرش ندارد، چنانکه گفته‌اند: «عشق نخستین، نیرومندترین عشق است».

عجیب نیست اینکه می‌بینیم عایشه رضی الله عنها این حالت را با مثالی برای پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار می‌کند آنجا که به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض می‌کند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله اگر در راه، جایی فرود آیی و دو درخت آنجا باشد، یکی از آن دو میوه‌اش خورده شده و دیگری دست نخورده و بکر باشد، زیر کدامیک استراحت می‌کنی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: زیر سایه آن درختی که دست نخورده باشد و عایشه رضی الله عنها گفت: من همان درخت دست نخورده‌ام.» [روایت بخاری]

مقصود حضرت عایشه رضی الله عنها از این مثال، بیان فضلی است که بر سایر امهات المؤمنین داشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله به بعضی از دلایل برتری دختران باکره بر بیوه زنان اشاره می‌کند.

می‌فرماید: «با دختران باکره ازدواج کنید که خوش سخن‌ترند، رحمی باروتر و زایاتر دارند، مکر و حيله آنان کمتر است و با شوهر بیشتر سازگاری دارند.» [روایت ابن‌ماجه و بیهقی]

همچنین پیامبر اکرم ﷺ در گفتگو با یکی از یارانشان به نام «جابر» به این نکته لطیف اشاره دارند که ازدواج با بارکره را افزایش می‌دهد و در جهت حفظ فرد مسلمان از گناه و پاسداری از عفت او بهتر است. «بخاری» و «مسلم» روایت کرده‌اند که «جابر» می‌گوید: در بازگشت از غزوه - ذات‌الرقاع - با نبی اکرم ﷺ همراه بودم از من پرسیدند که آیا ازدواج کرده‌ای؟ گفتم: بله ای رسول خدا ﷺ فرمودند: باکره است یا بیوه؟ گفتم: بیوه، فرمودند: چرا با دوشیزه‌ای ازدواج نکردی که با او شوخی و بازی کنی و او هم با تو بازی کند؟ گفتم: ای رسول خدا ﷺ پدرم در جنگ احد شهید شدند، و بعد از شهادتش هفت دختر برجای گذاشت به این دلیل زن بیوه و با تجربه‌ای برگزیدم تا بتواند از آنها سرپرستی و مواظبت کند، پیامبر ﷺ فرمودند: «إن شاء الله نتیجه‌گزينش همان باشد که می‌خواهی».

این حدیث اشاره دارد به اینکه ازدواج با دختر باکره بهتر از زن بیوه است، مگر در موارد مخصوص، مانند موردی که جابر ﷺ بیان کرد که برای نگهداری و مواظبت فرزندان یتیم و توجه به جان آنان است، که در واقع به اقتضای این آیه شریفه عمل کرده است که می‌فرماید: «در انجام اعمال نیک و تقوا، با هم دیگر تعاون و همکاری کنید».

۵- برتری ازدواج با زنان زایا

از دیگر دستورات اسلام در جهت انتخاب همسر مناسب، گزینش همسری است که قادر به آوردن بچه باشد، زن زایا به دو طریق شناخته می‌شود:

اولاً: سلامت جسمی و نداشتن امراضی که از بارداری زن جلوگیری کند و برای تشخیص این مسئله باید از متخصص کمک گرفت.

ثانیاً: در نظر گرفتن وضعیت مادر و خواهران دختر مورد نظر که ازدواج کرده‌اند، که آیا از زنان زایا هستند یا نه، زیرا غالباً از این جهت با هم تشابه دارند. از جهت پزشکی زنی که استعداد بچه‌دار شدن دارد از لحاظ جسمی دارای وضعیت مطلوب است و از توانایی جسمی خوبی برخوردار می‌باشد و نشانه‌ی این توانایی قدرت انجام دادن کارهای منزل و رسیدگی به ترتیب و پرورش بچه‌ها و ادای حقوق و وظایف زناشویی به نحو احسن می‌باشد. با توجه به آنچه بیان کردیم نتیجه می‌گیریم کسی که توانایی تربیت اولاد را آنچنانکه اسلام دستور داده در خود نمی‌بیند و قصد ازدواج دارد، به مطلوب خود دست نمی‌یابد مگر آنکه در جستجوی زن بارور باشد و با تربیت فرزندان صالح و شایسته بر تعداد امت محمدی که خداوند آنها را الگو و نمونه برای تمامی انسانها و بهترین امت قرار داده، بیفزاید...

این مطلب از رهنمودهای پیامبر اکرم ﷺ است، هنگامی که مردی خدمت حضرت مشرف شد و گفت: زنی را دوست دارم که دارای اصل و نسب و مال و منصب است، ولی باردار نمی‌شود، آیا با او ازدواج کنم؟ فرمودند: خیر، بار دیگر نزد پیامبر ﷺ آمد و سؤال کرد، پیامبر او را مجدداً نهی کرده و بار سوم خدمت حضرت رسید و تقاضای خود را تکرار کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: «همسری را انتخاب کن که زایا و مهربان و محبوب باشد، زیرا من به فراوانی شما در روز قیامت افتخار می‌کنم». [روایت ابوداود، نسایی و حاکم]

۶- در نظر گرفتن صحت و سلامتی جسم

اسلام برای تضمین خوشبختی زوجین و ایجاد نسلی پاک و نیرومند، پسر و دختر را تشویق می‌کند که به معیار توانایی و صحت جسمی و سلامت عقلی، توجه داشته باشند. به همین خاطر اسلام به زوجین حق داده است که در صورت عدم توانایی وظایف زناشویی همسرش، ازدواج را فسخ نماید. همچنانکه پیامبر ﷺ می‌فرماید: «همانطور که از شیر می‌گریزی از شخص مبتلا به مرض جذام دوری کن» و در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مریض باید از نزدیکی با شخص سالم خودداری کند». [بخاری]

آنچه بیان کردیم، مهمترین معیارهای انتخاب همسر می‌باشد:

پس اسلام ایجاد اولین پناهگاه برای خانواده را با ازدواج معالجه نموده تا بدین وسیله شخص بر اساس مبادی استوار و قواعد عملی سالم در انتخاب شریک زندگی موفق باشد. انتخابی که مهمترین معیارهایش تدین، اصالت خانوادگی و ترجیح دوشیزه بر بیوه است. از آن جایی که انسان مسلمان، می‌داند که از کجا آغاز کند تا بتواند خانواده‌ای مسلمان تشکیل و فرزندان صالح به جای بگذارد و در اینجا نسلی مؤمن به خدا، سهیم باشد، انجام وظایف و مسؤولیتهای دشوار دیگر در ارتباط با این اهداف بر او سهل و ساده می‌گردد. و هر راهی را که در جهت اصلاح خانواده و فرزندانش بینماید برایش آسان می‌نماید و کلاً در تشکیل خانواده و ترسیم آینده فرزندان موفق و خوشبخت خواهد بود. چرا؟! زیرا او سنگ بنایی را به وجود آورده است که اساس ترتیب صحیح بر آن استوار می‌باشد و از اصول اصلاح اجتماعی و نشانه جامعه فاضل به حساب می‌آید، بدون شک آن سنگ بنا همان زن شایسته است.

فصل چهارم
اصول خواستگاری و تعیین نامزد

اسلام با نظام جاودانه و اصول آسان و استوارش، یکسری قوانین، دستورات و اصول عملی را وضع کرده تا خواستگار در مورد دختر مورد نظرش رعایت نماید. اگر جوانان این اصول و قوانین را در نظر داشته باشند و براساس آن شریک آینده خویش را انتخاب نمایند، خود و همسرانشان خوشبخت و بین آنان محبت و صمیمیت حکمفرما خواهد شد و همگی در سایه‌ی ازدواجی سعادت‌مند و همدلی کامل و تفاهم دوجانبه زندگی خواهند کرد.

خواستگاری چیست؟ و اصول آن کدام است؟

خواستگاری آن است که قبل از انجام مراسم عقدکنان، مردی که تصمیم به ازدواج گرفته، ابتدا دختری را که برای این منظور انتخاب نموده مورد تحقیق و بررسی قرار دهد و یا یکی از اقربا و نزدیکان خود را می‌فرستد تا با او صحبت و گفت‌وگو نماید و خواسته‌ها و شرایط آنان را برای ازدواج بپرسد و آنگاه تصمیم بگیرد که این وصلت را قبول کند یا آن را نپذیرد.

هدف از این مقدمات قبل از ازدواج این است که ازدواج از همان اول بر پایه‌ی بصیرت و شناخت صورت گیرد و باعث رفع مشکلات و تنازعات آن شود که احتمال دارد در زندگی زناشویی آینده آنها پیش آید، و از طرفی این عمل موجب استحکام روابط بین خانواده و خویشان و اولاد آنان می‌شود.

۱- دیدن خواستگار دختر مورد نظرش را

شریعت اسلام به خواستگار اجازه داده که وقتی تصمیم به ازدواج با زنی را می‌گیرد^۱ قبل از عقد، او را ببیند و [از اوصاف ظاهری و باطنی او باخبر شود]، همچنانکه به زن هم اجازه داده شده تا قبل از اجرای عقد زناشویی همسر آینده‌اش را ببیند. چرا که انتخاب از روی آگاهی و شناخت، زندگی زناشویی را گواراتر، سعادت‌مندتر و بادوام‌تر خواهد نمود. دلیلی که این عمل را جایز دانسته، حدیثی است که «ترمذی»، «نسایی»، «ابن‌ماجه» و «بخاری» روایت کرده‌اند که مغیره بن شعبه نزد پیامبر ﷺ آمد تا به ایشان خبر بدهد که یک زن را خواستگار نموده است، پیامبر ﷺ فرمود: «او را ببین که برای ادامه زندگی شما، این عمل بهتر و شایسته‌تر است». یعنی اُنس و اُلفت و معاشرت میان شما دو نفر بدین شیوه گرم‌تر و شیرین‌تر خواهد شد [زیرا که چشم، پیک قلب و پیام‌آور عاطفه است و بعضی اوقات برخورد دو چشم با هم باعث ایجاد الفت بین دو خانواده می‌شود. (مترجم)

۱- لازم به ذکر است که خواستگاری از طرف دختر یا پسر، هیچ اشکالی ندارد و اینکه کسانی رایزنی خانواده دختر برای ازدواج با پسر را بد و ناشایست می‌دانند، در شرع و عرف اسلامی جایی ندارد. در تاریخ اسلام و بین اصحاب رسول الله ﷺ کسانی بوده‌اند که برای دخترانشان از مرد مورد نظر خواستگاری کرده‌اند، مانند: امیر مؤمنان عمر بن خطاب که پیشنهاد ازدواج حفصه را به حضرت عثمان رضی الله عنه داد و چون ایشان نپذیرفت به ابوبکر صدیق پیشنهاد کرد. که علت نپذیرفتن آنها، تمایل پیامبر ﷺ به حفصه بود و در نهایت پیامبر ﷺ با حفصه عروسی فرمود و حتی شاهد داریم که گاهی خود زنان می‌آمدند و می‌گفتند یا رسول الله ﷺ ما را برای خود عقد کنید. لذا اگر عرف جامعه ما چنین است که مرد به خواستگاری زن می‌رود به نوعی احترام قائل شدن به زن است و محترم. اما اگر برعکس زن به مرد پیشنهاد ازدواج داد، به هیچ وجه جای ملامت و ناپسند داشتن نیست و نباید زبان به طعنه و تمسخر گشود. (مترجم)

«مسلم» و «نسایی» روایت کرده‌اند که مردی نزد پیامبر ﷺ شرفیاب شده و خبر داد که با زنی از انصار ازدواج نموده است. پیامبر ﷺ فرمودند: «آیا او را دیده‌ای؟ گفت: نه. حضرت ﷺ فرمودند: «برو او را ببین، چون چشمهای انصار معیوب (یا کوچک) هستند.» اما نگاه کردن به مخطوبه^۱ آدابی دارد که باید رعایت شود:

اولاً: خواستگار باید عزم جدی و صادقانه بر ازدواج گرفته باشد و قصدش از نگاه کردن فقط تصمیم بر ازدواج باشد و در غیر این صورت (نگاه کردن به قصد لذت بردن) جایز نیست. چرا که از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «اگر خداوند در دل شخصی تمایل به خواستگاری زنی را پدید آورد، اشکالی ندارد که او را ببیند و نگاهش کند.»

ثانیاً: موضع و حدودی که مباح است به هنگام خواستگاری نگاه شود، صورت و دو دست مخطوبه می‌باشد. چون مظهر محاسن و زیباییهای ظاهری زن در صورت متجلی شده و کفین هم در حالت عادی، ظاهر هستند لذا خواستگار مجاز نیست جز دست و صورت مخطوبه‌اش، اعضای دیگرش را نگاه کند.

آنچه مؤید این قول است که مراد از نگاه کردن، نگاه کردن به صورت است. این فرمایش حضرت رسول خدا ﷺ به مردی از انصار است که فرمودند: «برو او را نگاه کن چون در چشمان انصار مختصر عیوبی است که بعد از نگاه کردن برایتان معلوم می‌شود.» این جمله برای ما مشخص می‌کند منظور از نگاه کردن، صورت می‌باشد.

دلیل دیگری که این نظر را تقویت می‌کند، سخن رسول خدا ﷺ به ام‌سلیم است، وقتی که او را پیش زنی فرستاد به ام‌سلیم سفارش کرد: «به ساق پاهایش نگاه کن و دهان و گردن و زیربغل او را بو کن» پس اگر نگاه دیگر اعضای زن جائز می‌بود، خود

۱- زنی است که از او درخواست ازدواج شده (المنجد).

رسول خدا ﷺ این کار را انجام می‌داد در حالی که آن حضرت ام‌سلیم را فرستاد تا اعضای دیگرش را ببیند.

ثالثاً: در صورت نیاز و ضرورت جایز است خواستگار چندین بار مخطوبه‌اش را نگاه کند تا شکل و قیافه‌اش بطور کامل در ذهنش مجسم شود. دلیل ما برای جواز تکرار نگاه، لفظ «أُنظر اليها» یعنی «نگاهش کن» می‌باشد که در حدیث به طور امر مطلق بیان شده و هیچ قیدی آن را مقید و محدود و منحصر نکرده و پیامبر ﷺ فرموده یکبار یا دوبار نگاهش کن، بلکه فرموده نگاهش کن.

رابعاً: خواستگار می‌تواند با نامزدش صحبت و گفتگو کند و در مجلس خواستگاری و یا هنگام دیدنش با وی صحبت نماید زیرا جمهور فقها، اتفاق نظر دارند که صدای زن عورت نیست زیرا پیامبر اکرم ﷺ با زنان سخن می‌گفت و سخنانشان را نیز می‌شنید، همچنین اصحاب گرانقدر ایشان بعد از رحلت حضرت رسول ﷺ در مورد احادیث و احکام شرعی پرس و جو می‌کردند و همسران پیامبر اکرم ﷺ از پشت پرده به سؤالهایشان پاسخ می‌دادند.

خامساً: جایز نیست، خواستگار با نامزدش مصافحه کند و با هم دست دهند، زیرا هنوز عقد شرعی، منعقد نشده و پسر و دختر نسبت به هم نامحرم هستند و شریعت اسلام دست دادن مرد بیگانه با زن‌ها را تحریم نموده است.

«بخاری» از عایشه رضی الله عنها روایت کرده که فرمودند: «پیامبر ﷺ هنگام بیعت گرفتن از زنان، دست هیچ زنی را لمس نکرد و بیعتشان با خانمها فقط کلامی بود»

سادساً: جایز نیست که خواستگار و نامزدش در فاصله خواستگاری تا اجرای صیغه عقد، در یک مکان تنها با هم، خلوت کنند مگر اینکه همراهشان یکی از محارم خانواده دختر باشند. زیرا خلوت کردن با زن بیگانه و تنها بودن با او در یک مکان، از نظر اسلام حرام است.

«بخاری و مسلم» از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که ایشان می‌فرمایند: «کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، به هیچ‌وجه نباید با زنی که محرّمش نیست خلوت کند چون در چنین حالی شیطان سومین نفر آنان است و زن نیز بدون محرّم حق سفر کردن، ندارد مگر اینکه محرّمی همراهش باشد.»

سابقاً: مردی که تصمیم ازدواج با زنی را دارد، می‌تواند بدون اطلاع آن زن و خانواده‌اش او را ببیند [یعنی اجازه موافقت زن برای دیدن لازم نیست].

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هرگاه شخصی اراده خواستگاری از زنی نمود، می‌تواند او را ببیند و نگاهش کند، گرچه آن زن اطلاعی نداشته باشد. [جابر بن عبدالله در مورد زنش می‌گوید: در پشت دیوار خود را پنهان می‌کردم تا او را ببینم].

خواننده‌ی محترم! آنچه ملاحظه نمودید، آدابی بود که اسلام عزیز برای کسی که اراده‌ی خواستگاری دارد وضع کرده است، کسی که از این حدود تجاوز کند و شیوه و رسمی خلاف آن را در پیش بگیرد، حد و مرز شریعت را رعایت نکند، با این اعمالش با شریعت مخالفت ورزیده و بدین سبب مرتکب گناه و عصیان شده است!!

اما آنچه که در بین مردم و جامعه کنونی ما رسم است، افراط و تفریط در رابطه با این موضوع است که اکثر مردم در خواستگاری به دو شیوه متناقض برخورد می‌کنند.

۱- دسته‌ای از مردم که به آداب و دستورات اسلامی مقید نمی‌باشند، به دخترشان اجازه می‌دهند که بدون محرّم، هر جا که می‌خواهد با نامزدش بگردد و هر کاری که دوست دارد آزادانه انجام دهند، به این بهانه که قصد آنان از این کار آشنایی با اخلاق، رفتار و طبیعت و اطلاع از فهم و شعور همدیگر است.

واضح است که این ادعایشان، ادعایی بی‌اصل و اساس و باطل است که اسلام به هیچ‌وجه آنرا نمی‌پذیرد بلکه بدون هیچ اغماضی آن را حرام می‌داند و با آن مبارزه می‌کند. چرا که این عمل با مبادی اصول اخلاق و ارزشها منافات دارد و حیثیت و آبروی زن مسلمان و نظام اسلامی را خدشه‌دار می‌کند.

بر انسانهای عاقل و صاحب بصیرت، روشن است که اینگونه اختلاطهای نامشروع بین دختر و پسر در اکثر اوقات، منجر به فجایع اخلاقی و ارتباطات نامشروع می‌شود، که پیامدهای بد و ناگواری خواهد داشت. البته که ضرر این کار بیشتر متوجه دختر می‌شود تا پسر و آبروی دختر را لگه‌دار می‌کند. زیرا اگر پس از این ارتباطات، از ازدواج با دختر منصرف شود، می‌تواند با بهانه‌هایی از قبیل عدم تفاهم و عدم تجانس اخلاقی، انصراف خود را توجیه کند و قطعاً این کارش عامل شبه‌انگیز و سبب بدنام شدن دختر خواهد شد و حیثیت دختر بر سر زبانها می‌افتد. و نهایتاً به کساد بازاری می‌انجامد و باعث ترشیده شدنش می‌شود.

همچنین بر صاحبان خرد و اندیشه، پوشیده نیست، اهداف این اختلاط غیراخلاقی که شناخت روحیات طرف مقابل است، تحقق نمی‌یابد. زیرا هر یک در مقابل دیگری خود را به تکلف انداخته و شخصیتی مصنوعی و غیرواقعی - آن هم شبیه دلقک و حقه‌بازان - از خود نشان می‌دهد.

و چه بسا از این نوع خواستگاری‌های غیراخلاقی سراغ داریم که نه تنها منجر به ایجاد زندگی زناشویی توأم با الفت و محبت، نگشته بلکه بعد از این همه آمیزش گناه‌آلود، سرانجامی جز طلاق و جدایی نداشته است.

پس چه شد نتیجه‌ی شناختی که ادعا داشتند در دوره نامزدی حاصل شده!! اما با کمال تأسف معاندان این حقیقت را نمی‌پذیرند.

در مقابل این گروه بی‌مبالات، دسته‌ای دیگر از مردم هستند که آداب اسلامی را نادیده می‌گیرند، این گروه [مقدّس نماهای متحجّر] و متعصّبان افراطی هستند که با پشت پازدن به سنت رسول خدا ﷺ در این مورد، نه تنها قبل از عقد به خواستگار دخترشان اجازه رؤیت نامزدش را نمی‌دهند، بلکه اعلان می‌دارند که دامادشان تا شب زفاف، اجازه ندارد دخترشان را ببیند.

[در این باره شیخ محمد ابوزهره می‌گوید: «اسلام به روش افراطی برخی از مقدس‌نماهای متحجر که در خواستگاری از دیدن ممانعت مطلق به عمل می‌آورند، توجه نکرده است، چرا که با این رویه خواستگار تنها به اوصاف توصیف شده تکیه می‌کند. و چه بسا کسانی که دختر را دیده باشند، نپسندند، در حالی که اگر خود خواستگار او را ببیند، بپسندد. همچنین ممکن است زنانی که عروس را مشاهده کرده باشند او را بپسندند و در نزد داماد از او تعریف و تمجید نمایند، و داماد نیز مورد را زیبا و جالب تصور کند، در حالی که اگر بعداً او را ببیند چه بسا برخلاف تصورش باشد در این صورت کینه و بیزاری در او پدید می‌آید که همواره در آینده، زندگی زناشویی او را تهدید می‌نماید و چه بسا اگر در وهله‌ی اول خواستگاری، دختر را می‌دید او را می‌پذیرفت.»^۱]

بر انسانهای فهیم و دانا روشن است که اتخاذ این موقف، و مقید بودن به این آداب تناسبی با شریعت اسلام ندارد و اغلب اوقات زن و شوهر به آرامش نفسی و خوشبختی و سعادت نمی‌رسند، و چه بسا این عمل منجر به خانه‌نشین شدن و کسادی ازدواج دختر می‌شود و دختر آن قدر در کنج خانه می‌نشیند که دوشیزه‌ای سالخورده و پیردختری می‌شود که از ازدواج باز می‌ماند.

پس بر خواستگاران و اولیاء دختران لازم و ضروری است که در موقع خواستگاری و آستانه ازدواج به حدود الهی پایبند باشد اگر خواهان حفظ کرامت و ارزش زن هستند و می‌خواهند خانواده‌ی سالم و اجتماع از نظر اخلاقی محفوظ بماند «پس اینها حدود الهی است، از آنها تجاوز نکنید. و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند».

۲- خواستگاری بر خواستگاری

چنانچه مردی متدین و متخلّق به اخلاق اسلامی زنی را خواستگاری نماید و جواب مثبت بگیرد و الفت و ارتباط اسلامی بین آنها ایجاد شود، برای شخصی دیگر جایز نیست که به خواستگاری آن زن برود. [چون برای فرد اول یک حق شرعی به وجود آمده است، که به منظور حفظ محبت و علاقه اسلامی بین مردم باید رعایت گردد تا مسلمان از کاری که خلاف مروّت و مردانگی است و به دزدی شباهت دارد، به دور باشد].

اما وقتی خواستگار اول از ازدواج با آن زن منصرف شود و یا اجازه دهد فرد دومی، خواستگاری نماید، در این حالت خواستگاری جایز و بلا اشکال است.

پیامبر ﷺ در این مورد ارشاد می‌فرماید: «کسی نباید بر خواستگاری برادر دینی‌اش، خواستگاری کند مگر نفر اول از خواستگاری صرف نظر کند و یا به فرد دومی اجازه این کار را بدهد.» [بخاری] بر انسانهای روشن فکر و اهل بصیرت معلوم و مشخص است که چنین خواستگاریهایی باعث رشد و نمو تخم کینه و عداوت بین مردم می‌شود، و نتیجه‌ی این بدخواهی‌ها و کینه‌توزیها، نابود شدن کیان امت اسلامی و تشّت و تفرّق جماعت مسلمین خواهد بود. و این طریقی است برای گرم شدن بازار سخن چینی بین ساکنین یک آب و خاک ...

البته در این موضوع باید اشاره کنیم که خواستگاری بر خواستگاری فرد فاسق جایز می‌باشد و از نظر ابن قاسم شاگرد امام مالک و ابن عربی مالکی اشکالی ندارد.

بدون تردید نظر مذکور که مذهب مالکی بر آن است، با نصوص شریعت اسلامی سازگارتر است زیرا شریعت به والدین دختر سفارش کرده که در انتخاب داماد آینده‌شان ملاک اخلاق و دیانت را مدنظر داشته باشند و این بر اساس قاعده‌ی مشهور اصولی است که: «دفع نمودن مفسد مقدم بر جلب منافع است» و نیز به مصالحی که

اسلام برای ازدواج منظور داشته، همسویی کامل دارد!! [مسلماً پدر و مادران متدین به خواستگاری جوان فاسق و بی‌بندوبار، جواب مثبت نخواهند داد].

آیا کسی راضی می‌شود که دخترش را به مردی فاسق و فاجر تسلیم کند، آن وقت آیا برای دین ارزش و اعتباری خواهد ماند؟ و آیا حریم اخلاق اسلامی رعایت خواهد شد؟!

۳- خواستگاری از زنی که در حالت عده است

برای شخص مسلمان، حلال نیست که زن مطلقه و یا زنی که شوهرش فوت نموده است را تا وقت سپری شدن مدت عده‌اش به تصریح^۱ خواستگاری نماید [چون مدت عده حریم و جزو متعلقان ازدواج قبلی است و جایز نیست به این حریم تجاوز شود] ولی خواستگار می‌تواند از طریق کنایه و اشاره (نه به صراحت) به زنی که شوهرش فوت نموده و هنوز در عده می‌باشد، بفهماند که مایل است بعد از انقضای عده با او ازدواج کند. مثلاً کسی را نزدش بفرستند که از طرفش بگوید: «هرگاه عده‌ات سپری شد، کسی را به سوی من بفرست و من را خیردار کن».

دلیل ما در این باره، آیه قرآنی است که می‌فرماید: «و بر شما گناهی نیست که از زنانی (که شوهرانشان فوت کرده‌اند و در عده بسر می‌برند) به‌طور کنایه خواستگاری کنید، و یا در دل خود تصمیم بر این کار بگیرید (بدون آنکه اظهار نمایید) خداوند می‌داند شما آنان را یاد خواهید کرد ولی به آنان پنهانی وعده ازدواج ندهید.» [بقره:

[۲۳۵]

۱- منظور از خواستگاری به تصریح اینست که مرد از زن به صراحت درخواست ازدواج کند، این درخواست از زنی که در حال عده بسر می‌برد، جایز نیست. مقابل این خواستگاری به تعریض است و آن به این معنی است که مرد به کنایه از زن در حال عده خواستگاری می‌کند، مثلاً بگوید چه بسیار افرادی که تمایل ازدواج با تو را دارند، یا تو زن زیبایی هستی، اینگونه خواستگاری اشکالی ندارد (مترجم).

حلقه نامزدی

در اینجا ناچاریم حکم اسلام را در مورد حلقه‌ی نامزدی، جهت روشن شدن آن برای جوانان در آستانه ازدواج ذکر نماییم.

انگشتر طلا که به «حلقه نامزد» مرسوم است استعمال آن برای مردان حرام است، به دو دلیل زیر:

اول: به سبب اینکه آن یک نوع تقلید کورکورانه از بیگانگان و تشابه به آنان است و رسول خدا ﷺ هم از تقلید و تشبیه کورکورانه نهی کرده است.

«ترمذی» از عبدالله بن عمر و او از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمودند:

«کسی که خود را به غیر ما مسلمانان شبیه گرداند، جزو ما نیست (ای مسلمانان!

خود را به یهود و نصاری شبیه نکنید).

«امام احمد» و «ابوداود» از ابن عمر ﷺ روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود:

«کسی که خود را به صورت قومی نشان دهد، جزو آن قوم به حساب می‌آید». در این

فرمایشات رسول خدا ﷺ فرقی بین زن و مرد نیست و هر دو از تشابه به دیگران نهی

شده‌اند. دوم به سبب اینکه پیامبر ﷺ استعمال طلا را برای مردان تحریم فرموده است.

پیامبر ﷺ مردان را از پوشیدن طلا نهی فرمود: «اصحاب سنن» و «امام احمد» از

علی ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود: پیامبر ﷺ یک تکه پارچه حریر را در دست راست و

قطعه طلائی را در دست چپش گرفت و فرمود: این دو تا بر مردان امت من حرام است»

ابن‌ماجه افزوده: «و بر زنانشان حلال است».

«مسلم» و «ابن‌حبان» از ابن عباس نقل کرده‌اند که رسول خدا ﷺ شخصی را دید که

انگشتر طلا در دست داشت، حضرت آن را از دستش بیرون آورد و دور انداخت و

سپس فرمود: «بعضی از شما عمداً تمایل به پاره‌ای آتش پیدا می‌کند و آن را در دستش

قرار می‌دهد» [یعنی استفاده از انگشتر طلا برای مردان موجب آتش جهنم است]. بعد از

اینکه رسول خدا ﷺ تشریف برد، به آن مرد گفتند: برو و انگشترت را بردار و به طریقی از آن استفاده کن، آن مرد پاسخ داد: به خدا قسم چیزی که پیامبر ﷺ آن را دور انداخته، من دیگر آن را برنمی‌دارم^۱

اما استعمال انگشتر نقره برای مردان به شکل حلقه خواستگاری، نه تنها جائز بلکه مستحب می‌باشد. [بخاری از ابن‌عمر روایت می‌کند که گفت: «پیغمبر ﷺ یک انگشتر نقره در دست داشت، بعد از وفات پیامبر ﷺ در دست ابوبکر ﷺ بود و بعد از ابوبکر در دست عمر بود و بعد از عمر، عثمان آن را در انگشت می‌کرد تا اینکه در چاهی به نام اریس افتاد و گم شد.].

۱- دلیل و حکمت تحریم طلا برای مردان، حفظ و صیانت شخصیت و جوهره مردانگی اوست، زیرا اینها از مظاهر ضعف، شکست و زن‌نمایی است. لذا شایسته نیست که مردان در استفاده زینت‌آلات با زن رقابت کنند و به وسیله زیورآلات و پوشش حریر مباحات نمایند.

فصل پنجم
عقد نکاح و احکام آن

بعد از اینکه خواستگار، شریک زندگی آینده و مونس و همدم عمرش را بر اساس دستورات اسلام رهنمودهای پیامبر عظیم‌الشان ﷺ انتخاب کرد، زمان «عقد نکاح» و ایجاب و قبول فرار می‌رسد. در این فصل بیان می‌کنیم که عقد ازدواج چیست؟ و شرایط و احکام آن چه می‌باشد؟!

مقصود از انجام ایجاب و قبول و عقد این است که مرد و زن شرعاً بر هم حلال می‌شوند و حق هر نوع استمتاع و لذت جنسی را با انجام عقد پیدا می‌کنند، و به دنبال آن زن و شوهر با آرامش خاطر و همفکری و همکاری یکدیگر زمینه و محیط مناسبی برای ایجاد خانواده مسلمان و تربیت و پرورش فرزندان نیک و صالح، فراهم کنند.

عقد نکاح با صیغه ایجاب و قبول انجام می‌پذیرد [و به عبارتی دیگر رکن تحقق ازدواج ایجاب و قبول است]

ایجاب: لفظی است که برای نخستین بار از جانب یکی از متعاقدين صادر می‌شود و بیانگر ایجاد پیوند زناشویی است: مثلاً پدر عروس بگوید: «دخترم را به نکاح تو دادم» یا داماد به پدر زوجه بگوید: «دخترت فلانی را به ازدواج من درآورد».

قبول: و آن عبارت از الفاظی است که پس از ایجاب از جانب طرف مقابل نکاح، صادر می‌شود، مثل اینکه داماد در جواب پدر دختر بگوید: «ازدواج با دختر تو را قبول نمودم» یا اینکه پدر زوجه، بعد از ایجاب، به داماد بگوید: «دخترم فلانی را به نکاح تو درآوردم». [اگر ولی زوجه دارای چند دختر است، الزامی است نام دختر ذکر شود] شریعت اسلام، ایجاب و قبول را دلیلی برای تراضی بر ازدواج وضع کرد.

چون رضایت خاطر و توافق اراده چیزی قلبی و درونی است و کسی بر آن اطلاع پیدا نمی‌کند، پس باید کلمات و عبارتی دالّ بر تصمیم طرفین بر ایجاد پیوند زناشویی در بین آنان باشد تا این رضایت و تمایل درونی را بیان کند.

شرایط و احکام ازدواج

۱- ازدواج مرد غیر با زن مسلمان

ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، چه کتابی و چه غیرکتابی یا مشرک جایز نیست. زیرا:

الف - از نظر شریعت اسلام، ولایت و سرپرستی کافر بر مسلمان حرام است. خداوند متعال می‌فرماید: «زنان مسلمان را به عقد مشرکین در نیاورید تا اینکه مسلمان شوند. (اگرچه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان با ایمان درآورید زیرا: یک غلام با ایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است، هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد» [بقره: ۲۲۱] و در جایی دیگر فرموده: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی (دوست و تکیه‌گاه انتخاب نکنید، آنها اولیای یکدیگرند! و کسانی از شما که با آنان دوستی کنند؛ از آنها هستند خداوند گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند.» [مائده: ۵۱]

بدون شک ولایت و سرپرستی شوهر بر زن امری مسلم است چرا که زن باید از شوهر اطاعت کند مرد است که رئیس خانواده و مسلط بر زن و مسؤول زندگی اوست.

ب - دومین علت تحریم این است که مردان غیرمسلمان قرآن را قبول ندارند و حضرت خاتم را به‌عنوان پیامبر نمی‌شناسند. اسلام را انکار می‌کنند، پس زن مسلمان توان این را ندارد که تحت سلطه چنین شوهری آزادی دینی داشته باشد و عبادات و شعایر دینی خود را انجام دهد، چون چنین شوهر کافری هیچ احترامی برای دین و عقیده او قائل نیست، و بر او فشار می‌آورد که دین خود را رها کند و به دین او بگردد.

ج - فرزندان معمولاً پیرو پدران خود هستند و دین او را برای خود برمی‌گزینند، در چنین موقعیتی زن مسلمان هیچگونه تسلط و سیطره‌ای ندارد که عقیده صحیح اسلامی را بیاموزد و بچه‌ها را با تربیت دینی بار آورد و این مسئله او را آزار می‌دهد.

د - زن بر اثر طبیعت عاطفی و فطرت احساسات زنانه مخصوص به خود، احتمالاً سعی خواهد کرد خود را هماهنگ و هم‌جهت شوهرش کند، بدین منظور دین و اعتقادات همسرش را بپذیرد. خصوصاً اگر شوهر اصرار کند یا با تهدید و ترغیب او را در جهت تغییر دینش اغواء نماید.

۲- ازدواج مرد مسلمان با زن اهل کتاب

ازدواج با زنان اهل کتاب مثل یهود و نصاری جایز است. چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «امروز چیزهایی پاکیزه برای شما حلال شده (همچنین) طعام اهل کتاب برای شما (مسلمانان) حلال است، همانطور که غذای شما برای اهل کتاب حلال است و همین طور زنان پاکدامن آنانی که قبل از شما دارای کتاب آسمانی بودند، حلال است به شرط اینکه مهریه آنان را پرداخت کنید» [مائده]

فلسفه اباحت ازدواج با زن کتابی به این دلیل است که:

الف - با فراهم شدن زمینه برای زن کتابی، امید است وقتی از حقایق اسلام در زندگی با همسر مسلمانش اطلاع حاصل کند با میل و رغبت و از روی اختیار، دین اسلام را بپذیرد و مسلمان شود. زیرا ادیان آسمانی قبل از اسلام تحریف تبدیل شده است.

ب - از آن جایی که مسلمان به تمامی انبیاء (ع) ایمان دارد و موسی و عیسی و دیگر پیامبران را قبول دارد، لذا تصور اینکه به اعتقادات زنش توهین کند و دین و کتاب آسمانی‌اش را خوار بشمارد، از بین می‌رود.

ج - شوهر اجازه ندارد زن کتابی‌اش را اجبار به ترک دینش کند و او را واردار به پذیرفتن دین اسلام نماید. زیرا خداوند متعال فرموده: «در قبول دین اکراهی نیست (زیرا) راه درست از راه انحرافی روشن شده است.» [بقره: ۲۵۶]

د - فرزندان این خانواده تابع دین پدر می‌شوند زیرا، اولاً قانوناً و عرفاً و شرعاً، دین پدران خود را انتخاب می‌کنند.^۱

۳- زنانی که ازدواج با آنان حرام است

الف - زنانی که با مرد قرابت نسبی دارد: مانند دختر برادر یا دختر خواهر

ب - زنانی که به وسیله مصاهره (ایجاد روابط زناشویی) ازدواج با آنها حرام است. مانند مادرزن، ریبیه (دختر زنی که مرد با او همبستر شده). زن پسر یا زن پدر.

ج - قرابت سببی (رضاعی): مانند خواهر شیری، برادرزاده یا خواهرزاده شیری که ازدواج با آنها حرام است. در حدیث پیامبر اکرم ﷺ آمده است «ازدواج با هر زنی که از لحاظ نسب بر شخص حرام است در اثر رضاع (شیرخوارگی) هم حرام است.» منظور از رضاع آن است که؛ کودک را به علت کمبود شیر مادر یا به هر دلیل به زن دیگری که دارای شیر کافی است و در اصطلاح بر او دایه گفته می‌شود، بسپارند تا تغذیه کند، در این صورت با شرایطی آن کودک با خود آن زن و فرزندان او محرم می‌شود [مترجم]

۱- با توجه به آنچه مؤلف محترم فرمودند: اصل در ازدواج با زنان اهل کتاب از نظر جمهور جواز و اباحه است. اما در میان صحابه کسانی مثل ابن عمر رضی الله عنهما با این رأی مخالف است ولی نظر جمهور صحیح‌تر است، اما قیدهایی است که در ازدواج با زن کتابی باید رعایت شود.

۱- احراز یقینی «اهل کتاب» بودن آنان است به این معنی که معتقد به خدا و رسالت خدا و قیامت باشد.

۲- عقیقه و پاکدامن باشند، زیرا در آیه [۵ مائده] خداوند با قید محصنات، نکاح هر زن کتابی را مطلقاً مباح ندانسته.

۳- از کتابیون محارب با اسلام نباشد.

۴- در راستای چنان ازدواجی، فتنه و زیان قطعی و یا ظنی روی ندهد، مثلاً کار به جایی نرسد که ازدواج با دختران کتابی بر ازدواج با دختران مسلمان ترجیح داده شود.

بنابراین بهتر است ازدواج با اینان ممنوع باشد. (به نقل از فتاوی معاصر) (مترجم)

د - زنانی که حرام موقتی می‌باشند؛ مانند جمع نمودن دو خواهر در حباله‌ی نکاح یک شخص در یک زمان و ازواج با زنان مطلقه یا زنی که شوهرش فوت نموده پیش از گذاشتن عده طلاق یا عده فوت.

۴- نکاح متعه (ازدواج موقت)

ازدواج در اسلام، عبارت از عقدی محکم و پیمان ناگسستنی است، که بر پایه نیت زندگی مشترک دائمی و ابدی ازدواج استوار است، لذا ازدواج موقت جایز نمی‌باشد. نکاح موقت یا صیغه، عبارتست از ازدواج با مرد در مدت زمان معین و مشخص مثلاً ده روز معین با شهادت دو شاهد که نتایج و آثار ازدواج دائم بر آن مترتب نمی‌شود.

آنچه امروز به نام نکاح متعه مشهور است، نکاحی است در اوایل اسلام رسول خدا ﷺ در غزوه خیبر و اوطاس اجازه داد از نکاح موقت استفاده شود. ولی بعداً این نکاح را حرام ابدی اعلام فرمود.

عموم اصحاب پیامبر اکرم ﷺ به جز ابن عباس رضی الله عنه بر نسخ شدن حکم نکاح متعه اجماع کرده‌اند و معتقدند نکاح متعه در هیچ شرایطی حلال نیست و به صورت حرام ابدی درآمده است. ابن عباس رضی الله عنه هم که عقیده داشت نکاح متعه در حال ضرورت جایز است، هنگامی که اطلاع پیدا کرد پیامبر ﷺ آن را تا روز قیامت حرام نموده است، از فتوای خود پشیمان شده و آن را حرام نمود.^۱

۵- رضایت دختری که نکاح می‌شود

یکی از شروط اساسی صحت نکاح، جلب رضایت دختر است و دختر نباید علی‌رغم میل خودش به ازدواج کسی درآید. پس چنانچه رضای نباشد، عقد باطل است هرچند دختر هم باشد، باید از او اجازه گرفته شود و سکوت دختر باکره مادامی که دلالت بر

۱- البته شیعیان نظری غیر از این دارند (مترجم).

رضایت او نماید، کافی است. اما برای ازدواج با بیوه‌زن باید از او اجازه گرفته شود و وی به صراحت موافقت خود را اعلان کند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید «هنگام عقد نکاح از دوشیزه اجازه بگیرید و سکوت او بمنزله اجازه است، ولی زن بیوه به خودش از ولی و سرپرستش اولی و مقدم‌تر است. [شیخان و اصحاب سنن]

و در حدیثی که «نسایی» و «ابن ماجه» روایت کرده‌اند، آمده است که پدری خواست دخترش را علی‌رغم میل و علاقه‌اش به ازدواج برادرزاده‌اش درآورد تا به وسیله آن خود را از فقر و ناداری برهاند. دختر نزد پیامبر ﷺ شکایت کرد، پیامبر ﷺ فرمود: «هرکاری را که می‌خواهی انجام بده» [اختیار قبول یا فسخ نکاح را به او سپرد] دختر گفت: به آنچه پدرم انجام داده، راضی هستم ولی من با این مخالف هستم که زنان بدانند پدران اختیاری ندارند هرطور که بخواهند در باره ازدواج دخترانشان بدون اجازه آنان تصمیم بگیرند.»

۶- رضایت ولی زن در نکاح

نزدیک‌ترین شخص از نظر نسبی به دختر، ولیّ اوست. مانند: پدر، پدربزرگ، برادر و عمو. ولیّ دختر باید با ازدواج او راضی باشد و موافقت کند، در غیر این صورت عقد ازدواج صحیح نیست. برای اینکه امکان دارد، دختر با کسی ازدواج کند که هم‌تایش (مناسب حالش) نباشد یا کسی باشد که قادر بر ادای حقوق زن نباشد و یا انسان فاسق و بی‌بندوباری باشد که ارزشی برای حدود الهی قائل نیست.

به این خاطر است که اسلام در عقد، رضایت ولی را شرط [صححت نکاح] اعلام نموده است. در حدیث نیز آمده است که: «هر زنی که بدون اجازه ولیّ خود به ازدواج کسی درآید، آن ازدواج باطل است، باطل است، باطل است.» [روایت اصحاب سنن،

بجز نسایی] و در حدیثی دیگر آمده: «هیچ عقد نکاحی درست نیست مگر با حضور ولی» [ترمذی و ابوداؤد]

اما اگر حالتی پیش آید که ولیّ دختر با لجاجت، بهانه‌گیری و از روی عناد [بدون سبب] از ازدواج دخترش جلوگیری کند، در این موقع دختر می‌تواند برای رفع مشکلش به قاضی مراجعه کند، اگر قاضی مسلمان تشخیص داد که اظهارات ولیّ غیرمعقول است، به ولی، امر می‌کند که دخترش را شوهر دهد. پس اگر ولی، نپذیرفت و بر ممانعتش اصرار ورزید، در این صورت قاضی توجهی به مخالفت او نکرده و حکم به ازدواج دختر می‌دهد. چنانچه در حدیث آمده که پیامبر ﷺ فرمود: «اگر ولیّ دختر با او خصومت ورزید و بی‌سبب مانع ازدواجش شد، او مانند کسی است که ولی ندارد و سلطان ولی اوست» [اصحاب سنن بجز نسایی]

۷- وجود دو شاهد برای نکاح

یکی دیگر از شرایط صحت عقد، حضور دو شاهد است که سخن طرفین عقد را بشنوند و بدانند که مقصود طرفین عقد از آن سخنان، عقد ازدواج است. از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمودند: «هیچ عقد نکاحی درست نیست، مگر با حضور ولی [دختر] و دو شاهد عادل.» [احمد و دارقطنی]

شرایط ذیل برای گواهان الزامی است:

مسلمان باشند، مرد باشند، بالغ و عاقل باشند. [البته در مذهب حنفیه عدالت گواهان شرط صحت عقد نیست و با حضور گواهان فاسق نیز عقد صحیح است، همچنین شهادت یک مرد و دو زن را معتبر می‌دانند]

حکمت و فلسفه وجود دو شاهد بر عقد نکاح، حفظ حقوق زوجین در صورت انکار نمودن یکی از آنهاست.

۸- مهر

مهریه قسمتی از مال است، چه کم و چه زیاد که شوهر آن را جهت احترام و تألیف قلب زن به او می‌دهد تا غریزه تملک دوستی [حس مالک شدن و در اختیار داشتن] او را اشباع نماید و زن در آستانه زندگی جدید، توانایی داشته باشد وسایل و نیازهای خود را فراهم نماید.

دلیل بر مشروعیت مهریه، این قول خداوند است که می‌فرماید: «مهریه‌های زنان را به‌عنوان هدیه‌ای صادقانه و فریضه‌ای الهی به آنان پرداخت کنید». بنابراین چون مهریه رکنی از ارکان عقد ازدواج است، نادیده گرفتنش به هیچ‌وجه جایز نیست.

میزان مهریه: عده زیادی از اهل حدیث و شافعی و احمد قائلند که مهریه چه کم باشد و چه زیاد، جایز است. ولی فقهای حنفیه اندازه و اقل مهر را معین کرده‌اند. در نظر ایشان «حداقل مهریه ده درهم یا معادل آن می‌باشد». زیرا در حدیثی از رسول اکرم ﷺ روایت شده که «مهریه از ده درهم کمتر، مهریه نیست».

با همه این موارد، شریعت اسلام مقدار و میزان مشخصی برای مهریه تعیین نکرده است، اما تشویق و تأکید کرده که مهریه‌ها سبک و کم باشد تا زمینه برای ازدواج فراهم شود، و جوانان قادر بر تشکیل خانواده باشند، حتی می‌بینیم که پیامبر ﷺ به پدران و اولیاء دختران توصیه کرده که در مورد مهریه دخترانشان آسان بگیرند و مهریه‌های سنگین بر دوش جوانان نگذارند تا اینکه در جامعه ازدواج ترویج پیدا کند [و همه از لذت جنسی حلال برخوردار گردند و این هم وقتی امکان دارد که راه ازدواج و وسیله آن آسان و ساده باشد به‌گونه‌ای که فقیران و افراد تنگدست که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند از مهر آن برآید، لذا اسلام مهریه‌های سنگین و نامتعارف را مکروه می‌داند].

در اینجا به رهنمودهای کریمانه پیامبر اکرم ﷺ در این رابطه توجه می‌کنیم:

- «ابن حبان» از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که: «خیر و برکت زانی بیشتر است که مهریه آنان سبک‌تر باشد».

- «احمد و بیهقی» روایت کرده‌اند که: «با برکت‌ترین زنان، آنانی هستند که مهریه‌های آنها کمتر و سبک‌تر باشد».

- «آلوسی» از عایشه رضی الله عنها روایت کرده است: «میمنت و مبارکی زن در کم بودن مهریه و آسان بودن نکاح اوست»^۱

۱- متأسفانه بیشتر مردم این تعالیم بزرگ و هدفمند اسلام را نادیده گرفته و از آن تجاوز کرده و عادات و رسوم دوران جاهلیت را پیش گرفته و آنچه را خداوند بر آنها آسان گرفته، بر خود سخت کرده‌اند، مهریه را سنگین می‌گیرند و صدها و هزاران سکه بهار آزادی و یا مبالغی سنگین مطالبه می‌کنند، گویی که زن بصورت کالایی درآمده که در معرض تجارت قرار گرفته است. این کار سبب شده بسیاری از مفاسد و انحرافات شیوع پیدا کند و بازار ازدواج کساد گردد و دسترسی به حلال از حرام سخت‌تر باشد. راستی تو مسلمانی که خود را ملتزم به سنت نبوی و آداب اسلامی می‌دانی؛ آیا دختر تو از دختران پیامبر صلی الله علیه و آله برتر است که حضرت صلی الله علیه و آله هنگام ازدواج دخترانش مهریه کم و سبک تعیین می‌کرد و با مراسمی ساده آنها را شوهر داد. بنابراین مسلمان باید این رسم جاهلیت را که گذارد و منند سلف صالح خویش، به دنبال مال و دارایی مرد و میزان کابین عقد نباشد، و فضیلت و کرامت را در اسلام، اخلاق، تدین و ... بجوید. [مترجم]

فصل ششم
آداب شب زفاف

بعد از اینکه عقد ازدواج مطابق سنت پیامبر اکرم ﷺ و شریعت مقدس اسلام بین عروس و داماد منعقد گردید، لحظه وصال و شب زفاف فرا می‌رسد.

در این فصل قصد دارم طرح و برنامه‌ای فراروی زوجین مسلمان قرار دهم و آن برنامه‌ای است که اسلام در ارتباط با آداب زفاف، وضع نموده که بر داماد و عروس لازم است آن را به نحو احسن مطابق آنچه شریعت دستور داده رعایت کنند و شب زفاف و لحظات شادی خود را بر اساس برنامه‌ی اسلام به‌گونه‌ای سپری نمایند که موجبات رضایت خدا را فراهم کنند.

برنامه مورد نظر بر دو اصل استوار است:

- ۱- آدابی که لازم است در مراسم عروسی مراعات شود.
- ۲- آدابی که باید عروس و داماد در شب زفاف و هنگام خلوت کردن، رعایت کنند.

الف - آداب مراسم عروسی

بر انسانهای فهیم و با بصیرت روشن است که شریعت اسلام، سرگرمی‌ها و تفریحات حلال و متنوع را برای پیروان خویش مباح کرده و اشکال متعدد از ورزش‌ها و مسابقات را مباح نموده است. از جمله تیراندازی، اسب‌سواری، شنا، کشتی، مسابقه دو، شکار و ورزش‌های بدنی و تمرینات جهادی.

هدف شرع اسلام از وضع این ورزش‌ها و تفریحات سالم، نشاط روحی و جسمی مسلمانان است. تا در ادای وظایف و مسؤولیت‌های خود، توانا باشند و کاربرد تجهیزات جنگی را بیاموزند و نیرومند و قوی گردند.

از جمله این تفریحات که دین اسلام آن را برایمان مباح داشته و تشویق نموده، سرگرمیهای سالم و تفریحات رواست در جشن‌های عروسی و شب‌های ازدواج. البته

در چهارچوبی که شریعت مجاز دانسته. آنچه شریعت مقدس در مراسم عروسی مباح دانسته، عبارتست از:

الف - دف زدن در مراسم عروسی

ب - خواندن سرودها و آوازهایی که منافی اخلاق نباشد

دف زدن در مراسم عروسی - حضرت عایشه رضی الله عنها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که ایشان فرمودند: «نکاح را علنی و [مراسم] آن را در مساجد [در حضور مردم] برگزار کنید و دف بزنید.» روایت ترمذی و همچنین محمدبن حاطب روایت کرده که فرمودند: «آوازخوانی و دف زنی در مراسم ازدواج فرق بین حلال و حرام است.»

اما اباحت آوازه خوانی و غناء در مراسم عروسی و مجالس شادی دیگر از عامرین سعد بجلی روایت است که گفت: «برای شرکت در مراسم عروسی پیش قرظه پسر کعب و ابومسعود انصاری رفتم و دیدم که کنیزان آواز می خوانند، گفتم: شما یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله و از جنگجویان بدر هستید، آیا پیش شما و در حضور شما چنین کاری صورت می گیرد!!» گفتند: لهُو و لعب و تفریحات سالم به هنگام عروسی و گریه بر میت در تعزیه بدون نوحه خوانی بر ایمان رخصت داده شده است.» [و در بعضی روایات آمده؛ اگر دولت می خواهد با ما بنشین و گوش کن و اگر دلت نمی خواهد برو!!] [حاکم، بیهقی، نسائی]

«طبرانی» و «ابن ماجه» از عایشه روایت می کند که وی یکی از دختران یتیم انصار را به عقد یکی از مردان انصار در آورده و عروس را تا خانه شوهرش همراهی کرد. حضرت عایشه (رض) فرمود: وقتی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله برگشتم، پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند: آیا چیزی هم گفتید [در روایات دیگر آمده که آیا با او آوازه خوانی فرستادید؟] گفتم: او را به خانه اش بردیم و تبریک گفتیم و برگشتیم، پس فرمودند: ای عایشه! انصار قومی غزل دوستند [و از سرگرمی و تفریحات خوششان می آید] این ابیات را نخواندید؟!

اتیناکم اتیناکم فحینایحیکم

وَلَوْلَا الْحَبَّةُ السَّمْرُ إِمَاءٌ حَلَلْنَا بِوَادِيكُمْ
وَلَوْلَا الذَّهَبُ الْأَحْمَرُ مَا سَمَنْتُ عِزَارِيكُمْ

ما نزد شما آمدیم، به ما خوشامد بگویید، ما هم به شما خوشامد می‌گوییم اگر دانه‌های گندم نمی‌بود به سرزمین شما نمی‌آمدیم، و اگر طلای سرخ نمی‌بود دختران شما چاق نمی‌شدند.

در این جا مناسب است، سخنانی از کتاب «حکم موسیقی در اسلام» نوشته مرحوم علامه شیخ محمد حامد، نقل نماییم. ایشان آراء فقه‌ها را در مورد موسیقی مباح و حرام این چنین بیان فرموده است: «زمانی که موسیقی برای انگیختن اراده بر کارهای سنگین و پیمودن مسافتهای طولانی یا برای طیب خاطر در هنگام انجام کارهای سنگین باشد، مباح است. همانند رجزخوانی پیامبر اکرم ﷺ و یارانش در هنگام ساخت مسجد و حفر خندق در مدینه یا مانند زمزمه‌ای که شتریان عرب برای شترش سر می‌دهد یا اشعاری که از کلمات ناپسند و فحش خالی هستند و از شراب یا اوصاف زن معینی سخن نمی‌گویند و مسلمانی را هجو نمی‌کنند. یا به فردی که تحت حمایت مسلمین است طعنه نمی‌زنند و غیر از این موارد جزء حکم تحریم خواهد بود.»

اگر ذکر زیبایی و دلربایی زن بدون معین بودن شخص مشخصی باشد جایز است، زیرا کعب بن زهیر چنین اشعاری را در حضور پیامبر ﷺ خواند و آن حضرت هیچ‌گونه اعتراضی نکرد، نمونه‌ای از ابیات کعب بن زهیر را در اینجا می‌آوریم:

بَانَتْ سَعَادٌ قَلْبِي الْيَوْمَ مَتَبُولٌ مَتَيْمٌ إِثْرَهَا لَمْ يُفْدَمْ مَكْبُولٌ
وَمَا سَعَادٌ غُدَاةَ النَّبِيِّ إِذْ رَحَلُوا إِلَّا أَعْنُ غَضِيضِ الطَّرْفِ مَكْحُولٌ
تَجَلَّوْا عَوَارِضَ ذِي ظَلَمٍ إِذَا ابْتَسَمْتَ كَأَنَّهُ مِنْهَلٌ بِالرَّاحِ مَعْلُولٌ

سعاد مرا ترک کرد و تنهایم گذاشت، پس امروز قلبم از عشق و علاقه او اسیرش مانده است.

سعاد صبح آن روز که قبیله‌اش بار سفر بستند درست مثل آهوی زیبایی بود که یرلب چیزی زمزمه می‌کرد و چشمهای سرمه‌کشیده‌اش را از شرم پایین انداخته بود. هنگامی که تبسم می‌کند دندانهای سفید زیبایش خودنمایی می‌کند گویی چشمه‌سازهایی است که شراب در آنها جاری است.

همچنین رسول اکرم ﷺ قصیده حسان رضی الله عنه را گوش می‌کند، آنجا که می‌گوید:

قبلتُ فؤدک فی المنام خریدة تسقى الضحیه ببارد بسام

آنگاه که در خواب آرام و ساکت بودی قلبت را بوسیدم، تو هم خوابه خود را با تبسم خنک سیراب می‌کنی.

نیز اینگونه است زمزمه‌هایی که زنان برای خواباندن کودکان می‌خوانند و آهنگهایی که زنان در مجالس عروسی در محافل خود می‌سرایند و مردان آن را نمی‌شنوند، همچنان که ذکر کردیم پیامبر اکرم ﷺ اجازه فرمود که این شعر را بخوانند. «آتیناکم، آتیناکم...»

و نیز آهنگهایی که در وصف باغ و بستان یا رودخانه‌های زیبا یا سایر مناظر طبیعی خوانده می‌شود، جایز است به شرط آنکه با آلات موسیقی حرام، همراه نگردد، زیرا اگر با آلات موسیقی همراه شود، حرام خواهد بود. هرچند سروده‌های خوانده شده مضامین پند و حکمت داشته باشند، و این حرمت نه به خاطر اشعار بلکه به خاطر آلات موسیقی حرام است. این مقدار از شادی‌ها را شریعت اسلام در مراسم عروسی جایز قرار داده است.

پس برای هیچ مسلمانی جایز نیست که از این حدود فراتر رود، تا به گناه آلوده نگردد و امت در منجلاّب شهوات و بی‌بندوباری غرق نشود.

در اینجا لازم می‌دانم با اندکی تفصیل در مورد بدعتها و منکراتی که در مراسم شادی و عروسی خانواده‌های مسلمان داخل شده، بحث نمایم.

مهمترین بدعت‌ها و منکرات جشن‌های عروسی

یکی از اعمال زشت و منکر مراسم شادی، تماس و اختلاط زنان و مردان نامحرم است، خصوصاً در جشن‌های عروسی و موقعی که عروس را در نهایت جمال با زیبایی و آرایش جذاب و فتنه‌انگیز نزد داماد می‌برند در حالی که فامیل و خویشاوندان داماد [مانند برادر، عمو، دایی و ...] آنها را همراهی می‌کنند، که با عروس خانم محرم نیستند که امکان دارد این کار باعث تحریک غریزه و باز شدن راه فتنه بر مردان و زنان شود و عواقب نامطلوبی را به دنبال داشته باشد، لذا پیامبر اکرم ﷺ شدیداً مسلمانان را از این امر برحذر داشته آنجا که می‌فرماید: «از رفتن پیش زنان خودداری کنید» شخصی از انصار گفت: ای رسول خدا! اقوام نامحرم شوهر زن (مانند برادر و عموزاده و ...) چگونه هستند؟ پیغمبر ﷺ فرمودند: «خلوت کردن با نزدیکان شوهر خطرناک و موجب مرگ و هلاکت است». در بخاری و مسلم و نیز از قول اسامه بن زید آمده که پیامبر ﷺ فرمودند: «بعد از من هیچ فتنه‌ای برای مردان زیانبارتر از فتنه زنان نیست» [بخاری، مسلم و اصحاب سنن]

«طبرانی» از ابی امامه رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «از خلوت کردن با زنان (بیگانه) بپرهیزید، جز این نیست که هیچ مردی با زنی خلوت نمی‌کند، مگر شیطان سومین نفر آنهاست. و اگر مردی با خوکی آلوده به پلشتی و کثیفی برخورد کند، بهتر است از اینکه بدنش با زن نامحرمی تماس پیدا کند».

از دیگر منکراتی که در جشن‌های شادی و عروسی‌ها انجام می‌گیرد، آوردن زنان آوازه‌خوان و رقاصه‌ها است که صاحبان مجالس از آنها دعوت می‌کنند تا در خانه‌های وسیع و یا سالن‌ها و تالارهای بزرگ که به همین منظور ساخته شده‌اند و اجازه داده می‌شود، مراسمشان را با رقص و پایکوبی همراه ترانه خواندن اجرا نمایند.

پیامبر اکرم ﷺ از این گونه مراسم و این چنین شادی‌ای، نهی کرده‌اند. چنانکه ابن عساکر در تاریخش و ابن‌صقری در امالی‌اش از آن حضرت روایت کرده‌اند که

فرمود: «هرکسی در مجلس ترانه‌ی آوازه‌خوانی بنشیند و یا به تماشای رقاصه بپردازد، خداوند در روز قیامت در گوش‌هایش سرب مذاب می‌ریزد.»

همچنین در روایتی از ترمذی «به نقل از حضرت علی علیه السلام آمده است: «آنگاه که امت من مرتکب پانزده عمل ناشایست شوند، بلا بر آن نازل خواهد شد.» که یکی از آنها «آوازه‌خوانی و رواج آلات موسیقی است.»

ترانه خواندن با موسیقی و آلات لهو و لعب که توسط مردان و زنان آوازه‌خوان در مجالس سرور و شادی مرسوم است، یکی دیگر از جمله منکرات این مراسم می‌باشد. حدیثی که از «احمد بن حنبل» روایت شده است آمده است که پیامبر خدا فرمود: «پروردگار مرا به‌عنوان رحمت و برکت جهانیان فرستاد و امر نمود که تار و فلوت و شراب و بتها را نابود سازم.»

و نیز در روایت «بخاری و احمد» آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «از امت من، اقوامی خواهند آمد که زنا را حلال می‌کنند و پارچه حریر را [برای مردان] و شراب و ترانه‌ها را مباح می‌دانند.»

عیاشی و خوشگذرانی، تن‌آسایی و اسراف در لباس مانند پوشیدن لباس‌های گران‌قیمت و پرزرق و برق [که معمولاً به مد روز معروف است و برای شهرت‌طلبی و تفاخر و چشم و هم‌چشمی بر تن می‌کنند] نمونه‌های دیگری از منکرات این مراسم می‌باشد که شریعت از آن نهی فرموده است، زیرا اسراف و تبذیر می‌باشد و شرع مقدس اسلام از تبذیر و اسراف نهی کرده. چون شخصی که مرتکب این منکرات می‌شود، در واقع گرفتار عُجب و خود بزرگ‌بینی می‌شود. در این مورد، ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرکس که به قصد تظاهر و خودنمایی لباسی بپوشد، در روز قیامت خداوند لباس ذلّت بر او می‌پوشاند.» [ابوداؤد، احمد و ابن ماجه]

و شیخین از آن حضرت صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که لباس بلند را به‌عنوان غرور و تکبر بپوشد، در روز قیامت مشمول عنایت و توجه خداوند متعال نخواهد بود.»

لذا دین اسلام به شخص مسلمان امر می‌کند که در تمامی امورات زندگی، اعتدال و میانه‌روی را پیشه کند، و از آن جمله اعتدال در پوشش، غذا و مسکن است. این اصل [اعتدال و میانه‌روی] برگرفته از کلام الهی است، آنجا که می‌فرماید: «و (بندگان خوب خداوند) کسانی‌اند که به‌هنگام خرج کردن (برای خود و خانواده) نه زیاده‌روی می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه در میان این دو (یعنی اسراف و بخل) حدّ میانه‌روی و اعتدال را رعایت می‌کنند.»^۱

نمونه دیگر از منکرات این‌گونه مجالس، تشبّه و تقلید زنان مسلمان به رقاصه‌های بدکار و فاحشه است. زنان مسلمان با تقلید از رقاصه‌های خلافکار و فاسد و بدکاره به سبک آنها رقص و پایکوبی می‌کنند و پوشش و پستانهای برجسته خویش را به‌طرز وقیحانه‌ای به نمایش می‌گذارند.

و نیز مردانی که خصوصیات مردانگی را نادیده گرفته و بصورت زن خود را جلوه می‌دهند و در اشاعه فحشاء و بی‌بندوباری و برانگیختن هواهای نفسانی و شهوانی و زیرپا گذاشتن فضائل اخلاقی مانند زنان بدکاره عمل می‌کنند.

«ترمذی» از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده که می‌فرماید: «کسی که خود را به غیر ما (مسلمانان) شبیه سازد از ما نیست، پس خود را به یهود و نصاری شبیه نسازید.»

«احمد» و «ابوداود» از ایشان نقل کرده‌اند که: «کسی که خود را مانند قومی نشان دهد، جزو آن قوم محسوب می‌شود» و نیز فرموده: «خداوند مردانی را که خود را شبیه زنان کنند و زنانی که خود را شبیه مردان سازند، لعنت کرده است.» [بخاری و ترمذی]

یکی دیگر از این منکرات، پوشیدن لباس کفار و درآمدن به شکل و قیافه منحرفین اخلاقی و بی‌بندوبارهاست. روایت شده که پیامبر ﷺ عبدالله بن عمرو بن العاص را دید که دو تگّه لباس زرد پوشیده است، پیغمبر ﷺ فرمود: «این لباس، لباس کافران است آن را

نپوش». گفت: آنها را می‌شویم! حضرت فرمود: «بلکه آتششان بزن». در صحیحین آمده است که عمر بن خطاب رضی الله عنه نامه‌ای به مسلمانان مقیم سرزمین ایان نوشت و به آنها سفارش کرد که «از خوشگذرانی، رفاه‌طلبی، غرق شدن در تنعم و رسم و رسوم مشرکین، برحذر باشید». و در روایت دیگر آمده است که فرمود: «خوشگذرانی و رسوم بیگانگان را رها سازید.»

از منکرات این‌گونه مراسم جشن و سرور، اعمالی است که زنان به منظور زینت و زیبایی خویش جهت شرکت در این مراسم مرتکب می‌شوند، زنانی که برای باریک نمودن ابوهای خویش، موهای آن را می‌کنند و موهای صورت خود را برمی‌داند و موی دیگران را به موی خود پیوند می‌دهند و به مانند مردان موهای سر خود را کوتاه کرده برای خود کاکل درست می‌کنند و زنانی که موهای سر خود را مانند کوهان شتر، برآمده می‌کنند. و همچنین مردانی که موهای خود را بلند نگه می‌دارند و آن را بر شانه‌ها بمانند زنان رها می‌کنند.

کندن و برداشتن موهای ابروان و صورت از تزئینات حرامی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرتکب آن را، لعنت کرده است. در حدیثی که شیخین روایت کرده‌اند آمده است که: «پیامبر لعنت کرده است کسانی را که خال بر بدن دیگران می‌کوبند و کسانی که خال بر بدنشان کوبیده می‌شود و لعن نموده است زنانی که موی ابروان دیگران را می‌کنند و زنانی که موی ابروانشان برداشته می‌شود. و زنانی که به‌خاطر زیبایی و جوان و نشان دادن خود بین دندانهایشان فاصله می‌اندازند و آنها را بازیک می‌نمایند و زنانی که خلقت و فطرت خدایی را تغییر می‌دهند.»

در مورد وصل و پیوند دادن مو، حدیثی است که شیخین از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «همه کسانی که موها را وصل کنند (واصله) و همه کسانی که این موها به سرشان وصل می‌شود (مستوصله)، از جانب خداوند لعن و نفرین شده می‌باشند.»

اما زنانی که موهای خود را مانند مردان کوتاه می‌کنند و مردانی که موهای خود را مثل زنان دراز می‌گذارند، بنابر حدیثی که «بخاری» و «ابوداؤد» روایت نموده‌اند مشمول فعل حرام و لعن رسول خدا ﷺ می‌شوند. «رسول خدا ﷺ» مردانی را که بصورت زنان خودنمایی می‌کنند و زنانی که خود را به صورت مردان نشان می‌دهند، لعنت کرده است.»

لکن کوتاه نمودن موی سر تا بناگوش بدون قصد تشبه به مردان اشکالی ندارد، دلیل ما حدیثی است که «مسلم» از قول عایشه رضی الله عنها روایت نموده که «زنان حضرت رسول خدا ﷺ موهای خود را تا نرمة گوش کوتاه می‌کردند.» یعنی کوتاه کردن موها تا بناگوش به اندازه‌ای که از آنها بلندتر نباشد.

در مورد حرمت فعل زنانی که موهایشان را به شکل کوهان شتر در می‌آورند، حدیثی است که «مسلم» از قول ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر ﷺ فرمودند: «دو دسته از مردمان از اهل دوزخ می‌باشند که نظیر آنها را ندیده‌ام؛ یکی از آنها جماعتی که تازیانه‌هایی در دست دارند که به دُم گاو شباهت دارد و مردم را با آن تازیانه‌ها کتک می‌زنند [اشاره به قدرتمندان و حکام ظالم است که دشمن بشریتند] و دسته دوم: زنانی هستند که هرچند به ظاهر لباس پوشیده‌اند ولی در حقیقت عریان می‌باشند، دیگران را فریفته می‌کنند و خود فریب می‌خورند و موهای سرشان را در یک جا جمع می‌نمایند که به کوهان شترها شبیه می‌باشد. اینها داخل بهشت نخواهند شد و حتی بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال به مشام می‌رسد، نیز استشمام نخواهند کرد.»

آنچه بیان نمودیم، مهمترین بدعات و منکراتی بود که در مجالس عروسی از جانب کسانی که خود را منتسب به اسلام می‌کنند و خودشان را به اصطلاح مسلمان می‌نامند، مشاهده می‌شود.

لذا وظیفه هر مسلمان و مؤمن با غیرت است که از این منکرات در شبهای عروسی و زفاف خویش اجتناب نماید، اگر می‌خواهد که روز قیامت با انبیاء، صدیقین و شهدا و صالحین که بهترین رفقاء هستند محشور شود، لازم است که چنین باشد.

گونه‌های مباح تفریحی و سرگرمی از نظر اسلام در مراسم عروسی

اما برادر مسلمانم در اینجا نمونه‌هایی از سرگرمی‌ها و تفریحات مباحی که دین اسلام مقرر نموده، عرض می‌نمایم تا اگر خواستی، می‌توانی در مراسم عروسی و شادی از آن استفاده نمایی.

- آوازه‌خوانی و اجرای سرود با لحن و آهنگ به شرطی که مضمون آن از زشتی و دشنام‌عاری باشد و همراه ساز نباشد.

- آوازه‌خوانی و ترانه‌سرایی همراه با دف ساده و به‌دور از آلاتی که به دف می‌آویزند.

- خودآرایی و زیبانمایی که بعضی خانمها در مراسم شادی، سر و وضع خود را مرتب و منظم می‌نمایند در صورتی که معتدل باشد و مکان، زنانه باشد که نامحرم حضور نداشته باشند، اشکالی ندارد.

- آرایش و زینت با وسایل آرایشی جدید به نحوی که تشبیه به کفار و فاسقین و منحرفین نباشد، ایرادی ندارد.

- رقص و پایکوبی دسته‌جمعی بدون اختلاط زن و مرد و لایبالی‌گری، مخنث‌گرایی. چرا که اینگونه رقصهای جمعی و گروهی موجب برانگیختن عزت و روحیه حماسی می‌شود.

- مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی، نیزه‌پرانی و شمشیر چون اینها شیوه‌های آموزش شجاعت، قهرمانی و دلیری است. و بازی‌های ورزشی هنرهای نظامی باعث نیرومندی جسم، کسب مهارت و رشد قابلیت‌ها است.

- خوش طبعی، بذله‌گویی، گفتن لطیفه، جک [خنده‌آور] و ... به شرطی که مشتمل بر دروغ نباشد و آبرو و شخصیت شخصی تحقیر و خدشه‌دار نشود [توازن و تعادل رعایت گردد].

- نمایش فیلم‌های هدفمند و سازنده که سرگذشت و هنرنمایی‌های قهرمانان گذشته را به نمایش می‌گذارد و موجب خدمت اسلام و اصلاح اخلاق انسان می‌شود.

- ذبح حیوانات و تدارک ولیمه با گوشت آنها که از سنت‌های نکاح است. و دیگر گونه‌های مباح که شرع اسلام مقرر فرموده است، اشکالی ندارد. پس باید دشمنان اسلام آگاه باشند و بدانند که مسلمانان در مناسبت‌های شادی و مجالس عروسی، خشک‌طبع، درون‌گرا و خودخواه و خشن نیستند. بلکه مسلمانان قومی هستند که در هنگام شادی، شادمان و شادی‌کنان و در وقت خوشی، شاد و با نشاط و سرحال‌اند. اما موقع مواجهه با مشکلات جدی و مصمم‌اند و مردانه در صحنه حاضر می‌شوند!!

این است معنای توازن و تعادل و قرار دادن هر چیز سر جای خودش در زندگی...!

ب - آداب خلوت نمودن عروس و داماد در شب زفاف

بعد از تمامی این توضیحات، مراحل را که شوهر در شب زفاف باید رعایت کند از زمانی که با عروس خلوت می‌کند تا هنگامی که عمل جنسی پایان می‌پذیرد، بیان می‌نماییم تا آنان که می‌خواهند، بدانند که اسلام با تشریح فراگیر خویش همه‌چیز را به ما آموخته است، حتی آداب خلوت کردن با عروس، زفاف و شکل روابط جنسی!!

این مراحل عبارتند از:

۱- مستحب است داماد دست بر پیشانی عروس بگذارد، بسم الله بگوید و برایش دعای خیر و برکت نماید.

در روایتی از «بخاری» و نابوداورد» آمده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «هرگاه یکی از شما با زنی ازدواج کرد، دست بر پیشانی او بگذارد، نام خدای عزوجل را ببرد و برای عروس و داماد دعای برکت نماید و بگوید: «اللهم انی اسالک من خیرها و خیرها جبلتها علیه (ای خلقتها و طبعتها علیه) و اعوذبک من شرها و شر ما جبلتها علیه» [خدایا من خیر این زن و خیر خلقت و سرشت نیک او را از تو می طلبم و از شر او شر خلقت و سرشت بد او، به تو پناه می برم].

۲- مستحب است داماد و عروس دو رکعت نماز بخوانند و بعد از اتمام آن دعا کنند. «ابن ابی شیبیه» از «شفیق» روایت نموده که مردی به نام ابوحریر نزد عبدالله بن مسعود رضی الله عنه رسید و گفت: «با دختر جوانی ازدواج کرده ام، می ترسم از من ناراضی و خشمگین شود» عبدالله بن مسعود فرمود: «الفت و محبت از جانب خداست و خشم و بی مهری از شیطان. شیطان می خواهد آنچه را که خدای تعالی حلال فرموده است را در نظر شما ناپسند جلوه دهد، پس هرگاه همسرت نزد تو آمد - کنایه از نزدیکی و جماع - به او امر کن که پشت سرت دو رکعت نماز گذارد، سپس این دعا را بخوان: [اللهم بارک لی فی اهلی و بارک لهم فی، اللهم اجمع بیننا ما جمعت بخیر، و فرق بیننا اذا فرقت الی خیر]: [خدایا به اهل من برکت بخش و مرا برای آنان پربرکت گردان، خدایا در جمع شدن و متفرق شدن ما، خیر و نیکی مقدر فرما].

۳- مستحب است داماد با عروس مهربان باشد و برای او چیزی بیاورد که بنوشد یا بخورد.

بنابراینچه که «امام احمد» در مسندش روایت نموده، «اسماء بنت یزید بن اسکن» می گوید: «عایشه رضی الله عنها را برای شب عروسی جهت خلوت با همسر گرامیش - رسول

اکرم علیه السلام - آرایش کردم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او آمد و ظرفی بزرگ پر از شیر آورد، مقداری از آن را میل فرمود و قدح را در برابر عایشه رضی الله عنها گرفت که از آن بنوشد، عایشه رضی الله عنها شرمگین شد و سرش را پایین انداخت.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «کامل ترین ایمان را در میان مؤمنین کسانی دارند که با خانواده اشان بهترین اخلاق و لطیف ترین رفتار را داشته باشند.» [روایت از ترمذی و نسایی]

همچنین می فرمایند: «بهترین شما کسی است که برای زن و فرزندانش بهترین باشد و من بهترین شما برای زن و فرزندم هستم.» [روایت ترمذی]

بدون شک این رفتار محبت آمیز، موجب انس گرفتن عروس و از بین رفتن اضطراب و هراسش می شود و رشته ارتباط آن دو را بیش از پیش مستحکم می کند، زیرا می گویند: هرکس وارد جمع ناآشنایی شود بیگانه است و هر غریبی هراسان خواهد بود. ۴- از جمله آداب مباشرت این است که زن و مرد لباسهای خود در آورند، زیرا در آوردن لباس موجب راحتی و آسایش جسمی است و حرکات بدن را تسهیل می کند و بهره گیری را افزایش داده و بر انس و الفت زن و شوهر می افزاید. البته بهتر است که عریان شدن کامل در زیر پوششی باشد زیرا در روایتی از «احمد» و «ترمذی» و «ابوداود» آمده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «خدایتعالی بسیار باحیا و پوشاننده گناه است و پوشیده بودن را هم دوست می دارد.»

و در روایتی دیگر از «ترمذی» آمده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «از عریان شدن بپرهیزید، زیرا ملایکی همراه شما هستند که فقط در دو وقت از شما جدا می شوند، یکی موقع قضای حاجت و دیگری وقت نزدیکی، پس از آنان شرم داشته باشید و حق احترامشان را بجای آورید.» قبلاً هم حدیثی را بیان کردیم که حضرت عایشه رضی الله عنها گفت: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در تمام مدت زندگی نه از من دید و نه از او دیدم [منظور دیدن شرمگاه و اعضای تناسلی است].»

اما آنچه پسندیده بودن پوشش را تأکید می‌کند، روایتی از «ترمذی» است با سند ضعیف که می‌گوید: «هرگاه می‌خواهید با زنانتان نزدیکی کنید مانند دو خر کاملاً لخت نشوید».

۵- از جمله آداب نزدیکی، لمس کردن، بغل کردن، بوسیدن و ملاعبه و معاشقه است که قبل از نزدیکی با عروس لازم است انجام شود. بنابر آنچه «ابومنصور دیلمی» در مسندالفردوس از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده که فرمودند: «یکی از شما همچون چهارپایان با همسرش نزدیکی نکند، بلکه قبل از نزدیکی لازم است بینشان واسطه‌ای باشد، گفتند: واسطه چیست؟ فرمود: بوسه و صحبت».

همچنین ابومنصور روایت نموده که حضرت ﷺ فرمود: «سه چیز نشانه ناتوانی است که یکی از آنها این است که مرد به زن یا جاریه [کنیز] خود نزدیک شود و بدون آنکه با او سخن بگوید یا آماده‌اش کند، عمل جنسی را انجام دهد یا اینکه قبل از او به لذت جنسی برسد».

بنابراین احادیث می‌توان استدلال نمود که شوهر باید در هنگام عمل جنسی از همراهی و سازگاری زن و با هم رسیدن به اوج لذت و انزال اطمینان حاصل کند. امام محمد غزالی در کتاب «احیاءالعلوم» می‌گوید: «هرگاه نیاز مرد برآورده شد نباید زنش را رها کند، بلکه باید صبر کند تا او نیز به لذت جنسی برسد. چه بسا که زن از جهت رسیدن به لذت و اوج هیجان جنسی مقداری تأخیر داشته باشد. پس اگر در حالتی که زن در هیجان جنسی است او را رها کند موجب ناراحتی و آزار او می‌گردد و اختلاف طبع هر دو در رسیدن به مرحله انزال موجب نفرت زن می‌شود، در حالیکه اگر انزال همزمان باشد برای هر دو لذت‌بخش است».^۱

۱- احیاءالعلوم، ج ۲، ص ۵۰، باب آداب مباشرت.

۶- از جمله آداب مباشرت خواندن دعا است. «بخاری» از ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کدام از شما که برای نمودن نزد همسرش رفت، بگوید: بسم الله، اللهم جنبنا الشيطان و جنب الشيطان ما رزقتنا». [به نام خدا، پروردگارا؛ شیطان را از ما دور کن و از آنچه به ما ارزانی می‌کنی (منظور فرزند است) نیز شیطان را دور نما]. پس اگر خدای تعالی فرزندی به آنان ببخشد، هیچگاه شیطان نمی‌تواند به او ضرری برساند.]

۷- شوهر به هر کیفیتی که بخواهد می‌تواند با زنش نزدیکی کند شرط آنکه دخول فقط در «فرج» باشد.

این اصل را از فرموده خدای عزوجل استنباط کرده‌ایم، آنجا که می‌فرماید: «زنانتان کشتزار شمایند، پس با زنانتان نزدیکی کنید هر طوری که می‌خواهید.»^۱ مفهوم آیه این است که دخول باید فقط در فرج زن باشد زیرا فقط فرج زن است که محل کشت می‌باشد اما کیفیت نزدیکی بستگی به خواست زن و شوهر دارد، به پهلو، از جلو یا پشت، اما دخول یکی باشد که آن هم فقط فرج است.

بهترین شکل نزدیکی با زن

بهترین شکل نزدیکی آن است که مرد روی زن قرار گیرد، به گونه‌ای که زن به پشت خوابیده و پاهایش بالا آمده باشد، سپس مرد را به سینه‌ی خود بچسباند تا هر دو به اوج لذت جنسی برسند.

این کیفیت جماع از قول حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده، وقتی که شخصی از ایشان در باره چگونگی نزدیکی با زن سؤال نمود و آن در حدیثی که «مسلم» از ابوموسی اشعری روایت کرده، آمده است که گروهی از مهاجرین و انصار در موجبات غسل اختلاف نظر داشتند. انصاری‌ها می‌گفتند: فقط زمانی غسل واجب می‌شود که انزال

صورت می‌گیرد. اما مهاجرین می‌گفتند: خیر، اختلاط زن و مرد (کنایه از دخول) موجب غسل است. ابوموسی اشعری می‌گوید من این اختلاف را رفع خواهم کرد. می‌گوید خدمت حضرت عایشه رضی الله عنها رفتم و اجازه گرفتم، ایشان اجازه دادند، گفتم: «مادر! سؤالی دارم، اما از پرسیدن آن شرم دارم». فرمود: «شرم نکن!» از من سؤال کن مانند مادرت که تو را به دنیا آورده است، زیرا من مادر تو هستم.» گفتم چه چیزی موجب غسل می‌شود؟ فرمود: با فرد آگاهی مواجه شدی. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه مرد بین چهار دست و پای زن نشست (مقصود بین دو دست و دو پا) و دوختان به هم رسید [دخول سر آلت مرد در فرج زن] غسل بر هر دو واجب می‌شود.^۱

۸- اگر مجدداً قصد نزدیکی داشته باشند، باید وضو بگیرند. دلیل ما حدیثی است که «مسلم» و «ابوداود» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند که فرمود: «هر گاه هر کدام از شما با زنش نزدیکی کند، سپس مجدداً قصد تکرار آن را داشته باشد، باید وضو بگیرد، زیرا وضو گرفتن برای انجام مجدد آن، موجب نشاط خواهد شد».

البته در این مورد غسل نمودن بهتر است، زیرا «ابوداود» و «نسائی» روایت نموده‌اند که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با زنانش نزدیکی نموده و نزد هر یک غسل کرد، ابورافع - راوی حدیث - می‌گوید: از آن حضرت پرسیدم: چرا یکبار برای همه موارد غسل نمی‌نمایید؟ فرمود: «اینگونه تمیزتر، پاکتر و بهتر است».

۱- در اینجا لازم است برای رفع بعضی ابهامات توضیح دهیم ه در چهار صورت غسل بر زنان واجب می‌شود: ۱- بعد از قطع خون حیض، ۲- بعد از اختتام نفاس، ۳- خروج منی در خواب و عالم رؤیا (البته بهتر است نسبت به خروج منی، یقین حاصل شود و صرف خروج هر ترشخی موجب غسل جنابت نیست، علامت سه‌گانه تشخیص منی عبارتند از: خروج با جهش مایع سفید رنگ که همراه با شهوت جنسی و سرانجام سستی بدن است)، ۴- نزدیکی و جماع شوهر با زن که در اینصورت خروج منی شرط نیست. خانمهای مسلمان برای فهم بهتر احکامشان می‌توانند به کتاب «هدیه‌ای به خواهران»

ترجمه مولوی نذیر احمد اسلامی (در دو جلد) مراجعه کنند. [مترجم]

۹- بهتر است زن و شوهر بعد از نزدیکی برای غسل کردن عجله کنند ولی اگر حال و حوصله نداشتند پس مستحب است که قبل از خواب وضو بگیرند.

«مسلم» از عبدالله بن قیس روایت نمود که می‌گوید: از عایشه رضی الله عنها پرسیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در وقت جنابت چه می‌کردند؟ آیا قبل از خواب غسل می‌کرد یا بعد از خواب غسل می‌فرمود؟ فرمودند: «هر کدام از این کارها را انجام می‌داد، گاهی غسل می‌کرد بعد می‌خوابید و بعضی اوقات هم وضو می‌گرفت و می‌خوابیدم». گفتم: خدا را سپاسگزارم که در این امر برای ما مجال و گشایش قرار داده است.

البته واضح است که غسل بهتر است زیرا هر کدام که برای ادای نماز صبح از خواب برخاستند بدون تنبلی و مشقت یا سختی، نماز می‌خوانند و نمازشان هم فوت نمی‌شود، خصوصاً در فصل زمستان که امکان سرماخوردگی و ابتلاء به زکام هم وجود دارد.

۱۰- جایز است که زن و شوهر در یک مکان یا یک ظرف غسل نمایند. زیرا در روایتی از «شیخین» آمده است که عایشه رضی الله عنها فرمود: «من و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از یک ظرف آب برای غسل استفاده می‌کردیم و هر دو دستان خویش را داخل ظرف می‌کردیم، طوری که می‌گفتم مقداری از آب را برای من بگذار.»

همچنین مانعی ندارد که در هنگام غسل، زن و شوهر عریان باشند، لیکن با توجه به حدیث «الله احق ان يستحيا منه» که ذکر شد، اگر پوشیده باشند بهتر است.

آنچه ذکر نمودیم مهمترین دیدگاه‌های شرع مقدس اسلام در رابطه با مسائل جنسی و مباشرت و نیز برترین آدابی بود که در ارتباط با مباشرت و چگونگی انجام عمل جنسی از زاویه شریعت غرای الهی، بیان گردید.

پس ای جوان مسلمان! موقعی که موفق به ازدواج شدی و در سایه دلنشین آن قرار گرفتی با ازدواج و روابط جنسی آشنا خواهی بود.

فصل هفتم
ولیمه عروسی و آداب آن

اسلام با شریعت کامل و فراگیرش، به خاطر اهداف مهم و ارزشمندی، همچون مشارکت شخص مسلمان در مراسم شادی و سرور و حضور در جشن‌های اقشار مختلف جامعه به تدارک غذای عروسی امر کرده، تا طیفهای مختلف مردم گرد هم آیند و دوستان و نزدیکان و اهالی یک محل یا روستا دور هم جمع شوند و با صرف غذا، الفت و اخوت اسلامی بین آنها قوی‌تر شود.

بدیهی است که در چنین جشنی که همه در کنار همدیگر، اجتماع می‌کنند، اهداف شارع مقدس که از وضع چنین مجالس و مراسمی، در صدد تحقق آن است، برآورده می‌شود و از این رهگذر رابطه برادری و وحدت و یکپارچگی بین افراد جامعه مستحکم‌تر خواهد شد.

[ولیمه: غذایی است که به مناسبت جشن شادی و مراسم عروسی تدارک دیده می‌شود که اصطلاحاً سور هم نامیده می‌شود.]

حکم ولیمه بین فقهاء از مسائل اختلافی است، در نظر بعضی از ایشان واجب و نزد عده ای دیگر سنت است، اما اکثریت فقهاء ولیمه دادن در مجلس عروسی را سنت (مستحب) می‌دانند.

۱- آدابی که در ولیمه باید رعایت شود

الف - اینکه شخص ولیمه‌دهنده در صورتی که داراست با یک گوسفند یا بیشتر غذای عروسی را تهیه نماید. در این باره شیخین از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند که گفته: «پیغمبر صلی الله علیه و آله به مناسبت ازدواج با زینب دختر جحش طعام و مهمانی ترتیب داد که برای

هیچ‌یک از همسرانش مانند آن تدارک ندیده بود و گوسفندی را برای این مراسم ذبح نمود.»

ب - چنانچه ولیمه‌دهنده دارا نباشد، جایز است هر غذایی که برایش فراهم است، ولیمه عروسی بدهد، اگرچه آن طعام بدون گوشت باشد. شیخین در این مورد حدیثی از انس روایت کرده‌اند که گفته: «پیامبر ﷺ در فاصله خیبر و مدینه جهت تدارک عروسی با صفیه، سه روز درنگ فرمود، من مردم را به ولیمه ایشان دعوت کردم. ولیمه‌ای که از گوشت و نان خبری نبود، بلکه سفره‌ای چرمی بود که در آن خرما، پنیر و روغن وجود داشت که مردم از آن سیر خوردند.»

ج - مقصود صاحب مجلس از ولیمه دادن تبعیت و پیروی از روش و سنت رسول گرامی اسلام در اکرام مهمانان و طعام خوراندن به انسانهای خوب باشد. دلیل ما حدیثی است که پیامبر ﷺ فرمودند: «جز با انسان مؤمن دوستی مکن و جز به انسان پرهیزگار و منقی طعامت را مخوران.» [ابوداود، ترمذی، حاکم]

د - جایز نیست که دعوت‌شدگان فقط از اغنیاء و ثروتمندان باشند و فقراء دعوت نشوند. بنابر حدیثی که «مسلم و بیهقی» از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند، فرمودند: «بدترین غذا، غذای ولیمه‌ای است که تنها ثروتمندان به خوردن آن دعوت شوند و فقیران در آن شرکت نداشته باشند، و کسی که دعوت مراسم را قبول نکند - مراسم مشروع - از امر خدا و پیامبر خدا ﷺ سرپیچی کرده است.»

ضیافتی که در آنجا توانگران باشند شکنجه‌ای است فقیران بی‌بضاعت

[صائب]

ه - در صورتیکه داماد یا خانواده‌اش ثروتمند باشند و برایشان میسر باشد، اشکالی ندارد که در سه روز بعد از عروسی مردم را طعام دهند، زیرا پیامبر اکرم ﷺ این کار را انجام داده‌اند، دلیل ما حدیثی است که ابویعلی با سند خوب از انس روایت کرده که:

«پیامبر ﷺ با صفیه ازدواج کرد و آزادیش را مهریه ایشان قرار داد و سه روز بعد از عروسی مردم را ولیمه داد.»

و - واجب است که داماد و کسانی که غذای عروسی را تدارک می‌بینند، از هر عمل نامشروع و رفتار ناپسند که شریعت آن را منکر دانسته خودداری کنند. مانند اختلاط زنان و مردان نامحرم، آواز خواندن، خوانندگان با اسباب و آلات طرب، گذاشتن جام شراب بر سفره و فراهم نمودن بساط منقل و بافور ...

۲- آیا بر شخص دعوت شده، واجب و ضروری است که دعوت را اجابت نماید و در مراسم شرکت کند؟

کسی که برای ولیمه دعوت شده، واجب است که حاضر شده و در مراسم عروسی شرکت کند. دلیل ما حدیثی است که بخاری از پیامبر ﷺ روایت نموده که حضرت فرمودند: «اسیران را آزاد کنید، دعوت را اجابت کنید و مریضان را عیادت نمایید.» همچنین «شیخین» و دیگران از حضرت رسول ﷺ روایت نموده‌اند که «هرگاه یکی از شما برای صرف غذا در مراسم عروسی دعوت شد، باید در آن شرکت کند و کسی که دعوت را قبول نکند از فرمان خدا و رسولش، سرپیچی نموده است.»

این حدیث دلیلی است بر اینکه اجابت دعوت واجب است. چرا که لفظ [عصیان] که در حدیث شریف آمده جز بر ترک امر واجبی اطلاق نمی‌شود.

حتی اگر شخص دعوت شده به ولیمه، روزه نفل داشته باشد و به سبب عدم شرکتش در ولیمه، صاحب مجلس از او ناراحت و دلخور شود، بهتر است که روزه‌اش را بشکند و بر غذای عروسی حاضر شود، در این مورد از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: «هر کس از شما برای خوردن طعام دعوت شد واجب است در آن شرکت

کند، پس اگر روزه نداشت طعام بخورد و چنانچه روزه‌دار بود [روزه نفل] باید افطار کند [و عوضش بعداً روزه بگیرد].

آنچه به ما اجازه داد تا روزه نفل را افطار کنیم، حدیثی است که «حاکم و بیهقی» از رسول خدا ﷺ روایت نموده‌اند. شخصی که روزه مستحب گرفته، اختیار دارد، اگر می‌خواهد روزه‌دار باشد و اگر هم می‌خواهد، افطار نماید. لکن بنابر مذهب برادران احناف اگر شخصی روزه مستحبی را خورد، واجب است قضایی آن را روزه بدارد.

۳- آداب اجابت دعوت

الف - از جمله آداب دعوت این است که مدعو، قصد شادی و سرور در مراسم و حضور برای ولیمه و شریک شدن در فرح و خوشی میزبان داشته باشد، چنانچه «طبرانی» با سند حسن در کتابش از پیامبر ﷺ روایت کرده که فرمودند: «کسی که برادر مسلمانش را با آن چیزی که دوست دارد ملاقات نماید تا او را شادمان سازد، خداوند در روز قیامت او را مسرور و شادمان خواهد ساخت.»

ب - مستحب است در مناسبت ولیمه [که افراد مسلمان و مؤمن جمع می‌شوند برای خوشبختی زوجین دعای خیر و برکت کرده و به آنها تبریک و تهنیت بگویند. بهتر است برای دعای خیر، این ادعیه مأثوره را بخوانند]:

«بارک الله و بارک علیکم، و جمع بینکم فی خیر» [ترمذی]

«خدا برایت برکت دهد، مبارکت باشد و پیوندتان را به خیر گرداند.»

«اللهم اغفر لهم وارحمهم و بارک لهم فی ما رزقتهم» [مسلم]

«خداوند! ایشان را مورد رحمت و مغفرت خود قرار ده، و در رزق و روزی آنها

برکت بخش.»

«أكل طعامكم الا برار، وصلت عليكم الملائكة و أفطر عندكم الصائمون»

«نیکان بر سر سفره شما بنشینند و ملایک بر شما درود بفرستند و روزه‌داران نزدتان

افطار کنند.» [امام احمد]

ج - از خوردن و نوشیدن در ظروف طلا و نقره باید خودداری کنند، زیرا رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «در ظروف طلا و نقره ننوشید و در کاسه و بشقاب طلا و نقره

نخورید.» [بخاری و مسلم]

همچنین «شیخین» از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که در ظروف طلا و

نقره بخورد یا بیاشامد، آتش جهنم را در درون خود شعله‌ور می‌سازد.»

د - چنانچه در مراسم ولیمه، معصیت و منکری مشاهده کند و توان تغییرش را

نداشته باشد باید از شرکت در آن خودداری کند. زیرا «بیهقی» از ابن مسعود رضی الله عنه روایت

کرده که: «مردی برای او [ابن مسعود] غذایی آماده کرد و او را به خوردن آن دعوت کرد.

ابن مسعود در منزل میزبان مجسمه‌ای مشاهده کرد، لذا از رفتن به خانه امتناع ورزید تا

اینکه میزبان مجسمه را شکست، سپس داخل شد.»

و ابن ماجه از عایشه روایت نموده که فرمود: «غذایی آماده کردم و رسول خدا ﷺ را

دعوت نمودم، حضرت تشریف آوردند، ولی چون در خانه تصاویری مشاهده نمودند،

برگشتند.»

ابوالحسن حربی از امام اوزاعی روایت نموده که گفته: «در مراسم ولیمه‌ای که آلات

طرب و موسیقی و دهل باشد، حاضر نمی‌شویم.»

ه - در تبریک و تهنیت گفتن به عروس و داماد از به کار بردن عبارات جاهلیت

پرهیز کنید، چنانچه در جاهلیت می‌گفتند: «بالرفاء والبنین» زندگی مرفه و اولاد داشته

باشی. در این مورد «ابن ابی شیبیه و نسایی» از امام حسن روایت نموده‌اند که گفته

عقیل بن ابوطالب با زنی از قبیله جشم ازدواج نمود و اقوامش برای تبریک‌گویی به

دیدارش می آمدند و می گفتند: «بالرفاء والبنین». حضرت رسول ﷺ از گفتن این تبریک نهی فرمودند، گفتند: پس چه بگوییم ای ابازید؟! فرمودند: بگوئید: «بارک الله لک و بارک علیکم» «خداوند به شما برکت دهد و بر شما مبارک گرداند» به راستی که تبریک گویی این گونه به ما دستور داده شده است.

۴- مساعدت و مشارکت کسانی که تمکن مالی دارند در تهیه ولیمه

کسانی که از وسع مالی و وضعیت مادی بهتری برخوردارند، مستحب است که جهت اظهار شادمانی و شرکت در خوشی و شادمانی مراسم عروسی، و نیز همکاری در تأمین مخارج و هزینه برگزاری مراسم و محکم نمودن رابطه محبت و برادری در خرج و مخارج، داماد را یاری دهند. چنانچه «شیخان» در مورد کیفیت ازدواج پیامبر ﷺ با ام المؤمنین صفیه روایت نموده اند که انس گفته: «در سفر بودیم که پیامبر ﷺ با صفیه ازدواج کرد، او را به ام سلیم سپرد ایشان را آرایش کرده و آماده ساخت و شب هنگام او را نزد پیامبر ﷺ آورد، حضرت شب تا صبح با ایشان سپری نمود و صبحگاه فرمودند: «هرکس آنچه غذا و خوردنی همراه دارد بیاورد»، (انس می گوید: سفره ای چرمی پهن شد، هر کس چیزی آورد، پنیر و روغن و خرما در سفره گذاشته شد. از مجموع، غذایی آماده شد، سپس شروع به تناول نمودند و از آب حوضهایی که کنارشان بودند، می نوشیدند، این بود ولیمه عروسی رسول خدا ﷺ.

در روایت صحیح ثابت شده است که رسول خدا ﷺ بعد از اینکه دخترش فاطمه علیها السلام را به ازدواج علی رضی الله عنه در آورد به او گفت: «ای علی! برای عروسی سوری لازم است»، حضرت سعد که آنجا حضور داشت گفت: ای رسول خدا ﷺ من قوچی در خانه دارم و جمعی از انصار چند صاع ذرت آورند، وقتی شب عروسی شد پیامبر ﷺ فرمود: چیزی نساز تا مرا ملاقات کنی» سپس رسول خدا ﷺ آب خواست و وضو گرفت بعد از

آن آب وضو را بر بدن علی علیه السلام پاشید و فرمود: «اللهم بارک فیهما، و بارک لهما فی ابنائهما».

آنچه بیان شد مهمترین آداب و احکامی بود که اسلام در شب زفاف در مراسم ولیمه عروسی به انجام آن سفارش نموده بود ... پس بر برگزارکنندگان جشن عروسی لازم است جهت تطبیق سنت در ولیمه و اجراء این آداب در پذیرش دعوت، احکام فوق را در شبهای عروسی و زفاف مراعات کنند.

خداوند متعال یاور کسانی است که مخلصانه عامل و تطبیق‌دهنده شریعت او هستند و دستوراتش را گردن می‌نهند و پایبند احکامش هستند. به راستی او بهترین یاریگر است.

فصل هشتم
مسائلی در ارتباط با جماع و آداب
زفاف

شریعت غرای اسلام در ارتباط با جماع و آداب نزدیکی، پاره‌ای احکام و دستورات را بیان نموده که بر زن و شوهر واجب است به آنها عمل نمایند و افعال و اعمالی که موجب افتادن آنها در دایره حرام و کشانده شدنشان به گناه و معصیت می‌شود، جداً اجتناب نمایند.

لازم است زن و شوهر از موارد ذیل پرهیز نمایند:

۱- سخن گفتن با مردم در رابطه با مسائل زناشویی

سخن گفتن با مردم در رابطه با مسائل زناشویی بین زن و شوهر صراحتاً یا به صورت کنایه، حرام است.

در این باره «مسلم» و «ابوداود» از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بدترین مردم از لحاظ ارزش و منزلت نزد خداوند متعال در روز قیامت مردی است که با زنش نزدیکی می‌کند، سپس اسرار همسرش را فاش می‌سازد.

همچنین «احمد و ابوداود» از ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده‌اند که گفته: با رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز خواندیم، پس از اتمام نماز رو به ما کرد و فرمود: آیا در بین شما مردان، کسی هست که به نزد همسرش برود، در را ببندد. پرده را بیندازد (با زنش همبستر شود) سپس از منزل خارج شود و بگوید با زنی فلان و فلان کردم؟!!!! همه ساکت بودند ... پس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به زنان کرد و فرمود: آیا کسی از شما در این باره سخن می‌گوید؟ دختری جوان به زانو برخاست و خود را بالا کشیده، سرش را بلند کرد تا رسول خدا صلی الله علیه و آله او را ببیند و صدایش را بشنود. سپس گفت: آری! بخدا قسم هم از زنان و هم از مردان کسانی هستند که در این مورد سخن می‌گویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آیا می‌دانید چنین کسانی به چه چیزی شباهت دارند؟! زن و مردی که چنین کاری می‌کنند مانند دو شیطان

نر و ماده هستند که در راه به هم می‌رسند و با هم نزدیکی می‌کنند و مردم هم آنها را تماشا می‌کنند».

۲- نزدیکی مرد با همسرش در عقب (دُبُر) حرام است

در روایتی با سند خوب از «نسایی و ابن حبان» آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «خداوند به مردی که از راه عقب با زنش مجامعت می‌کند، نظر نخواهد کرد».

«ابن عدی، احمد، ابوداود» از پیامبر ﷺ روایت کرده‌اند که فرمود: «کسی که با زنان از راه عقب [دُبُر] نزدیکی کند ملعون است».

اصحاب سنن غیر از [نسایی] روایت نموده‌اند که پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که با زن حائض نزدیکی کند یا از راه عقب با زنش مجامعت کند و یا نزد کاهنی رود و گفته او را تصدیق کند، به راستی به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کافر گشته است».

«نسایی» از «طاووس» با سند صحیح روایت نموده که از ابن عباس رضی الله عنهما در باره کسی که از راه عقب با زنش نزدیکی می‌کند، سؤال کردند، فرمود: «در مور کفر سؤال می‌کنید!!».

لذا بر زن لازم است که اگر شوهرش چنین خواسته‌ای مطرح کند و تهدید کند یا اصرار ورزد، یا وعده و وعیدش دهد، تسلیم نشود. و چنانچه زن تقاضای همسرش را در این مورد اجابت کند، مانند شوهرش گناهکار خواهد بود، زیرا پیامبر ﷺ در حدیثی می‌فرمایند: «اطاعت از مخلوق در معصیت خالق روا نیست». [رواه احمد و حاکم]

شک و تردیدی نیست که نزدیکی در عقب زن، مضرّ صحّت و سلامتی و منافی ارزشها و کمالات اخلاقی است و نشانه‌ای بارز است از نشانه‌های بی‌بندوباری و انحراف، و جز انسانهای دون و فرمایه و کسانی که غیرت و مردانگی‌شان از بین رفته، کسی دست به این عمل شنیع و کثیف نمی‌زند.

۳- مجامعت با زن در حالت حیض و نفاس حرام است

مجامعت با زن در حال حیض و نفاس، حرام است، زیرا خداوند متعال فرمان داده که: «در حالت قاعدگی از (همبستری) با زنان کناره‌گیری نمایید.»^۱ و سابقاً هم در حدیثی که نقل کردیم به این اشاره داشت که کسی که با زن حائض مجامعت کند، به آنچه بر محمد ﷺ نازل شده، کافر گشته است.»

اما حرمت نزدیکی با زن در حالت «نفاس» از طریق قیاس ثابت شده از اینرو که فقها، نفاس را بنابر اشتراک علت و سبب آن با حیض قیاس کرده‌اند، و نیز از طریق اجماع هم حرمت آن ثابت شده است.

البته در حالت حیض یا نفاس، بهره‌گیری و تمتع از زن با پوشش در فاصله ناف و زانوها جایز است و استمتاع بدون لباس (در فاصله زانوها و ناف) حرام است. چنانکه در این مورد «ابوداؤد» از عبدالله بن سعد روایت نموده که گفته: از رسول خدا ﷺ پرسیدم: در حالیکه همسرم دوران قاعدگی را می‌گذارند، تا چه حد می‌توانم با وی رابطه جنسی داشته باشم؟ حضرت پاسخ دادند: «استمتاع از روی لباس برایت جایز است.»

در حدیثی که شیخین روایت نموده‌اند آمده است که: «پیامبر ﷺ با یکی از زنانش [که در حالت حیض بود] مباشرت نمی‌کرد، مگر اینکه به وی دستور می‌داد که شلوار بپوشد.»

البته فلسفه تحریم نزدیکی با زن بدون شلوار این است که احتمال دارد، نفس اماره فرد را وادار به فعل حرام کند که از جنبه شرعی حرام و از لحاظ بهداشتی مضر می‌باشد و بنابر آنچه در ضرب‌المثل آمده، کسی که گردِ گودالی بچرخد احتمال دارد در آن سقوط کند. پس ضروری است که انسان مسلمان در امور دینی و حفظ سلامتی خویش محتاط باشد و جانب تقوی و پرهیز را در زندگی و اعمال و رفتار خود رعایت کند.

از جنبه پزشکی نیز ثابت شده است که نزدیکی در حالت حیض و نفاس زینهای ذیل را به دنبال خواهد داشت:

۱- التهاب دستگاه تناسلی زن که چه بسا پیش می‌آید که این التهاب به رحم و تخمدانها نیز سرایت کند که موجب خطرات جدی می‌باشد و گاهی اوقات باعث عقیمی و نازایی در زن می‌شود.

۲- ورود مواد حیض به آلت تناسلی مرد موجب التهاب چرکین شبیه سوزاک می‌گردد و چه بسا دامنه این التهاب بیضه‌ها را در برمی‌گیرد و باعث عقیمی مرد می‌گردد. و چنانچه میکروبهای عامل سفلیس در خون حیض وجود داشته باشد، مرد هم مبتلا خواهد شد. بنابراین نزدیکی با زن در طول این مدت باعث ناباروری در زن و مرد می‌گردد و نیز باعث تضعیف سلامتی و التهاب اعضای تناسلی شده و ضرر و زیان آن فراوان می‌شود.

از این جهت پزشکان در تمامی کشورها، خصوصاً ممالک پیشرفته اتفاق نظر دارند که از جنبه جنسی باید در این مدت معین، از زنان فاصله گرفت. این مطلب را قرآن کریم، این کلام پروردگار عظیم به صراحت بیان فرموده، آنجا که می‌فرماید: [ای پیامبر ﷺ] از تو در مورد حیض می‌پرسند. بگو: حیض آزاری است. پس در مدت حیض از زنان کناره‌گیری نمایید.^۱

بنابر رأی جمهور فقها، کسی که با زن خود در حالت حیض یا نفاس نزدیکی کند باید کفاره بدهد و از این عمل خویش صادقانه توبه نماید و با پشیمانی و اظهار ندامت از خدای عزوجل طلب عفو و بخشش کند.

بنابر مذهب ابن عباس، قتاده، اوزاعی، اسحاق، احمد - در روایت دوم - و شافعی - در قول قدیمش - شوهر باید معادل یک دینار (۱۲ درهم نقره) و یا نیم دینار برحسب اینکه توانمند باشد یا فقیر و یا اینکه خون حیض سرخ یا زرد باشد، باید صدقه بدهد.

این میزان کفّاره را بر اساس حدیثی که اصحاب سنن و طبرانی از ابن عباس روایت کرده‌اند، استنباط نموده‌اند. در حدیث آمده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «کسی با زنش در حالت حیض نزدیکی کند یک یا نصف دینار باید صدقه بدهد.» و در روایت «ترمذی» آمده است که: «اگر خون قرمز بود یک دینار و اگر زرد بود نصف دینار صدقه بدهد.»

بنابر احتیاط بهتر این است کسی که با همسرش در حالت حیض یا نفاس مجامعت کرده هم صادقانه توبه نصح نماید و هم کفّاره بدهد. شاید خداوند متعال از اشتباهش درگذرد و گناهش را عفو فرماید.

۳- بر زن حرام است که هرگاه شوهرش از او تقاضای همبستری کند، از فرمانش سرپیچی نماید.

در این مورد شیخین روایت نموده‌اند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هرگاه مردی، همسرش را برای همبستری فراخواند و زن امتناع ورزد و مرد شب را خشمناک سپری کند، ملائکه خداوند تا صبح آن زن را لعن و نفرین خواهند کرد.» و در روایتی دیگر آمده است که: «ملائکه خدا او را لعنت می‌کنند مگر اینکه شوهرش از او خشنود شود.»

شایسته است زن خواسته و سلیقه همسرش را در آرایش و روابط عاطفی و ملاحظت جنسی، رعایت کند و در اوقات ویژه‌ای که شوهر نیاز به رابطه جنسی دارد تقاضای جنسی او را پاسخ گوید، تا اینکه رابطه بین او و شوهرش مستحکم شده و مودت و دوستیشان عمیق گردد و گرنه زندگی زن از سادگی به سختی و بدوقاتی مبدل خواهد شد و در نهایت این روابط بد و نادرست باعث جدایی یا طلاق خواهد گردید.

توصیه‌های پزشکان و فقهاء

الف - توصیه می‌شود که در اشباع غریزه جنسی باید حدّ اعتدال و میانه‌روی را رعایت نمود، حدّ اعتدال رابطه جنسی دوبار در هفته است که با توجه به شرایط زندگی

زوجین و محیط زندگی آنها می‌توان این مقدار را زیاد یا کم کرد، چرا که اندازه آن برای حفظ عفت و ارضای نیاز جنسی به فرد بستگی دارد.

اما در این باره نباید افراط و زیاده‌روی نمود زیرا باعث ضعف جسمانی و عقلی و ناتوانی در جهت ایفای وظایف و مسئولیتهای زندگی می‌شود و از طرفی توانایی حمل و ادای مسئولیت دینی را نیز کم خواهد کرد.

ب - معاشقه و ملامسه و آمادگی زن و شوهر قبل از نزدیکی که در مورد آن بحث شد.

ج - با توجه به روحیه حساس زن، مرد باید موقعیت مناسبی برای انجام عمل جنسی انتخاب کند. اگر نزدیکی در شرایطی انجام گیرد که زن مریض یا خسته باشد موجب حالات تنفر و بیزاری در زن می‌شود و نوعی بغض و نفرت در زن نسبت به مرد ایجاد می‌شود که گاهی اوقات منجر به جدایی می‌گردد.

د - نزدیکی در تمامی ماهها، روزها و ساعات جایز است، زن و شوهر در هر لحظه‌ای از شب یا روز که بخواهند می‌توانند نزدیکی کنند. البته غیر از اوقاتی که شریعت حرام نموده است. مانند: روزه‌دار بودن مرد و زن [روزه فرض] یا در حالت حیض و نفاس بودن زن و ...، لیکن نزدیکی کردن در شب و روز جمعه سنت است، دلیل آن حدیثی است که «بخاری» روایت کرده که رسول خدا ﷺ فرموده: «کسی که [در ساعات اولیه] روز جمعه غسل جنابت کند، سپس به نماز جمعه برود مانند آن است که شتری قربانی کرده باشد و کسی که در ساعات دوم چنین کند مثل این است که گاوی قربانی کرده است و کسی که در ساعت سوم چنین کند مثل این است که مرغی قربانی کرده و کسی که در پنجم چنان کند مانند بخشش تخم مرغی است. پس هنگامی که امام خارج می‌شود، ملائکه حاضر می‌شوند و به صحبت‌هایش گوش می‌دهند».

در حدیثی دیگر از «ابوداود و نسایی» آمده است: «هر کس در روز جمعه زنش را وادار به غسل کند [با نزدیکی کردن] و خود نیز غسل کند و اول وقت برای نماز خارج

شود و زنش را وادار کند که اول وقت خارج گردد و پیاده به نماز برود، نه سواره و نزدیک امام بنشیند و به دقت گوش دهد و در هنگام خطبه خواندن امام، سخنان بیهوده نگوید، در هر قدم او پاداش یکسال روزه و نماز شب نوشته می‌شود».

هـ - زن نباید بدون اجازه شوهر روزه مستحبی بگیرد، دلیل ما روایتی است که رسول خدا ﷺ فرمود: «برای زن حلال نیست که روزه نفل بگیرد در حالی که شوهرش شاهد است [یعنی در سفر نیست] مگر اینکه از او اجازه بگیرد». [بخاری]

بدیهی است که اجازه گرفتن زن از شوهر برای روزه نفل به‌خاطر حفظ عفاف و پاکدامنی شوهر است.

آنچه بیان کردیم مهمترین نکات در ارتباط با مسائل جنسی از نظر شریعت غرای اسلام بود، و نیز مهمترین سفارشات ارزشمندی بود که پزشکان و متخصصان امر از نقطه نظر شریعت اسلام و از منظر علم و دانش بیان کردند.

پس ای جوان تازه داماد! بر تطبیق دادن زندگیت براساس شریعت اسلام حریص باش تا از حرامها دور بمانی و زندگی زناشویی تو مطابق با اصول و مبادی باشد که اسلام وضع نموده است.

فصل نهم

حقوق – وظایف و تکالیف زناشویی

دین مقدّس اسلام برای هر کدام از زوجین [زن و شوهر] وظایف و مسؤولیتهایی در قبال شریک زندگیش وضع نموده که از هر حیث کامل و جامع، صریح و روشن است به نحوی که جای هیچ‌گونه جدال و کشمکش باقی نمی‌گذارد.

چنانچه زن و شوهر، تکالیف و وظایفی که نسبت به همدیگر دارند را مطابق دستوراتی که اسلام مشخص کرده، ادا کنند و از زیر بار مسؤولیت‌هایشان شانه خالی نکنند، نتیجه این خواهد شد که آرامش و آسایش، سعادت و کامیابی در زندگی مشترک زناشویی کامل شده و غم مشکلات و اتفاقاتی که روزانه رخ می‌دهد، صفای کانون خانواده آنها را تیره و تار نخواهد کرد.

حقوق زناشویی بر سه قسم است:

۱- حقوق زن بر شوهر

۲- حقوق شوهر بر زن

۳- حقوق مشترک بین همسران

حقوق زن بر شوهر

۱- اولین حق زن «مهریه»^۱ خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ [النساء: ۵] یعنی مهریه‌های زنان را به‌عنوان هدیه‌ای خالصانه و فریضه‌ای خدایانه به آنان پرداخت نمایید.»

۱- مهر به فتح میم - واژه‌ای عربی است که در فارسی به آن کابین، مهریه و قباله گویند. در قرآن الفاظ دیگری در معنای مهر استعمال شده است. مانند: صَدُقَةٌ، نِحْلَةٌ، فریضه، أُجْرٌ. [مترجم]

طبق نصّ قرآن کریم، مهریه زن حق خودش است و متعلق به اوست نه به دیگری و هیچ‌یک از اولیاء دختر چیزی از مهر وی را نمی‌توانند از او بگیرند و نیز پدر و مادر و شوهر زن حق ندارند چیزی از مهریه‌اش را به نفع خود اخذ کنند.^۱

خدای تعالی می‌فرماید: «اگر خواستید همسری را بجای همسری برگزینید، هرچند مال فراوانی هم مهر یکی از آنها کرده باشید، برای شما درست نیست که چیزی از آن مال دریافت دارید. آیا با بهتان و گناه آشکار، آن را دریافت می‌دارید؟!»

۲- پرداخت نفقه زن: دومین حقی که زن بر شوهر دارد «نفقه» و تأمین هزینه و مخارج زندگی است و همچنین تهیه غذا، لباس، مسکن و مداوای همسر و ... (بر اساس عرف مردم و در حدّ توانایی) بر عهده شوهر است. دلیل وجوب نفقه، سخن خداوند تبارک و تعالی می‌باشد که می‌فرماید: «بر آن کسی که فرزند برای او متولد شده (یعنی پدر) لازم است خوراک و پوشاک مادران را به‌گونه شایسته بپردازد».^۲

رسول خدا ﷺ نیز در مورد حقوق زنان می‌فرماید: «در مورد زنانان از خدا بترسید، چون آنها به حکم خدا بر شما حلال شده‌اند و امانتند نزد شما، پس بر شماست که نفقه و لباس زنان را به حدّ اعتدلال و متعارف تأمین کنید.» [روایت مسلم]

۳- حق سوم، معاشرت صحیح و رفتار نیکو است. خداوند متعال می‌فرماید: «و با همسرانتان به نیکی و به صورت پسندیده رفتار کنید، و اگر هم از آنها کراهت داشتید (شتاب نکنید و زود تصمیم به جدایی نگیرید) زیرا چه بسا از چیزی بدتان بیاید و خداوند در آن خیر و خوبی فراوان قرار بدهد.»

معاشرت نیک و رفتار پسندیده با زن دارای ابعاد متنوعی است که مختصراً بیان می‌کنیم.

۱- در اسلام چیزی به نام «شیربها» نداریم و این چیزی است که در میان مردم مرسوم شده و بوجود آمده است، بنابراین ربطی به اسلام و آداب اسلامی ندارد. [مترجم]

یکی از مصادیق معاشرت به معروف فزونی خرج و نفقه همسر است، که شوهر به اندازه‌ی توانایش از زن دریغ نکند، خداوند می‌فرماید: «کسانی که گشاده‌روزی‌اند و وضع مالی خوبی دارند، (برای همسر و فرزندان خویش) خرج نمایند»^۱ و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «مردی که برای زن و فرزندانش نفقه کند، این نفقه برایش صدقه محسوب می‌شود (پاداش دارد)».

- از دیگر موارد، مشورت کردن مرد با همسرش در امور منزل و شوهر دادن دختران است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «در مورد ازدواج دختران، با مادرانشان مشورت نمایید. [این یکی از رهنمودهای زیبای اسلام در رابطه با دختران است که هنگام ازدواج او با مادرش هم لازم است مشورت بشود، تا رضایت پدر و مادر هر دو جلب گردد و از طرفی مادران در اثر ارتباط بیشتر با دخترانشان از پدران بهتر از روحيات و علائق و تمایلات دختر خود آگاه هستند و طبعاً حرف دل دختر خود را بهتر خبر دارند از پدرش].

- مرد باید به بهترین شیوه با همسرش رفتار کند و رفتارش شایسته و آکنده از محبت و عشق باشد، با برخوردی آرام و سنجیده، سخن و کلام شیرین و لطیف، گشاده‌رویی و شادمان نمودن همسر با شوخی و سرگرمیهای مفید و مباح و اختصاص دادن لحظاتی از وقتش را برای شوخی و نشاط با همسرش، می‌تواند کانون خانواده را گرم‌تر و حقوق زن را رعایت نماید. [پیامبر ﷺ با همسرانش مزاح و شوخی می‌کرد تا سطح درجات عقل آنان در رفتار و اخلاق فرود می‌آمد. حتی روایت شده است که با حضرت عایشه رضی الله عنها مسابقه دو می‌داد. روزی پیامبر ﷺ بر او سبقت گرفت، روز دیگر عایشه مسابقه رو برد، پیامبر ﷺ فرمود: « این برد در مقابل آن باخت (یعنی مساوی)].
عمر رضی الله عنه با همه سختگیری که داشت می‌فرماید: بر مرد لازم است با زن و بچه‌اش مانند

بچه‌ها رفتار کند ولی وقتی چیزی را از او خواستند باید همانند مردان به آنان پاسخ دهد و خواسته آنان را برآورده کند.

البته مرد نباید در مزاح و بازی با همسرش از اعتدال خارج شود و تا اندازه‌ای به خواسته‌ها و تمایلاتش تن در دهد که موجب جسور شدن و بداخلاقی او گردد و هیبت و شخصیت و تسلط مردانگی‌اش را به کلی در نظر همسرش ساقط نماید؛ بلکه باید حدّ اعتدال را رعایت کند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «تعمس عبدالزوجة» [بدبخت است کسی که ذلیل و برده همسرش باشد] وقتی مرد، از تمام هوا و تمایلات همسرش اطاعت کند بصورت برده او در می‌آید. بدین خاطر است که پیامبر ﷺ او را برده و عبد نام نهاده است. [

بخاری] روایت می‌کند که روزی پیامبر اکرم ﷺ وارد خانه عایشه رضی الله عنها شد، در حالیکه دو دختر داشتند اشعار حماسی می‌سرودند. از آنجا که یک خانه بیشتر نداشتند، پیامبر ﷺ در گوشه‌ای از خانه پشت به آنها خوابید. در این حال، ابوبکر رضی الله عنه وارد شده و با مشاهده دختران ناراحت گردیده و عایشه را مورد سرزنش قرار داد. پیامبر ﷺ فرمود: «ای ابوبکر آنها را به حالشان رها کن که هر قومی عیدی دارد و امروز عید ماست.»

- مرد باید نسبت به همسرش عفو و گذشت داشته باشد و اگر نقص و اشکالی در او دید یا برخی کارهای همسرش مورد پسند او نبود، بر او سخت نگیرد، چرا که طبیعت انسانها متفاوت است و هر انسانی مکارم و محاسن مخصوص به خود را دارد، همانطور که بی‌عیب و نقص هم نیست. پیامبر ﷺ در این مورد رهنمودی زیبا به این مضمون دارند: «نباید مرد مؤمن نسبت به زن مؤمنه‌اش بغض و کینه داشته باشد. چون اگر یکی از عاداتش را نپسندد، عادت دیگرش را خواهد پسندید.» [روایت مسلم]

- شوهر باید با پوشش و لباس مناسب و آرایش‌نیکو وضعیت ظاهر خودش را برای همسرش آراسته نماید همچنانکه همسرش خود را برای او زینت داده می‌آید. [یکی از سخنان زیبایی که روایت شده آن است که روزی ابن‌عباس رضی الله عنه برای اصلاح سر و

صورت خود جلو آینه ایستاده بود، در این مورد از او سؤال شد که چرا این همه به خودت می‌رسی؟ گفت: مگر خانمم خود را برای خوشحال شدن من، آرایش نمی‌کند؟! خوب او هم بر من حق دارد که مرا آراسته و مرتب ببیند.]

امام ابویوسف [شاگرد ارشد امام اعظم (رحمه‌الله) می‌گوید: «من دوست دارم خودم را برای همسرم زینت بخشم همانند او که برای من آرایش می‌کند».

- از دیگر حقوق زن، آن است که شوهر در کارهای منزل هرچه از دستش برآید، همسرش را یاری دهد، مخصوصاً زمانی که زن مریض و رنجور باشد یا کسالتی داشته باشد که انجام کارهای منزل باعث زحمت و اذیت وی می‌شود. در سیره و روش زندگی رسول خدا ﷺ ثابت است که ایشان به بهترین شیوه با همسران خود رفتار می‌نمودند، حتی گاهی در کارهای منزل به آنان کمک می‌کرد. از عایشه رضی الله عنها پرسیدند، پیامبر ﷺ در منزل چه کاری انجام می‌داد؟ فرمود: «در انجام کارها به افراد خانواده کمک می‌کرد، اشیاء را جابجا می‌فرمود، گاهی اوقات خانه را جارو می‌زد، گوشت را قطعه‌قطعه می‌کرد و گوسفندان را می‌دوشید و کفشش را وصله می‌زد، پس هر گاه وقت نماز فرا می‌رسید، به نماز می‌ایستاد.» [روایت بخاری]

- شوهر نباید اسرار همسرش را فاش کند، منظور اسراری است که مخصوص زن و شوهر است، شوهر نباید به هیچ‌وجه از این مسائل خصوصی (زناشویی) پیش دیگران سخن بگوید. «مسلم» از پیامبر ﷺ روایت نموده که ایشان فرمودند: «بدترین انسانها از لحاظ ارزش و منزلت در روز قیامت، مرد و زنی هستند که اسرار زناشویی را فاش می‌سازند.»

۴- حفاظت خانواده از آتش جهنم: خداوند متعال به مؤمنان امر فرموده که برای نجات و حفظ اهل و اولاد خویش از عذاب جهنم، اقدامات لازم را انجام دهند: «ای مؤمنان! خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی برکنار دارید که آفرزینة آن انسانها و سنگهاست. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، زورمند و توانا هستند.

از خدا در آنچه به ایشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.^۱

علی علیه السلام در تفسیر این آیه می‌فرماید: «مراد از آن تربیت و تأدیب زن و فرزندان است». و نیز روایت شده که عمر فاروق رضی الله عنه موقع نزول این آیه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: ما خود را از آتش حفظ می‌کنیم اما خانواده را چگونه حفظ کنیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ دادند: «فرزندان را به اطاعت اوامر الهی و اجتناب از نواهی، دستور دهید از گناهان دوری جویی. این محافظت آنان از آتش سوزان جهنم است.»

«قتاده» می‌گوید: «مرد باید فرزندانش را به اطاعت از دستورات خداوند و ترک معاصی و نواهی او، دستور دهد و آنها را در این راستا یاری دهد و چنانچه نافرمانی کردند، آنها را سرزنش کند [و اجازه ندهد برخلاف راه و رسم دین خدا و سنت پیامبر گرامی عمل کنند]».

علامه آلوسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: می‌توان با استدلال به این آیه گفت که بر مرد لازم است فرائض را بیاموزد و به زن و فرزندانش بیاموزاند.»

در احادیث آمده که حضرت فرمودند، «رحمت خدا بر شخصی که خانواده‌اش را به نماز، روزه، زکات (صدقه و دستگیری یتیمان و مساکین) و ادای حق همسایگان توصیه می‌نماید، امید آنکه خداوند ایشان را در بهشت، دور هم جمع کند ...»

و گفته شده: «سخت‌ترین عذاب در روز قیامت، در انتظار کسی است که خانواده‌اش را جاهل نگه دارد» از علی رضی الله عنه در باره معنی این آیه روایت شده که فرمودند: «مرد باید به زن و فرزندانش اخلاق نیکو و رفتار شایسته بیاموزد.»

[لذا درمی‌یابیم که برخلاف معمول، حق زن و فرزند، تنها لباس و طعام خوب نیست، بلکه آنچه واجب‌تر از اینهاست تعلیم دین، اخلاق و انسانیت است. امام غزالی

می‌فرماید: شیوه محفوظ نگه داشتن فرزند این است که او را پاک، مؤدب و مهذب بار آورد؛ رفتارهای نیکو و زیبا به او یاد دهد و از رفیق بد دور نگه دارد. و نیز او را به خوشگذرانی و نازپروری عادت ندهد و به تجملات و رفاه خوشگذرانی علاقمند نسازد. تا به هنگام بزرگ شدن، تمام عمر خود را صرف به دست آوردن آنها نکند و برای همیشه بدبخت نگردد. [مترجم]

۵- مرد باید نسبت به دین و آبروی همسرش، غیرتمند باشد.^۱ معنی غیرت؛ این است که شوهر، همسر خود را از کلیه مفاتن و مواردی که باعث فتنه‌انگیزی می‌شود، حفظ کند. مانند: نگاه کردن، نشستن و اختلاط و تماس گرفتن یا صحبت کردن با نامحرمان.

شیخ محمد حامد می‌گوید: «یکی از بارزترین ویژگی‌های انسان بزرگوار، غیرت است، اطاعت و فرمانبری زن از شوهرش، دلیل روشن بر کمال مردانگی و شرافت مرد می‌باشد، از این رو همیشه در طول تاریخ، مردان کریم و پهلوانان نمونه، بر غیرت و حفاظت زنان خود مورد تحسین و تمجید قرار می‌گرفته‌اند. به راستی ضعف غیرت و عزت نفس، از بدترین ویژگی‌های یک انسان به شمار می‌آید که جز فرومایگان به آن تن نمی‌دهند».^۲

دین اسلام در مورد غیرت و حفاظت از ناموس، برنامه‌ی استواری در نظر گرفته که خلاصه‌اش چنین است:

۱- البته که مرد باید با غیرت و ناموس باشد و از آن حمایت و محافظت کند، این عمل در جای خود بسیار لازم و ضروری و کاری ستوده است. اما بگونه‌ای که به حد افراط و سوءظن و بدگمانی نرسد تا باعث ناامنی و اختلافات خانوادگی نگردد. به این معنا که در حالات درونی و کردار و رفتار زن بی‌جا و بدون علت زیاد تجسس نکند، چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید: «بر اهل و خانواده خود زیاد غیرت موزر، چون این کار تو موجب بدنامی او می‌شود». [مترجم]

۲- به نقل از کتاب «رحمت اسلام نسبت به زنان»، ص ۵۹.

الف - شوهر باید همسرش را ملزم کند که هنگام خروج از منزل، بدنش را با لباس گشاد و روپوش و چادر بپوشاند و پوشش اسلامی را کاملاً رعایت کند، چرا که خداوند متعال به پیامبرش دستور داده که این قانون الهی را به مردم ابلاغ نماید: «ای رسول خدا! به زنان و دخترانت و زنان مسلمان بگو با چادر خودشان را بپوشانند تا به این طریق از زنان دیگر تشخیص داده شوند و مورد اذیت [اشخاص حریص و بیماردل] قرار نگیرند.»^۱

ب - همچنین باید به دستور خدای متعال گوش داده و از چشم دوختن به مردان بیگانه پرهیز کنند: «و به زنان مؤمنه بگو؛ چشمان خود را از نامحرمان فرو گیرند [و چشم‌چرانی نکنند] و عورت‌های خویشان را [با پوشاندن و دوری از رابطه نامشروع] مصون دارند.»^۲

ج - خودآرایی و زینت زن فقط باید برای شوهرش باشد و زینت و آرایش خود را در معرض دید نامحرمان قرار ندهد. [متأسفانه اکثر خانم‌های به اصطلاح مسلمان، در عروسی‌ها و مجالس شادی خود را به مانند عروسکی آرایش می دهند ولی نزد شوهر، حُجب و حیایشان گل می‌کند.]^۳

خطاب خداوند است به زنان مسلمان که: «حق ندارند زینت خود را نمودار سازند، مگر پیش شوهرانشان، پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان و یا برادران، پسران، برادران و پسران خواهران خودشان و یا زنان مسلمان ...»^۴

«بزار و دارقطنی» روایت نموده‌اند که از فاطمه علیها السلام - دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله - پرسیده شد: چه چیزی برای زنان بهتر است؟ گفت: بهترین چیز برای زن، این است که هیچ مرد

۱- احزاب: ۵۹.

۲- نور: ۳۱.

۳- مترجم.

۴- نور: ۳۱.

[نامحرم] را نبیند و هیچ مردی نیز او را نبیند. حضرت ایشان را بوسید و گفت: حقاً که دختر پدرت هستی. م. منظور فاطمه علیها السلام چشم‌چرانی نکردن و خود را در معرض دید دیگران قرار ندادن است.

د - زن باید از اختلاط و آمیزش با مردان بیگانه پرهیزد، حتی اگر شوهرش به او اجازه دهد. زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «از ورود به مکانی که زن، تنها در آنجا است، پرهیز کنید! گفتند: ای رسول خدا، آیا نزدیکان [شوهر و زن] هم اجازه ندارند؟ حضرت فرمودند: «نزدیکان زن و شوهر به منزله‌ی مرگند.» [یعنی این خلوت موجب نابودی دین است اگر گناهی به وجود آید و باعث نابودی زن است اگر شوهرش در اثر غیرت و بدگمانی او را طلاق دهد].^۱

چه بسا نزدیکان شوهر از راه این اختلاطهای گناه‌آلود نسبت زن اراده سوء نمایند و با نگاه، عمل و سخن حرام او را آزار دهند و یا بر اثر وسوسه‌های شیطانی دچار کاری گردند که عاقبت خوبی نداشته باشد.

ه - شوهر، زنش را در معرض فتنه و فساد قرار ندهد. مثلاً نباید برای مدت طولانی غیبت نماید و تنهایش بگذارد و یا او را به مراکز فساد و فحشا ببرد و یا نوارها و سی‌دی‌های مبتذل و شیطانی در اختیارش قرار دهد. یا اجازه دهد از برنامه‌های خلاف شرع و عفت ماهواره^۲ استفاده کند یا به او اجازه دهد که در شب‌نشینی‌های خانوادگی یا غیرخانوادگی با مردان بیگانه نشست و برخاست کند، چرا که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ [التَّحْرِيم: ۷]

۱- مترجم.

۲- مرحوم مؤلف، بعلت فساد برنامه‌های تلویزیون کشورهای عربی «تلویزیون» را در کتاب آورده بودند که بنابر عدم وجود این مسأله در کشور اسلامی ایران ما، ماهواره را که امروزه اکثر برنامه‌های آن جزئی برنامه‌های استعماری و خلاف عفت است ذکر کردیم.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید: بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند.»

اما از غیرت مرد این نیست که بدون دلیل به همسرش بدگمان شود، یا در اوقات غیرطبیعی و عادی به‌طور سرزده به منزل سرکشی کند ... این‌ها از جمله غیرت‌ورزی‌های ناپسندی است که مورد خشم خدا و پیامبرش قرار می‌گردد.

«ابوداؤد و نسایی» از پیامبر روایت کرده‌اند که فرموده: «همانا از غیرت ورزیدن‌هایی که خداوند را خشمگین می‌سازد، غیرت ورزیدن مرد به همسرش بدون شک و شبهه است.»

«مسلم» روایت کرده که پیامبر ﷺ نهی فرموده از اینکه شخصی شب هنگام به خانه‌اش سرزند و در پی یافتن لغزشهای اهلش باشد.»

آنچه خدمت شما خواننده گرامی بیان نمودم، از مهمترین حقوقی است که شوهر نسبت به زن برعهده دارد، چنانکه اسلام عزیز امر کرده است. و این حقوق که اسلام برای زن در نظر گرفته و بر مرد واجب کرده آنها را رعایت کند از بزرگترین حقوقی است که زن در سایه تعالیم اسلام، نظام و دستورات قدیم و جدید به آن دست یافته است.

حقوق شوهر بر زن

زن خوب فرمانبر پارسا	کند مرد درویش را پادشاه
روز اگر غم خوری غم مدار	چو شب غمگسارت بود در کنار
اگر پارسا باشد و خوش‌سخن	نگه در نکویی و زشتی مکن
کرا خانه آباد و همخوابه دوست	خدا را به رحمت نظر سوی اوست

کسی بر گرفت از جهان کام دل که یکدل بود با وی آرام دل
بر آن بنده حق نکویی خواسته است که با وی دل و دست زن راست است

[بوستان سعدی، باب هفتم]

دین مقدس اسلام، همچنانکه حقوق و وظایفی را برای مرد مشخص کرده که باید به بهترین نحو نسبت به همسرش ادا کند، وظایف و مسؤولیتهایی هم بر زن واجب نموده که شایسته است آنها را در نظر گرفته و رعایت نماید و چنانچه در انجام آن کوتاهی نماید، در پیشگاه خدای عزوجل مسؤول خواهد بود. این حقوق عبارتند از:

۱- اطاعت و فرمانبرداری از شوهر به شیوه‌ای پسندیده؛ خداوند متعال می‌فرماید: «و برای همسران (حقوق و واجباتی) است (که باید شوهران ادا کنند) همانگونه که بر آنان (حقوق و واجباتی) است که (باید همسران ادا کنند) به‌گونه‌ای شایسته‌ای»^۱

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: اگر زن نمازهای پنج‌گانه را بجا آورد و روزه ماه رمضان را روزه بدارد و عفت خود را حفظ کند و اطاعت شوهر را بجا آورد، وارد بهشت می‌شود».

در حدیثی که «بزار» و «طبرانی» روایت کرده‌اند، آمده است که در زمان رسول خدا ﷺ زنی خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد: ای رسول خدا ﷺ من نماینده زنان هستم، که خدمت شما رسیده و از شما سؤالی دارم که در ارتباط با جهاد است. خداوند متعال جهاد را بر مردان فرض کرده است که اگر پیروز شوند، پاداش می‌گیرند و اگر شهید شوند، نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند!! اما ما گروه زنان که به آنان خدمت می‌کنیم، چرا از چنین اجر عظیمی محرومیم؟!

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «به زنان بگو اگر از شوهرانشان اطاعت کنند و وظایف زناشویی که برعهده آنهاست رعایت کنند، این اعمالشان برابر با جهاد در راه خداست اما کمتر کسی از شما زنان می‌تواند این کار را بطور کامل انجام دهد».

اطاعت زن از شوهرش، امر طبیعی است که مقتضای زندگی زناشویی مشترک بین آن دو است. بدون شک فرمانبری زن از شوهرش موجب حفظ کیان و هستی خانواده از نابودی و انحلال شده و باعث برانگیختن مهر و محبت قلبی شوهر به همسرش می‌گردد و در نتیجه دوستی و الفت بین اعضا خانواده عمیق و ریشه‌دار می‌شود. و نیز موجب پرچیده شدن جدال و سرکشی می‌شود که در غالب اوقات تبدیل به نزاع و دعوا می‌گردد.

خداوند متعال به‌خاطر ویژگیها و خصایص بارزی مثل نیرو و تعقل، حق سرپرستی و نگه‌داری خانواده را در دست مرد قرار داده و او را مکلف ساخته که بار هزینه و خرج خانواده را تأمین نموده، عهده‌دار آن باشد. آنجا که فرمود: «مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به‌خاطر برتریهایی که خداوند (از نظر نظام اجتماعی) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند، در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند».^۱

بدیهی است، اطاعت و فرمانبری زن از شوهر در امور پسندیده و معروف می‌باشد [یعنی در غیر اموری که گناه و نافرمانی خداوند است و یا اعمال و کارهایی که تواناییش را ندارد و یا انجام آن برایش مشقت دارد، از شوهرش اطاعت نماید] اما اگر شوهرش چیزی به او امر کرد که معصیت و نافرمانی خداست، آن وقت نباید اطاعت

نماید، زیرا پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «هیچ اطاعتی از مخلوق در معصیت و نافرمانی خالق وجود ندارد.» [حاکم و احمد]

۲- زن باید حافظ مال و حیثیت شوهر باشد و از آن محافظت کند. خداوند متعال می‌فرماید: «زنان صالحه آنانی هستند که فرمانبردار (اوامر خدا و مطیع دستور شوهران خود) بوده (و خویشان را از زنا به دور و اموال شوهران را از تبذیر محفوظ و اسرار (زناشویی) را نگه می‌دارند، چرا که خداوند به حفظ آنها دستور داده است.»

زن باید از لحاظ شخصیت زنانگی خود (ناموس) با مال شوهر به او خیانت نکند و مال و آبروی او را حفظ کند، در این مورد پیامبر ﷺ می‌فرماید: «آیا شما را از ارزشمندترین گنج یک شخص با خبر کنم؟ آن زن شایسته و درستکاری است که هرگاه شوهر نگاهش کند، مسرور و شادمان می‌شود، و هنگامی که او را به کاری امر می‌کند، اطاعت می‌نماید و در نبود همسرش، مال و ناموسش را حفظ می‌کند.» [ابوداؤد و نسایی]

[و در جایی دیگر فرموده: «چهار چیز است که به هر کس داده شود خیر دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد.» که یکی از آنها زن نیکوکاری است که به جان و مال همسرش خیانت نمی‌کند.]

از مصادیق محفوظ داشتن مال شوهر اینکه بدون اجازه و رضایت او در مالش تصرف نکند و نیز به دیگران هم ندهد مگر با مشورت و صلاحدید شوهر و اینکه فرزندان را آنگونه که خواست اوست، تربیتی نیکو نماید.

منظور از حفاظت از آبرو و حیثیت شوهر این است که زن از لحاظ شخصیت زنانگی اش به شوهر خیانت نکند، مثلاً به مردان نامحرم نگاه خائنانه نداشته باشد، سخن فتنه‌انگیز نزند، و به جاهایی که امکان آلوده شدن به گناه است نرود و فرزندان را نیز اینگونه بر اساس شئون صحیح تربیت کند.

۳- زن باید کرامت و احساسات همسرش را مراعات کند: زن باید چنان نظر شوهرش را با زیبایی و زینت و تنظیم امور خانه جلب و جذب کند که شوهر آنچه در منزل می‌بیند، می‌شوند و احساس می‌کند همه‌اش در نظر او زیبا و پسندیده باشد [اسباب خوشحالی همسرش را فراهم کند].

حقیقتاً اگر شوهر در خانه‌اش و نزد همسرش زیبایی، نظافت و پاکی را نیابد و محبت و مودت، الفت و عواطف شاداب و زنده را احساس نکند و سخنان شیرین و اخلاق متعالی و دستان پرمهر و محبت و رؤفی را نیابد، پس کجا می‌تواند طعم اینها را بچشد؟

بدبخت‌ترین مردمان، کسانی‌اند که در خانه‌شان بین زن و فرزندان بدبختی را ببینند و خوشبخت‌ترین انسانها کسی است که سعادت و خوشبختی را در کانون خانواده بین زن و بچه‌هایش مشاهده کند!!!

اسماء دختر خارجه‌الغزایه، هنگامی که دخترش را در شب عروسیش نزد شوهرش فرستاد به او اینگونه سفارش می‌کرد: «ای دخترکم! همانا تو از آشیانه‌ای که در آن رشد و نمو یافتی، خارج شدی و به سوی شوهری می‌روی که شناخت چندانی از او نداری، قرین کسی می‌شوی که با او الفت نگرفته‌ای، پس برایش زمین باش تا اینکه برایت آسمان باشد، گهواره‌اش باش تا او پایه‌های آن شود، کنیزش باش تا بنده و برده‌ات شود، ناسزا مگو به او که از تو بیزار می‌شود و از او دور نشود که فراموشت می‌کند، گر به تو نزدیک شود، نزدیکش شو و اگر از تو فاصله گرفت، از او دور شو، گوش و چشم و بینی‌اش را محفوظ بدار که از تو جز خوشبوی به مشامش نرسد، و جز خوبی و نیکویی گوشش نشنود و چشمش جز زیبایی و قشنگی نبیند...»

۴- خدمت به شوهر، انجام کارهای منزل و تربیت فرزندان: این کارها وظیفه طبیعی زن است که بخاطر آن آفریده شده، بلکه واجب است این امور اساسی و مهم را رعایت کند و در ساختن خانواده‌ای خوشبخت و آماده کردن نسلی نجیب، اصیل و ریشه‌دار،

نهایت سعی و تلاش نماید، انس رضی الله عنه می گوید: «هرگاه اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله عروس را نزد همسرش می فرستادند، به او سفارش می کردند که حقوق شوهر را رعایت کند، به شوهر خدمت نماید و فرزندان را تربیت و پرورش دهد).

«شیخین» از اسماء دختر ابوبکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده اند که می گوید: «زیبر مرا وقتی به ازدواج خود درآورد، هیچ مال و ثروت و خدمتگزاری بجز یک اسب و شتری آبکش نداشت، من اسبش را علف می دادم و به تیمار آن می پرداختم به نحوی که زیبر را از مشغول شدن به امورات آن فارغ البال کرده بودم. شتر آبکش را نیز علف می دادم و با آن آب می آوردم، و مشکهای آب را می دوختم، خمیر کردن و پخت و پز نان را انجام می دادم و شاخه های درخت خرما را از مسافت دو میل بر دوش می گرفتم و به خانه می آوردم تا اینکه ابوبکر زن خدمتگزاری را برایم فرستاد و کارهای مربوط به علف دادن و تیمار اسب را بدو واگذار کردم. گویی ابوبکر رضی الله عنه با این کار از بردگی آزادم کرد».

اما مسئولیت زن در ارتباط با تربیت و پرورش فرزندان و سرپرستی و رسیدگی به اوضاع و احوال آنان، از مهمترین وظایف اوست. خداوند متعال می فرماید: «مادران، فرزندان خود را دو سال تمام شیر می دهند»^۱

«شیخین» از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرموده: «زن در خانه شوهرش مسؤول و سرپرست بوده و مسئولیت اداره خانه و فرزندان با اوست و [در مورد افراد تحت سرپرستی اش بازخواست خواهد شد]».

خداوند، رحمت کند بر گوینده این شعر که زیبا فرموده:

اعددت شعبا طيب الاعراق

الأم مدرسة اذا اعدتها

مادر دبستانی است که گر کردی مهیا آماده کردی ملتی نیکو و والا^۱
 [و به راستی مادر به مثابه دانشگاهی است که با یک دست گهواره شیرخوارگان را
 می‌جنباند و با دست دیگر پرچم نهضت و هدایت و دعوت اسلامی را، چنانچه خوب و
 صحیح تربیت شود.]

خداوند پیامرزد شاعری که گفته «گیاهی که در باغ باصفا می‌روید با گیاهی که در
 لجن‌زار می‌روید یکی نیست، پس آیا می‌توان از بچه‌هایی که از پستانهای زنان نالایق و
 منحرف شیر می‌نوشند امید کمال و بزرگی داشت؟!».

۵- نیکی به خانواده و اقوام نزدیک شوهر: از بزرگترین و مهمترین این حقوق، نیکی
 کردن زن به والدین و خواهر و برادر شوهرش و ارتباط حسنه و رفتار نیکو با آنهاست.
 زیرا تعامل حسنه زن با اقوام شوهر موجب خوشحالی و شادمانی شوهر شده، انس و
 الفت شوهر با زن بیشتر شده و از این طریق رابطه زناشویی آن دو مستحکم شده و مهر
 و محبت بینشان پایدار می‌گردد.

پس اگر فرزند از نظر شرعی وظیفه دارد به خاطر محکم نمودن رابطه اجتماعی
 محبت به پدرش را حفظ کند، زن هم شرعاً وظیفه دارد که به طریق اولی، جهت
 استحکام بنیان خانواده به بستگان شوهر محبت و مودت نماید، تا کبوتر محبت و
 آرامش بر خانواده بال گسترده و سایانهای خانواده را انس، تفاهم و همدلی فراگیرد.

راست فرموده رسول خدا ﷺ در این حدیث که «مسلم» روایت نموده: بهترین نیکی
 این است که انسان رشته محبت و دوستی را با دوستان پدرش حفظ کند». پس اگر زن
 رشته دوستی خویشاوند همسرش را حفظ نماید، این بطریق اولی بهتر و شایسته‌تر
 است.

۱- ترجمه منظوم بیت، برگرفته از مجموعه شعر «برون آی از فراموشی» استاد دکتر محمد ابراهیم ساعدی

«حفظه‌الله» است که حاوی اشعاری جدید، شیوا و زیبا و در عین حال هدفمند می‌باشد که امیدواریم

هرچه زودتر به زیر طبع آراسته گردد. انشاءالله

آنچه گفتیم مهمترین وظایف زن بود که باید نسبت به همسرش ادا نماید (چنانکه اسلام دستور داده). و اینها حقوق ارزشمندی است که با اصول انسانی و وظیفه‌ی طبیعی زن - که به‌خاطر آن آفریده شده - کاملاً هماهنگ و سازگار است.

حقوق مشترک بین همسران

اسلام زن و شوهر را ملکف کرده که هر دو در جهت اداء حقوق مشترک همدیگر، نهایت سعی و کوشش را نموده، و آنها را مراعات نمایند.

مهمترین حقوق مشترک بین زوجین به ترتیب ذیل است:

- تعاون و همکاری زوجین برای جلب سرور و شادی و زدودن غم و اندوه از محیط خانواده تا جایی که امکان دارد.

چقدر زیباست، این سخن ابودرداء به همسرش آنگاه که می‌گوید: «هرگاه تو از من نارحت و دلخور شدی، تحمل کن و اگر من نیز از تو ناخشنود شدم، صبر و تحمل را برمی‌گزینم و اگر این‌طور نباشد، تداوم مصاحبتمان ممکن نیست.»

- همکاری و یاری دادن همدیگر در ارتباط با اطاعت خدای تعالی و سفارش نمودن هم به رعایت تقوای الهی. پیامبر اکرم ﷺ بر چنین همسرانی که یکدیگر را در طاعت و عبادت خدا یاری می‌دهند، آفرین می‌گوید. در این حدیث که «احمد و ابوداوود» از آن حضرت روایت نموده‌اند که فرموده‌اند: «خداوند رحمت کند بر مردی که شب از بستر برمی‌خیزد و نماز می‌گذارد و همسرش را نیز بیدار می‌کند و اگر بلند نشد، آب به صورتش می‌پاشد، و رحمت کند خدا بر زنی که برای نماز شب از خواب بلند می‌شود و شوهرش را برای نماز از خواب بیدار می‌کند و اگر بلند نشد آب بر صورتش پاشد.»

خداوند سبحان در سوره مبارکه نساء، شوهران را مخاطب قرارداده، می‌فرماید: «اما آن دسته از زنان را از که سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید» و معنای وعظ در این آیه نصیحت نمودن و امر کردن به تقوای الهی مورد نظر است.

- احساس مسئولیت در زندگی مشترک و بنای خانواده و تربیت فرزندان ... «شیخان» از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده‌اند که فرموده: «مرد، مسؤول اهل بیت خویش است و به خاطر آنها مورد سؤال و بازخواست قرار می‌گیرد، زن نیز مسؤول [اموال و ناموس] شوهر است و در این باره مؤاخذه می‌شود».

«ابن حبان» نیز روایت نموده که حضرت فرمودند: «روز قیامت از هر کس که مسؤول و عهده‌دار کاری است، پرسیده می‌شود که آیا افراد تحت سرپرستی‌اش را تباه نموده یا حفظ کرده است».

بدون تردید، هر فرزندی که نسبت به تربیت و پرورش او سهل‌انگاری و بی‌توجهی شود از تربیتی صحیح محروم خواهد ماند و مانند کسی زندگی خواهد کرد که بی‌سرپرست بوده، بلکه حتی از یتیمی که پدرش را از دست داده و کسی که به او توجهی نکرده هم بدتر است...

رحمت خدا بر شوقی باد با این شعر قشنگش که گفته:

یتیم کسی نیست که پدر و مادرش مرده باشند و او را

درمانده و بی‌پناه برجای گذاشته باشند.

بلکه یتیم واقعی آن کسی است که مادری بی‌توجه و

پدری مشغول به کار خود دارد.

زن و شوهر نباید اسرار خود [اسرار مربوط به مسائل زناشویی و آمیزش و جماع را

نزد دیگران بیان کنند و یا نزد مردم از همدیگر بدگویی کنند]

بنابر حدیثی که ذکر کردیم، که پیامبر فرمودند: «همانا بدترین مردم از نظر مقام و منزلت در روز قیامت نزد پروردگار، مردی است که [با همسرش آمیزش جنسی نماید] و سپس راز او را برملا کند و بالعکس».

واضح است که این افشاء اسرار و غیبت کردن از مفاسد و گناهان است که شایسته آوازه خانه و کرامت خانواده و اخلاق زن و شوهر نمی‌باشد.

- تحقق اخلاص، وفا، مودت و رحمت در محیط خانه، چنانکه خداوند تبارک و تعالی فرمان داده: «و از نشانه‌های او اینکه از جنس خودتان برای شما همسرانی آفرید، تا در کنار آنان آرامش بیابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد، در اینها نشانه‌هایست برای گروهی که تفکر می‌کنند».^۱

«طبرانی» از انس بن مالک رضی الله عنه از قول پیامبر صلی الله علیه و آله روایت نموده که فرمودند: «آیا شما را آگاه سازم از مردانی که در بهشتند؟» گفتیم: آری ای رسول خدا صلی الله علیه و آله. فرمود: «پیامبران در بهشتند و مردی که برادرش را در شهر دور به خاطر خدا ملاقات می‌کند [به دیدارش می‌رود]». پیامبر فرمودند: «آیا شما را باخبر سازم از زنان بهشتی؟» گفتیم: بله ای رسول خدا صلی الله علیه و آله. فرمود: «زنانی که زاینده هستند و نسبت به شوهرانشان محبت می‌ورزند که اگر شوهرشان از آنها ناراحت و خشمگین شود بگوید: دستم در دست تو [اختیاردارم هستی] تا از من راضی نشوی به چشمم آرامش و خواب نمی‌آید و سر بر بستر نمی‌گذارم».

از ابوهریره روایت شده که پیامبر فرمودند: «کاملترین مؤمنین از حیث ایمان کسی است که اخلاق نیکوتر داشته باشد، و بهترین شما کسانیند که نسبت به همسرانشان رفتاری نیکو دارند». [روایت ترمذی]

و نیز فرمودند: «بهترین شما کسی است که برای همسرش بهترین باشد و من از همه شما به زنانم بهترم». [روایت ابن حبان به روایت از عایشه رضی الله عنها] همسران گرامی: ای زنان و مردان، آنچه از نظر شما گذشت حقوق، وظایف و مسؤولیتهایی بود که شریعت مقدس اسلام بنیان نهاده، و تأکید نموده که در زندگی مشترکتان آنها را عملاً پیاده کنید. محبت و دوستی پیشوایتان و تعاون و همکاری منش و روش شما و رضایت و خشنودی الهی نهایتاً نصیبتان خواهد گشت.

و از این رهگذر تربیت فرزندان بر اساس موازین اسلام از جمله اهداف اساسی شما خواهد بود. و هر یک از شما با شریک زندگیتان در دوستی و اخلاص، خوشبختی و تفاهم به مثابه یک انسان خواهید بود. در این صورت امکان ندارد بیبتان اختلاف بیفتد یا خصومت و دشمنی در بین خانواده ریشه دواند. چرا که رعایت نمودن حدود الهی و اداء حقوق هر صاحب حق، و قیام در جهت مسؤولیت‌پذیری در خانواده و تربیت فرزندان و به انجام رسانیدن وظایف و مسؤولیتهای مانع از بروز کینه و دشمنی می‌شود.

از خداوند می‌خواهم که شوهران را در جهت اداء حقوق همسرانشان و بالعکس موفق گرداند؛ امید آنکه با هم در سایه زندگی زناشویی به امنیت و آرامش و سعادت و خوشبختی نائل آیند.

فصل دهم

**مشکلات و نارسایی‌های زندگی
زناشویی و چگونگی مواجهه با آن**

همانطور که در فصل پیش گفتیم، شریعت اسلام برنامه‌ی استوار، دقیق و حساب‌شده‌ای را پیش روی هریک از زوجین قرار داده است، که وظایف و مسؤولیتهای هریک از آنها را مقابل شریک زندگی‌اش، مشخص می‌کند، و نیز بیان نمودیم که هرگاه زن و شوهر این رهنمودها را به‌گونه دقیق و جدی در زندگی مشترک خود، پیاده کنند، زندگی زناشویی توأم با سعادت، خوشبختی و آرامش و امنیت خواهند داشت و غم مشکلات حاصل از نارساییهای متعدد خانوادگی و دعوی و جدالهای احتمالی، باعث دلگیری و ناراحتی ایشان نمی‌شود.

اما همیشه این‌طور نیست، مواقعی پیش می‌آید که زن یا شوهر، یا هر دو از اصل و برنامه‌ای که اسلام برای اداء حقوق و حسن معاشرت، تنظیم کرده، کوتاهی می‌کنند و کار به خصومت و جنجال می‌کشد و به تبع آن اسباب مشکلات فراهم شده و در نهایت زوجین نسبت به یکدیگر، بغض و کینه پیدا می‌کند و گاهی اختلافات و مشاجرات بحدی بالا می‌گیرد که کار به جدایی و طلاق می‌رسد.

حال چنانچه، فرض بر ناسازگار و سوء معاشرت زن باشد، آیا شرعاً برای مرد جایز است که فوراً مبادرت به طلاق نماید؟! یا باید قبل از تصمیم‌گیری برای طلاق، به منظور اصلاح و بهبود معاشرت و رفتار زن، برنامه‌های شریعت اسلام را اجرا نماید؟! و اگر فرضاً مرد با زنش سوءرفتار داشته باشد، آیا شرعاً جایز است که زن بلافاصله خواستار فرقت و جدایی شود؟! یا اینکه باید برنامه‌ی اسلام قبل از تقاضای طلاق را، امتحان کند؟!

در واقع اسلام برای ممانعت از وقوع طلاق، احتیاط‌های لازم را در نظر گرفته تا جز در مواقع ضرورت حتمی، طلاق واقع نگردد، لذا آن را ناپسندترین حلال‌ها نزد خداوند متعال محسوب می‌کند، «ابن‌ماجه و ابوداؤد» از پیامبر اکرم ﷺ روایت کرده‌اند که فرمودند: «مبغوض‌ترین و ناپسندترین حلال نزد خداوند، طلاق است».

اینک به بررسی احتیاط‌ها [پیشگیری‌ها] قبل از ازدواج و اقدامات بعد از ازدواج می‌پردازیم: اما تدابیر و اقداماتی که زن و شوهر قبل از انجام عقد زناشویی باید رعایت کنند تا کانون خانواده‌شان از گزند خطرات احتمالی محفوظ و مصون بماند و کار به طلاق نینجامد عبارتند از:

۱- اسلام به زن و مرد دستور داده تا در انتخاب شریک آینده زندگی خود، نهایت دقت و وسواس را به خرج دهند و اساس انتخابشان را بر صفت تدین و اخلاق، استوار سازند [نه جاه و مقام یا مال و جمال].

۲- به دختر و پسر توصیه شده، پیش از عقد همدیگر را ببینند [و با میزان زیبایی و ظاهر یکدیگر به‌طور مشروع و شایسته آشنا شوند، زیرا دیدار آنان در آن شرایط و آشنا شدن با تفکر و خصوصیات فردی، در آن موقعیت، زمینه‌ساز عشق و محبت و انتخاب آگاهانه‌تر می‌شود].

در فصول گذشته، این اقدامات و احتیاط‌ها را به‌طور مفصل عرض کردیم، که با مطالعه آنها جای هیچگونه بحث و مناقشه‌ای نمی‌ماند.

شکی نیست، که اگر دختر و پسر هنگام انتخاب شریک آینده زندگی خود، اصول و راهکارهایی را که بیان نمودیم، در نظر داشته باشند، آرامش خانوادگی آنها، کانون اختلاف و نزاع نمی‌شود.

اقدامات و احتیاط‌های پیشگیرانه بعد از عقد ازدواج

۱- معاشرت نیکو

اسلام به زوجین دستور داده، با هم رفتاری شایسته و محبت‌آمیز داشته باشند. مخصوصاً مرد را به اعتبار اینکه زمام طلاق در اختیار اوست، خطاب قرار داده و فرموده: «با زنان خود به گونه‌ی پسندیده رفتار کنید! و چنانچه (به‌خاطر چیزی) از آنان دلخور شدید

(شتاب نکنید و زود عکس‌العمل نشان ندهید) چه بسا از چیزی بدتان بیاید و در عین حال خداوند خیر فراوانی در آن برایتان قرار داده باشد.^۱

در این باره، در فصل حقوق زوجین، مباحثی را بیان نمودیم.

۲- نصیحت و راهنمایی

هنگامی که شوهر احساس کرد همسرش، حقوقش را رعایت نمی‌کند و در انجام وظایفی که برعهده دارد از قبیل؛ کارهای خانه و رسیدگی به فرزندان کوتاهی می‌کند، در این مرحله اسلام به شوهر دستور داده که همسرش را با نصیحت و موعظه، تذکر دهد و وظایفش را به او گوشزد نماید. و از عاقبت بدرفتاری و رابطه نامطلوبش، وی را برحذر دارد. به‌گونه‌ای که عذاب خداوند، مرگ و روز قیامت و حساب را به او یادآوری می‌کند، امید است تحت تأثیر واقع شده، رفتارش تغییر کرده و اخلاق و معاشرت را با شوهرش اصلاح نماید و وظایف و مسؤولیت‌های خود را درست انجام دهد و حقوق همسر و فرزندان را حفظ کند.

۳- ترک همبستری

اگر نصیحت و ارشاد سودی نبخشید، مرد باید در بستر از زن دوری کرده و با وی همبستر نشود. امید است از این طریق اصلاح شده و نسبت به انجام وظایف زناشویی و مسؤولیت‌هایش در قبال خانواده، اقدام کند.

۴- کتک‌کاری خفیف [که جنبه تأدیب و تربیت روانی دارد]

اگر ترک همبستری مؤثر واقع نشد، جایز است شوهر، همسرش را تا حدّ معین به‌منظور اصلاح و تأدیب، کتک‌کاری نماید. البته به اندازه‌ای که منجر به فتنه و مصیبت بدتری نگردد و نیر نیابد موضعی چون صورت، شکم یا سینه را مورد ضرب قرار دهد که

باعث ایجاد عیب و نقص و یا تلف شدن عضوی شود. چون این نوع زدن تأدیب و تهدید است نه آزار جسمی و اتلاف و زیان وی چنانکه معاویه بن حیده می‌گوید: گفتم ای رسول خدا ﷺ حق همسر بر ما چیست؟ فرمودند: «حق زن بر شما این است که هرگاه خودت طعام خوردی به وی نیز بدهی و هرگاه خود لباس پوشیدی به وی نیز لباس بپوشانی [برایش لباس تهیه کنی]، بر صورتش زنی و به وی حرف زشت نگوئی [مثلاً نگوئی خدا تو را زشت گرداند] و او را ترک نکنی مگر در خانه خود [یعنی از منزل بیرونش نکنی]».

نظر فقها در مورد زدن و تأدیب همسر

هرگاه شوهر تمرّد و عدم اطاعت همسرش را مشاهده کرد، لازم است او را با نصیحت و راهنمایی اصلاح نماید، [اگر مؤثر واقع نشد] به‌عنوان تأدیب، از زن خود در بستر دوری گزیند.

هرگاه هیچیک از این راه‌حل‌ها مفید نبود، جایز است همسرش را تا حدّ معینی به‌منظور اصلاح و تأدیب به آرامی کتک بزند، به اندازه‌ای که منجر به فتنه و مصیبت بدتری نگردد.

البته همانطور که گفتیم نباید صورت یا موضعی مثل شکم یا سینه را مورد ضرب قرار دهد که باعث عیب و نقص یا تلف شدن عضو می‌شود و در هر صورت این مورد فقط بین زن و شوهر می‌باشد. بهتر است مرد متوسل به کتک‌کاری و زدن زن نشود و روش رسول خدا ﷺ را پیشه خویش سازد، آنچه که ابن‌سعد از عایشه رضی الله عنها در این مورد روایت نموده که پیامبر ﷺ هیچگاه زنان و خادمانش را کتک نزده و هیچگاه چیزی را با دست مضروب نساخته است، مگر در جهاد [در راه خدا]».

همچنین ابن‌سعد در طبقاتش، ماجرای هفتاد تن از زنانی را آورده که نزد رسول خدا ﷺ آمده و از شوهران خود به‌خاطر کتک زدن، شکایت نمودند. پیامبر ﷺ از این موضوع غضبناک شده و فرمودند: «من هرگز دوست ندارم این وضعیت را بینم!». و موقعی که زنی از شوهرش کتک خورده بود به ایشان شکایت نمود، پیامبر ﷺ فرمودند: «چگونه یکی از شما همسرش را مانند برده کتک‌کاری می‌نماید و سپس در آغوشش می‌گیرد و گردن به گردن او می‌گذارد و (از این عملش) حیا هم نمی‌کند؟!»^۱ [در این حدیث نهی شده از اینکه مردی با زنش معامله خواجه و کنیز کند، و پس از آن در برابر وی وضع عاشق و معشوق اختیار نماید. (مترجم)].

۵- حکمیت: [داوری]

هرگاه اختلافات مابین زن و شوهر چنان شدتی پیدا کرد که هیچکدام از راه‌حل‌های قبلی مؤثر واقع نشد و زن و شوهر نتوانستند با هم به تفاهم برسند، چاره‌ای نیست جز اینکه افراد عاقل و خیراندیش از طرف دو خانواده با هم بنشینند و مشکلات موجود بین زوجین را بررسی و ریشه‌یابی نمایند و راه‌حل‌های عملی را برای برگرداندن مجدد تفاهم، صلح و سازش را به زوجین پیشنهاد کنند تا منجر به جدایی نشود و از بلای طلاق و مصیبت و بدبختی فراق، دورشان سازد.

بر مرد واجب است، که قبل از اقدام به طلاق، مراحل فوق را که از اصول و مبادی قرآن کریم در تربیت اجتماعی و برای وفاق و همدلی و اصلاح بین زوجین می‌باشد، اجراء نماید. در این رابطه، باز هم گوش می‌سپاریم به آیات حکیمانه قرآن کریم که برای اصلاح و برگشت زن به طریق حق و کانون صفا و صمیمیت زندگی، به ترتیب برایمان بیان فرموده:

«زنانی را که از نافرمانی و ناشزه بودنشان بیم دارید، با موعظه و نصیحت اصلاح کنید، اگر نصیحت فایده‌ای نداشت، رختخوابتان را از آنها جدا کنید و آنان را بزنید و اگر از شما اطاعت کردند بهانه‌جویی نکنید و آنان را بی‌خود اذیت نکنید، همانا خداوند عظیم‌الشان و بزرگوار است. ای مسلمانان! اگر بیم جدایی آنها را داشتید حَکَمی از نزدیکان مرد و حَکَمی از نزدیکان زن نزد ایشان بفرستید، اگر نیت اصلاح داشته باشند خداوند آنان را توفیق می‌دهد، به درستی که خداوند آگاه و کاردان است»^۱.

بنابراین فقهای کرام مقرر کرده‌اند در صورتیکه شوهر در هر یک از مراحل مذکور [به ترتیب] به نتیجه رسید، نباید متوسل به موارد شدیدتر شود. یعنی اگر موعظه و نصیحت مفید واقع شد، دیگر جایز نیست که شوهر با زن ترک همخوابگی نماید. همچنین اگر ترک همخوابگی مؤثر بود، جایز نیست همسرش را بزند یا طلاقش دهد.

لذا لازم است شوهر به جهت اصلاح همسرش و برگرداندنش به حق و هدایت، بر منهج و روشی که در قرآن کریم مقرر شده گام بردارد و در نحوه رفتار با همسرش متوجه مراقبت خداوند سبحان باشد و حدود الهی را رعایت نماید و نسبت به زنش

۱- سوره مبارکه نساء: آیات ۳۴ و ۳۵. در این سفارش حکیمانه خداوند متعال چند نکته لطیف وجود دارد که لازم به یادآوری است:

الف - برای اینکه عواطف و احساسات همسران جریحه‌دار نشود و اسرار خانواده به بیرون سرایت ننماید، توصیه فرموده دو داور از خانواده‌های زن و مرد [خویشاوند] باشند.

ب - این داوران به علت روابط سببی یا نسبی و عاطفی که با دو خانواده دارند با سوز و علاقه بیشتری مشکل را پیگیری نموده و برای اصلاح آن تلاش می‌کنند تا از فروپاشی کانون خانواده و آوارگی فرزندان معصوم، جلوگیری شود.

ج - مشکل آمد و رفت و سایر معضلاتی که در رابطه با داوران بیگانه وجود دارد، در داوران خانوادگی وجود ندارد، البته باید در انتخاب داوران دقت شود، تا افرادی مجرب، با درایت و با تقوی باشند.

ظلم و آزار بی‌حد روا ندارد. «پس اینها حدود الهی است، از آنها تجاوز نکنید. و هر کس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند، بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند».^۱

۶- طلاق دادن در وقت مناسب

هرگاه هیچ‌یک از راه‌حل‌های مذکور مفید واقع نشد، و کوشش برای اصلاح و توافق بی‌نتیجه ماند سازش زن و شوهر حاصل نشد و زن عناد و گردنکشی کرد و بر بدرفتاری و سوء معاشرتش مُسیر بود و از طرفی کاسه صبر شوهر هم لبریز گشت و طاقش تاق شد، در این هنگام اسلام مراتبی دیگر برای اصلاح زن و بازگشتن به کانون خانواده و اصلاح معاشرتش با شوهر مقرر فرموده است، به این خاطر به شوهر امر کرده است که:

الف - زنش را در هنگام پاکی (نبودن در عادت ماهیانه) که در آن با وی آمیزش انجام نداده باشد، طلاق دهد. پس اگر زن در حالت ناپاکی (حیض) بود، شوهر باید از طلاق خودداری کند و تا وقت پاکی زن منتظر بماند و در صورتی که زن در عادت ماهانه نباشد ولی شوهر با او نزدیکی و آمیزش کرده باشد باید منتظر بماند تا حیض شود و بعد از حیض تا هنگام طهر (پاکی) منتظر بماند (و پس از این مدت مرد می‌تواند اقدام به طلاق نماید).

(فلسفه اینکه شوهر باید برای طلاق دادن انتظار بکشد واضح است، زیرا اقدام به طلاق از جانب شوهر شاید نتیجه عواملی چون؛ تأثرات روحی، انفعالات عاطفی و ... باشد، نه نتیجه تفکر و اندیشه و درک حقایق و واقعیتها. امید است در طی انتظار، شوهر با تعقل از تصمیمش منصرف شود).

ب - شوهر نباید زنش را بیش از یک بار طلاق دهد، زیرا اگر پیشیمان شود، فرصتی داشته باشند تا دوباره زندگی مشترک را از سر بگیرند. این نوع طلاق با این شرایط که

شریعت آن را مشخص فرموده، شرعاً «طلاق سنت» نامیده می‌شود. و اگر مخالف شرایطی که شریعت برای طلاق مشخص کرده، اقدام به طلاق نماید، طلاق واقع می‌شود ولی شوهر با آن عمل خلاف شرع گناهکار خواهد شد.

مثلاً اگر شوهر زنش را در حالت قاعدگی (حیض) یا در فاصله طهر (پاکی‌ای) که با او نزدیکی کرده طلاق دهد، یا سه طلاق را در یک دفعه و با یک لفظ اجراء نماید (زنش را سه طلاقه نماید) یا بدون سبب و فقط جهت ضرر رساندن به همسرش او را طلاق دهد، این‌گونه طلاقها هرچند واقع می‌شود اما مرتکب آن گناهکار می‌شود و در شریعت «طلاق بدعت» نامیده می‌شود.^۱

۱- در این که آیه طلاق بدعی واقع می‌شود یا نه؟! قول مشهور فقها این است که طلاق در حالت حیض واقع می‌شود ولی شوهر با این عمل خلاف، گناهکار خواهد شد (آنچه که مؤلف محترم بیان داشته). ولی جماعتی از فقهای اسلام بر این نظرند که طلاق در حالت حیض واقع نمی‌شود چون به هیچ‌وجه شریعت به آن دستور نداده است و به کسی اجازه چنین کاری نداده، لذا خارج از شرع و قانون الهی است. پس چگونه حکم به صحت و اجرای آن حکم می‌شود؟!

این موضوع را فراموش نکنیم که: بسیاری از مسلمانان بجا و درست از قضیه طلاق استفاده ننموده، و در غیر جایگاه خود آن را بکار گرفته و بعنوان شمشیری برگردن زنان و تهدیدی برعلیه آنان و برای سوگند به‌خاطر امور و اشیاء پست و ناچیز مورد استفاده قرار داده‌اند. در همین رابطه بسیاری از فقها دامنه اسباب وقوع طلاق را گسترش داده و حتی ردی به وقوع طلاق آدم مست و خشمگین و مجبور شده داده‌اند. و این علی‌رغم حدیثی است که می‌فرماید: «به هنگام در تنگنا قرار گرفتن طلاق واقع نمی‌شود». ابن عباس می‌گوید: «طلاق و جدایی بر اساس میل و اختیار است که انجام می‌پذیرد». حتی برخی گفته‌اند کسی که با همسر خود هیچگونه اختلافی نداشته باشد، و در منتهای صفا و صمیمیت زندگی می‌کنند، و مرد دچار خشم شده و با لفظ طلاق ثلاثه بخواهد همسر خود را بترساند، طلاق او واقع می‌شود و همسرش بر او حرام می‌گردد؟!!

اما رسالتی که نصوص و مقاصد شریعت حکیمانه و سازگار با فطرت، در ساختن ساختمان خانواده پیام‌آور آن است، تلاش برای دوام روابط خانوادگی و هرچه بیشتر تنگ گردانیدن دایره طلاق است، نه

بعد از اینکه شوهر زنش را مطابق سنت طلاق داد، بر زن لازم است تا وقتی که عدّه‌اش منقضی می‌گردد، در خانه شوهرش بماند، چون امیدواری است که (در این مدت خشم و عصبانیت شوهر فروکش کند و احساساتش تحریک شده، و مجدداً به زندگی برگردد.

در تمام مدتی که زن عدّه را سپری می‌کند، شوهر بدون عقد و مهریه نو می‌تواند به خانمش رجوع کند، همچنین برای رجوع رضایت زن شرط نمی‌باشد و به محض اینکه مرد به زنش الفاظی مثل: «به تو رجوع کردم»، «تو را به خانه‌ام برگرداندم» یا «تو همسر من هستی» یا شبیه این کلمات بگوید، زنش به حیالّه نکاح او برمی‌گردد. این نوع طلاق در اصطلاح شرعی «طلاق رجعی» نامیده می‌شود.

اما اگر مدت عدّه به پایان رسید و شوهر به زنش رجوع نکرد و بعد از انقضای مدت پشیمان شد و تصمیم گرفت او را برگرداند، در این صورت نیاز به نکاح مجدد و مهریه جدید است، که مقصود از وضع این موارد توسط شارع مقدّس، امید به از سر گرفتن زندگی مشترک است. این نوع طلاق در اصطلاح شرعی «طلاق بائنه صغری» نامیده می‌شود.

گسترش دادن اسباب و عوامل وقوع آن. و این موضوع را می‌رساند که جز با الفاظی معین و در اوقاتی معین و با قصدی معین طلاق واقع نمی‌شود. و معتقدیم که این رأی صحیح‌ترین برداشت از دین خداوند است. و بسیاری از بزرگان و پیشینیان مانند امام بخاری، ابن تیمیه، ابن قیم و استاد قرضای و استاد غزالی و ... از دانشمندان اسلامی معاصر، و مؤیدین آنها آن را صحیح و سازگار با روح و حقیقت اسلام به‌شمار می‌آورند.

اما بدفهمی و اجرای نادرست احکام اسلام به خود مسلمانان و صاحب‌نظران مربوط می‌شود، و ربطی با تعالیم تعالی‌بخش اسلام ندارد. برای مطالعه بیشتر، ن. گ. به فتاوی‌اش شیخ الاسلام ابن تیمیه (رح)، فتاوی‌اش معاصره دکتر قرضای، تحقیقات استاد ملاعبدالله احمدیان، مسائل زنان بین سنتهای کهن و جدید استاد غزالی. (مترجم)

اما چنانچه شوهر زنش را در سه طهر (پاکی)، سه طلاق داد. بعد از مرحله سوم حق رجوع دوباره و نکاح مجدد از او سلب می‌گردد و چنین زنی برای شوهر سابقش حلال نیست تا این که زن شوهر کند و چنانچه با شوهر جدیدش سازش و تفاهم نداشت و طلاق گرفت می‌تواند با شوهر اولش ازدواج نماید.

این طلاق در اصطلاح شرعی به «طلاق بائنه کبری» که جدایی قطعی را به دنبال دارد، مشهور است. پس اگر زن مطلقه با مرد دیگری بدون زور و اجبار و فقط با میل و رضایت خودش ازدواج نماید و شوهر جدیدش بدون اکراه و تبانی او را طلاق دهد، بعد از گذراندن عده با رضایت و میل خودش می‌تواند با شوهر اولی‌اش با مهر جدید و عقد مجدد ازدواج نماید.

به راستی که در اغلب اوقات، زندگی زناشویی زنی که همسر مردی دیگر شده، و به زندگی اولیه‌اش برگشته، از ثبات و دوام بیشتری برخوردار می‌گردد. چرا که چنین زنی با مردی غیر از شوهر اولش، زندگی زناشویی را تجربه نکرده و او را نیکوتر و بهتر ندیده [و به قول معروف هر جا که رود آسمان همین رنگ است] و اشیاء با اضداد خویش شناخته می‌شوند، خداوند رحمت کند شاعری که گفته است:

نقل فوادک حیث شئت من الهوی ما الحب الال للحبیب الاول
کم منزل فی المعیش یألفه الفتی و حنیته أبراً لأول منزل

با قلبت دنبال هر آرزویی که خواستی برو، نیست محبت مگر برای اولین دوست.
چه بسیار منزلهایی است که جوان به آن انس می‌گیرد، ولی علاقه واقعی او نسبت به اولین منزل باقیست.

خداوند متعال می‌فرماید: «طلاق دو بار است (آن طلاق که حق مراجعت در آن محفوظ است بعد از دو بار طلاق، یکی از این دو کار را باید کرد: نگهداری (زن) به گونه‌ای شایسته و (عادلانه) یا رها کردن (او) به نیکی ... پس اگر (بعد از دو طلاق و

رجوع، بار دیگر باز هم) او را طلاق داد، از آن به بعد زن بر او حلال نخواهد بود مگر اینکه با شوهر دیگری ازدواج کند (و با او آمیزش جنسی نماید و ازدواج واقعی و جدی صورت گیرد نه موقتی و فریبکارانه) در اینصورت اگر (شوهر دوم) او را طلاق دهد گناهی بر آن دو (زن و شوهر او) نخواهد بود که (به کانون زندگی زناشویی) برگردند (و زن با شوهر او مجدداً ازدواج نماید) در صورتیکه امیدوار باشند که می‌توانند حدود الهی را (محترم بشمارند و) پابرجا دارند. و اینها حدود الهی است که خدا آنها را برای کسانی که آگاهند (و به شرع اسلام ایمان دارند) بیان می‌نماید.^۱

در این مبحث، ناگزیریم اشاره‌ای هم به نکاح تحلیل داشته باشیم:

نکاح تحلیل به این معنی است که زن سه‌طلاقه شده یا ولی‌اش از جانب وی با مردی دیگر برای ازدواج یک یا چند شب، پیمان می‌بندد. (و بعد از طلاق) زن با شوهر سابقش ازدواج می‌نماید. این نکاح از دیدگاه شریعت مقدس اسلام، باطل است. زیرا همانطور که بیان کردیم یکی از شروط صحت عقد، پیمان زندگی مشترک زناشویی بصورت دائم و همیشگی است نه موقتی و زودگذر، لذا در هر نکاحی که این شرط رعایت نشود باطل است و هر کس این شرایط را نادیده بگیرد مرتکب گناه و عمل حرام شده است. رسول اکرم ﷺ تحلیل‌کننده و تحلیل‌شونده را لعنت کرده، چنانچه در حدیثی که «احمد ترمذی و نسایی» از پیامبر ﷺ روایت نموده‌اند، پیامبر گرامی ﷺ اسلام فرمودند: «آیا شما را نسبت به تیس مستعار [بُز نر عاریت کرده شده] آگاه سازم؟! گفتند: آری یا رسول خدا ﷺ. پس فرمودند: «او تحلیل‌کننده است. خداوند لعنت کند محلل و محلل و محلل له را».

[محلل: کسی است که کار حلاله را انجام می‌دهد. یعنی با زن مطلقه ثلاثه ازدواج نموده و پس از تحقق بخشیدن به شرایط حلاله، آن زن را طلاق می‌دهد تا برای شوهر اولش حلال گردد به عبارتی دیگر شوهر دومی.

محلل‌له: کسی که زنش را سه طلاق بدهد و بعد از آن زن مطلقه‌اش را به ازدواج کسی درمی‌آورد مشروط بر اینکه آن شخص بعد از یک یا دو شب او را رها کند (طلاقش دهد) تا برای شوهر اولش حلال گردد.

لذا روشن است که ازدواج کردن و به ازدواج کردن به شرط حلال گناه و معصیت است. لکن با این وجود اگر کسی نکاح کند و پس از تحقق بخشیدن به شرایط حلاله، طلاق دهد. آن زن برای شوهر اول حلال خواهد شد. البته بهتر این است که فقهای محترم و بزرگوار دایره طلاق را مطابق مقاصد شریعت محصور و محدود کنند و به قول ابن‌عباس «طلاق تنها باید در اثر ناچاری و ضرورت واقع شود» تا کار به حلاله و ... نکشد (مترجم)

آیا زن می‌تواند خواهان جدایی و فرقت شود (طلاق بگیرد)؟!

همیشه اینگونه نیست که تقصیر از زن باشد، بلکه در موارد زیادی مرد مقصر است. حال اگر مرد با استفاده از حق طلاق که اسلام در اختیارش قرار داده است، می‌تواند از زن بداخلاق و بدرفتارش خلاص و رهایی یابد، اینطور نیست که زن برای رهایی از مرد بداخلاق و بدرفتارش هیچ راه خلاصی نداشته باشد.

در شریعت مقدس اسلام به این زن این حق و اختیار داده شده که در مواردی اگر بخواهد می‌تواند از شوهرش جدا شود. مواردی چون مورد آزار و اذیت قرار گرفتن، ناتوانی جنسی مرد، عدم توانایی شوهر در تأمین نفقه و غیبت مستمر و طولانی او. پس چنانچه زن بر اثر ضرب و شتم دائم از طرف همسر، توانایی ادامه زندگی مشترک را از دست دهد یا همسرش حقوق وی را رعایت نکند و نفقه‌ی او را تأمین نکند و امثال این

موارد، زن می‌تواند به قاضی درخواست طلاق بدهد، اگر برای قاضی محرز شود که حق با زن است و ایجاد صلح و سازش مشکل است، اقدام به جدایی و مفارقت بین زوجین می‌نماید و آنها را از هم جدا می‌سازد. ولی اگر مشاهده کرد که اظهارات زن صحیح نیست، توجهی به شکایت و تقاضای جدایی وی نکرده و او را به زندگی زناشویی مشترک برمی‌گرداند.

درمی‌یابیم که اسلام حق مفارقت را به‌عنوان آخرین سلاح در اختیار زن قرار داده که چنانچه به سبب از شوهرش کراهت داشت و به آن راضی نبود یا شوهرش با او رفتاری نادرست داشته باشد، می‌تواند به این نوع سلاح که «طلاق خلع» می‌باشد متوسل شود. خلع به این معنی است که زن در عوض پرداخت مقداری از مال یا پول یا بخشیدن تمام یا مقداری از مهریه‌اش به شوهر، تقاضای طلاق و جدایی نماید. دلیلی که این عمل را جایز دانسته قول خدای تعالی می‌باشد که می‌فرماید: «اگر بیم آن داشتید که اختلاف زن و مرد به حدی رسیده که حدود قوانین الهی را رعایت نمی‌کنند، برای زن و شوهر در این حالت مانعی نیست که زن چیزی را به‌عنوان فدیة و حق آزادی خود به شوهرش پرداخت نماید».^۱

این عمل، راهکاری است که شرع اجازه داده تا زن در بعضی مواقع خاص از شوهرش تقاضای طلاق کند، از این احکام عدالت اسلام، واقع‌گرایی و ارزش شریعت بی‌نظیرش در اعطای حقوق زن و مرد، برای همگان آشکار می‌شود.

البته از دیدگاه شریعت اسلام، حرام است که زن بدون اسباب و عوامل اساسی و معقول که شرع تعیین کرده، برای طلاق گرفتن و جدایی از شوهر پیشقدم شود. در این مورد «ابوداود و ترمذی» حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ روایت نموده‌اند که تأکیدی است بر

این مطلب، ایشان می‌فرمایند: «هر زنی که بدون بدرفتاری شوهرش، از او تقاضای طلاق کند، خداوند بهشت را بر او حرام می‌نماید».

همچنین با توجه به عام بودن حدیث «لا ضرر و لا ضرار» جایز نیست مرد بدون علت اساسی و دلیلی معقول زنش را طلاق دهد.

پس بر زن و شوهر لازم است که حدود الهی (اوامر و نواهی او را) در رفتار و معاشرتشان با یکدیگر به نحو احسن رعایت کنند و هریک به حقوق دیگری احترام گذاشته و مراعات یکدیگر را بکنند و از مسائلی که موجب بروز مشکلات و برانگیخته شدن کینه و نفرت و دشمنی و بالاخره منجر به طلاق و جدایی می‌شود جداً اجتناب نمایند.

و آن وقتی که زن و شوهر برای خوشبختی و سعادت خانواده و تربیت فرزندان و ایجاد خانواده فاضله در مقابل خداوند عزوجل، احساس مسؤولیت نمایند، آن زمان است که خانواده‌هایمان مکانهایی می‌شود برای تربیت بزرگان و قهرمانان و بسان مدارس می‌شود برای فارغ‌التحصیل کردن مردانی بزرگ و باغهایی می‌شوند که سایه‌هایشان را بر دیگران می‌گسترانند تا آنان هم از برکاتشان بهره‌مند شوند و در آن روز است که مؤمنین به نصرت و یاری خداوند شادمانند.

فصل یازدهم
شیوه‌های جاذبه‌آفرینی در زندگی
زناشویی

معنی زندگی، زنده دلی و شادابی روح و روان است. خوش بینی بی دلیل و بدبینی بی جهت، هر دو نگرشهایی اشتباه هستند. واقع بینی امیدوارانه، بهترین حالتی است که می توانیم انتخاب کنیم. بنابراین نوع دید ما می تواند بر سرنوشت زندگی ما تأثیرگذار باشد. چرا که فرد خوش بین با دیگران رفتاری مثبت داشته و نتیجه مثبت خواهد گرفت. متقابلاً فرد بدبین مسلماً رفتاری منفی داشته و حاصلش شکست خواهد بود.

برآید فال چون باشی بداندیش چو گفتمی نیک، نیک آمد تو را پیش

پس نسبت به همسر خود، خوش بین و واقع نگر باشید.

- در صورت ارتکاب اشتباه، همسران را ببخشید، با این کار هم خودتان به آرامش روحی و فکری می رسید، و هم موجب راحتی و آسایش شریک زندگیتان می شوید.

شیوه گفتگو را به عنوان راه حل مشکلات احتمالی زندگی خود برگزینید. گفتگویی که بر پایه کلمه ی طیبه بنا شده باشد، قلبت را هدف گرفته و آن را به محبت و سلام برمی گرداند.

- میزان گفتارتان را با همسران کنترل کنید.

سخن بسیار داری اندکی کن یکی را صد مکن، صد را یکی کن

- سلیقه همسران را مورد احترام قرار دهید و هیچگاه سلیقه های یکدیگر را مورد اعتراض و حمله قرار ندهید.

- از زحمات همسران قدردانی کنید و سعی کنید کلمات تشویق آمیز به او بگویید.

- صندوق اسرار همسران باشید. در غیر این صورت به دست خود باعث دردسر و گرفتاری خواهید شد.
- موقع سخن گفتن همسران، با دست و سر وی را تأیید کرده خود را علاقمند به شنیدن نشان دهید.
- نقاط ضعف و کمبودهایتان را درک کنید و با صبوری بیشتر به زندگی امیدوار باشید.
- تبسم، شادی و خنده را با خود حمل کرده و به همسران نیز هدیه کنید.
 خنده بر کار جهان زن چو گل، ای تازه بهار تا جهان را همه چون لاله خندان بینی
 از این وسیله بی هزینه استفاده کنید و نتیجه بگیرید.
- با همسران رابطه محبت آمیز داشته باشید، زیرا شالوده زندگی صمیمانه و سعادت‌مندانه است.
- انعطاف پذیر باشید و از اعمال خشونت و استبداد رأی جداً پرهیز کنید.
- در شرایط سخت و دشواریهای همسران از احوال وی تفقد و دلجویی کنید.
- آزادی‌های مشروع همسران را به رسمیت شناخته، رعایت نمایید.
- ریشه‌های اختلافات را با تواضع، گذشت، اغماض و فداکاری قطع کنید.
- عیوب همسران را بپوشانید و از لغزشها و نقصهای همدیگر گذشت نمایید.
- همواره حسن معاشرت و خوش خلقی را با همسران به یاد داشته باشید.
- آرامش‌تان را برای نیل به آسایش به خطر نیندازید.
- دارای اخلاق نبوی باشید و با الگو قرار دادن نبی مکرم اسلام، سعادت دنیوی و اخروی خویش را تضمین کنید.

نکته‌های طلایی در مناسبات همسری (خانواده متعادل)

خانواده متعادل به شبکه‌ای از روابط متقابل در خانواده اطلاق می‌شود که از مشکلات و موانع احتمالی و ضعف‌های رفتاری مبراً نیستند، لکن در مقابله با دشواریهای زندگی، شیوه‌ای منطقی برمی‌گزینند و در موقعیت‌های دشوار تصمیم اتخاذ می‌کنند، اینکه به اختصار به نکاتی در مناسبات همسری برای استحکام بیشتر بنیان مقدس خانواده اشاره می‌کنیم:

- ۱- تبادل عاطفی در برابر انجماد عاطفی
- تبادل عاطفی زوجین، فرصتی مناسب برای درک روحیات متقابل است. دوام و استحکام خانواده‌هدف مشروط به تلاش برای اثبات عواطف صادقانه و صمیمانه زوجین در تداوم زندگی است که در ابعاد قلبی، کلامی و عملی متجلی می‌گردد.
- ۲- مثبت‌گرایی در مقابل منفی‌گرایی (یا مثبت‌نگری و هنر خوب دیدن)
- ۳- تفاهم در برابر تخاصم (روابط حسنه)
- ۴- رفاقت در برابر لجاجت
- ۵- بال در برابر وبال
- ۶- مشارکت در برابر مفارقت
- ۷- برخورد منطقی در برابر اعمال زور
- ۸- حق‌سالاری در برابر مرد یا زن‌سالاری
- ۹- شادکامی در برابر تلخکامی (حسن معاشرت و خوش‌رفتاری زوجین)
- ۱۰- آگاهی به وظایف همسری در برابر ناآگاهی
- ۱۱- عیب‌پوشی در برابر عیب‌جویی
- ۱۲- انتقاد سازنده در برابر انتقاد مخرب
- ۱۳- رازداری در برابر رازجویی

۱۴- همگرایی در برابر واگرایی (تشخیص مصلحت زندگی و ترجیح آن بر منفعت شخصی)

۱۵- بینش تکاپویی در برابر بینش جزمی (انعطاف‌پذیر در روابط متقابل)

خاتمه

از خداوند سبحان مسئلت دارم که همه زوجهای جوانمان را بر مسیری که رضای اوست و به آن فرمان داده، موفق و پیروز بگرداند. و نیز سعی و تلاششان را در انجام احکام، دستورات و سفارشات و رهنمودهایی که در این کتاب اعم از آنچه درباره انتخاب همسران خواستگاری و حقوق زوجین بیان کردیم، قرین موفقیت قرار دهد.

یقین دارم! اگر جوانانمان دستورات شریعت مقدس اسلام را در این قرن (بیستم) در تمامی زوایای زندگی خویش پیاده نمایند، مطمئناً خواهند توانست بمانند اجداد و نیاکان خویش جامعه و حکومت اسلامی را پی افکنند و مجد و عظمت پرافتخار گذشته خویش را دوباره احیاء کرده و به عزت و هویت و تاریخ افتخارآمیز خویش نائل آیند.

پس ای جوانان مسلمان و ای دختران با ایمان و ای مردان شجاع و سربازان قهرمان اسلام، برای رسیدن به آرمانهایتان بر عمل و جهاد و استقامت خویش بیفزایید.

«و بگو (هر چه می خواهید) انجام دهید (خواه نیک؛ خواه بد. اما بدانید که) خداوند اعمال (ظاهر و باطن) شما را می بیند و (به نسبت خوبی و بدی، با شما دوستی یا دشمنی می ورزد. این در دنیا) (اما) در آخرت به سوی خدا برگردانده می شوید که آگاه از پنهان و آشکار است و شما را بدانچه می کنید مطلع می سازد».^۱

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

پایان ترجمه ۸۲/۱۱/۲۸ - روستای بازگوی

ابراهیم تیموری بازگری